



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

منش سازمانی

با رویکرد

دینی



نظافت و آراستگی

انضباط و امانتداری

مؤلف :
مهدي دانشمند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منش های سازمانی انضباط و امانتداری سازمانی با رویکرد دینی

نویسنده:

مهدی دانشمند

ناشر چاپی:

امیر فدک

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	منش های سازمانی انضباط و امانتداری سازمانی با رویکرد دینی
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۰	تقدیم
۱۲	فهرست مطالب
۱۷	مقدمه
۲۱	فصل اول: مفاهیم
۲۱	اشاره
۲۲	انضباط
۲۴	امانتداری
۲۸	فصل دوم: انضباط سازمانی
۲۸	اشاره
۲۹	آراستگی ظاهری
۲۹	اشاره
۳۱	۱- پاکیزگی بدن و لباس
۳۵	۲- مرتب بودن موی سر، محاسن و شارب
۳۷	۳. معطر بودن
۳۸	وقت شناسی و حضور به موقع در محل خدمت
۴۱	اجرای وعده ها و تعهدات در موقع مقرر
۴۵	اجرای به موقع وظایف
۵۲	برقراری نظم و انضباط در حوزه مسئولیتی
۵۸	انضباط فیزیکی محیط کار
۵۸	اشاره

۵۹	۱- ساماندهی
۵۹	۲- نظم و ترتیب
۶۰	۳- پاکیزه سازی
۶۰	۴- استانداردسازی
۶۱	۵- انضباط
۶۳	انضباط مالی و اقتصادی
۶۷	رعایت مقررات مالی و ذیحسابی
۷۲	رعایت بیت المال و استفاده بهینه از اموال و دارایی های در اختیار
۷۲	اشاره
۷۳	الف. امکانات
۷۶	ب. وقت
۷۷	ج. کار
۷۹	جلوگیری از اتلاف منابع سازمانی، اعتبارات، امکانات، تجهیزات و ...
۷۹	همانا تبذیر، نوعی اسراف است.
۸۲	نظارت بر هزینه ها
۸۷	اسراف نکردن در استفاده از وسائل و امکانات سازمان
۸۹	مرز اسراف در بیت المال
۸۹	اشاره
۸۹	۱- اتلاف
۹۰	اسراف در جایی است که مال، تلف شود.
۹۰	۲- جایگاه حکومتی
۹۱	اسراف کننده، سه نشانه دارد:
۹۲	۳- ور شکستگی
۹۲	۴- نافرمانی خدا
۹۳	۵- نیاز و کفاف
۹۴	رعایت مقررات و ضوابط در صرف بودجه و منابع

۹۷	خوش حسایی و توجه به تعهدات مالی (درون و برون سازمانی)
۱۰۲	پرهیز از ورود به فعالیت های اقتصادی غیر قانونی
۱۰۶	عدم استفاده از اموال و امکانات مجهول المالک و امکانات مردم خارج از روال قانون و شرع
۱۱۱	جذب منابع و امکانات در چارچوب قوانین و شرع مقدس
۱۱۸	انضباط سیاسی
۱۱۸	منع از ورود کارکنان و یگان در احزاب، گروه ها و جبهه ها
۱۲۳	وارد نشدن به دسته بندی های سیاسی
۱۲۵	جانبداری نکردن از مواضع گروه های سیاسی
۱۳۱	عدم تأثیرپذیری از جریانات سیاسی در اقدامات و تصمیم گیری های سازمانی
۱۳۵	فصل سوم: امانتداری سازمانی
۱۳۵	اشاره
۱۳۶	امانتداری
۱۴۰	حفظ، نگهداری و صرفه جویی در استفاده از اموال سازمانی
۱۴۶	حفظ، نگهداری و استفاده صحیح از اطلاعات (رازداری)
۱۴۹	اهمیت حفظ اطلاعات
۱۵۳	فواید رازداری و حفظ اطلاعات
۱۵۶	پاسداری از نوامیس مردم
۱۶۰	پاسداری از عرض و اسرار مردم
۱۶۶	استفاده صحیح و به جا از مسئولیت، اختیارات، امکانات و قدرت مرتبط با آن
۱۷۱	ثبت و انعکاس صحیح آمار و گزارش های مردمی و سازمانی
۱۷۷	پاسداری از اموال مردم
۱۸۷	پاسداری از جان مردم
۱۹۰	پاسداری از ارزش های درون سازمانی
۱۹۵	منابع
۲۰۱	درباره مرکز

منش های سازمانی انضباط و امانتداری سازمانی با رویکرد دینی

مشخصات کتاب

منش های سازمانی انضباط و امانتداری سازمانی با رویکرد دینی

نویسنده: مهدی دانشمند

ناشر: امیر فدک

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

به ساحت مقدس و نورانی چهارده معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) و بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (رحمه الله) و فقهای بزرگواری که در رسالت تبلیغ و تبیین معارف حقه تشیع تمام تلاش خود را بذل نمودند و همچنین شهدای هشت سال دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) از صدر اسلام تا عصر حاضر به ویژه شهید حاج قاسم سلیمانی.

قال الله الحكيم:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». سورة مائده، آیه 55.

ستایش از آن خدایی است که هیچ اولی قبل از او و هیچ آخری بعد از او نیست. خدایی که دیدگان هر بیننده ای از دیدنش قاصر و اندیشه ی هر توصیف کننده ای از وصف او عاجز است. و سپاس خدای را که شمارندگان، شمردن نعمت های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و درود بر حضرت محمد و خاندان پاک او، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان.

در ادامه بر خود لازم می دانم از تمامی اساتیدی که در مسیر رشد علمی و معنوی این حقیر همچون پدری مهربان راه کمال و معرفت را نشانم دادند تشکر نمایم.

امید است همه ی این عزیزان در پیشگاه با عظمت خداوند سبحان مأجور و محفوظ باشند.

مقدمه. 8

فصل اول: مفاهیم. 12

انضباط... 13

امانتداری... 15

فصل دوم: انضباط سازمانی... 19

آراستگی ظاهری... 20

1- پاکیزگی بدن و لباس... 23

2- مرتب بودن موی سر، محاسن و شارپ... 26

3. معطر بودن. 28

وقت شناسی و حضور به موقع در محل خدمت... 30

اجرای وعده ها و تعهدات در موقع مقرر. 33

اجرای به موقع وظایف... 37

برقراری نظم و انضباط در حوزه مسئولیتی... 43

انضباط فیزیکی محیط کار. 49

1- ساماندهی... 50

2- نظم و ترتیب... 51

3- پاکیزه سازی... 51

4- استانداردسازی... 52

5- انضباط... 52

انضباط مالی و اقتصادی... 55

رعایت مقررات مالی و ذیحسابی .. 58

رعایت بیت المال و استفاده بهینه از اموال و دارایی های در اختیار. 63

الف. امکانات 65

ص: 5

ب. وقت 67

ج. کار. 68

جلوگیری از اتلاف منابع سازمانی، اعتبارات، امکانات، تجهیزات و ... 70

نظارت بر هزینه ها 73

اسراف نکردن در استفاده از وسائل و امکانات سازمان. 78

مرز اسراف در بیت المال. 80

1- اتلاف 80

2- جایگاه حکومتی 81

3- ور شکستگی .. 83

4- نافرمانی خدا 83

5- نیاز و کفاف 84

رعایت مقررات و ضوابط در صرف بودجه و منابع. 85

خوش حساسی و توجه به تعهدات مالی (درون و برون سازمانی) 88

پرهیز از ورود به فعالیت های اقتصادی غیر قانونی .. 93

عدم استفاده از اموال و امکانات مجهول المالک و امکانات مردم خارج از روال قانون و شرع 97

جذب منابع و امکانات در چارچوب قوانین و شرع مقدس ... 102

انضباط سیاسی .. 109

منع از ورود کارکنان و یگان در احزاب،

گروه ها و جبهه ها 109

وارد نشدن به دسته بندی های سیاسی .. 114

جانبداری نکردن از مواضع گروه های سیاسی .. 116

عدم تأثیرپذیری از جریان‌ات سیاسی در اقدامات و تصمیم‌گیری‌های سازمانی.. 122

فصل سوم: امانتداری سازمانی.. 126

امانتداری.. 127

ص: 6

حفظ، نگهداری و صرفه جویی در استفاده از اموال سازمانی.. 131

حفظ، نگهداری و استفاده صحیح از اطلاعات (رازداری) 137

اهمیت حفظ اطلاعات... 140

فواید رازداری و حفظ اطلاعات... 144

پاسداری از نوامیس مردم 147

پاسداری از عرض و اسرار مردم 151

استفاده صحیح و به جا از مسئولیت، اختیارات، امکانات و قدرت مرتبط با آن. 157

ثبت و انعکاس صحیح آمار و گزارش های مردمی و سازمانی.. 162

پاسداری از اموال مردم 168

پاسداری از جان مردم 178

پاسداری از ارزش های درون سازمانی.. 181

منابع. 186

ص: 7

یکی از ابعاد مهم اخلاق سازمانی، بُعد رفتاری و روان شناختی آن است. بسیاری از مدیران با تأکید بر نقشه راهبردی اخلاق و نظریه های رفتاری سعی در آموزش و ترویج اخلاق در سازمان های خود دارند. اخلاق در سازمان به عنوان سیستمی از ارزش ها، بایدها و نبایدها تعریف شده که نیک و بد سازمان براساس آن مشخص می گردد. مجموعه قوانین اخلاقی که از ماهیت حرفه و شغل به دست آمده، اخلاق حرفه ای نام دارد. ساختار اخلاقی در سازمان به فعالیت اخلاقی سازمان قدرت بخشیده و می تواند برای سازمان های دیگر که فراتر از آن چیزی که بار خدمت رسانی سروکار دارند، مفید باشد.

در بین ارزش ها و فضائل اخلاقی انضباط و امانتداری از فضایل مهم رفتاری در بُعد فردی و سازمانی است. این مسأله با رهیافت های مختلف روان شناختی، جامعه شناختی، اخلاقی و حقوقی قابل بررسی است. در روی آورد اخلاقی، انضباط و امانت داری در پرتو مسئولیت اخلاقی کارکنان در قبال سازمان تحلیل می شود.

امروزه انضباط و امانتداری در تمامی بنگاه ها و سازمان ها جایگاه راهبردی یافته است. انضباط و امانتداری از مهم ترین توقعات افراد در تعامل شغلی است. عناصر محیط یک سازمان بر اساس انضباط و امانتداری نهادینه شده در آن سازمان به آن اعتماد می کنند. مشتریان، کارکنان، تأمین کنندگان و همه ی صاحبان حق در تعامل با سازمان های کسب و کار بر انضباط و امانتداری سازمان در قبال اموال، اسرار، اطلاعات و سایر شوؤن حرفه ای اهمیت

می دهند. به همین دلیل در منشور اخلاقی سازمان ها و عهدنامه ی اخلاقی صاحبان حِرَف و مشاغل انضباط و امانتداری دو اصل مهم و حیاتی است.

همکاری عناصر محیط داخلی و بیرونی سازمان با آن بر اساس الگوی سرمایه گذاری انجام می شود و سرمایه گذاری صرف کردن کنونی سرمایه به امید بازدهی سود در آینده است و لذا سرمایه گذاری از خطر پذیری برخوردار است. آنچه معقولیت خطر پذیری را تأمین می کند، خصلت انضباط و امانتداری سازمان است که در فرهنگ سازمانی آن نهادینه گردد. بنابراین، انضباط و امانتداری سبب اعتماد آفرینی می شود و اعتماد آفرینی رمز و راز موفقیت در کسب و کار است.

براین اساس هدف از تحقیق حاضر بررسی دو اصل انضباط و امانتداری به عنوان دو بال برای موفقیت، رشد و تعالی اخلاقی و اقتصادی سازمان هاست.

لازمه توسعه و رشد هر جامعه ای داشتن سازمان های سالم و پویاست. هر جامعه سازمان هایی دارد که برای رسیدن به اهداف باید باهم هماهنگ باشند و شرط هماهنگی این سازمان ها این است که از ویژگی های لازم و کافی یک سازمان سالم برخوردار باشند. در غیر این صورت نه تنها وظایف خود را به خوبی انجام نمی دهند بلکه در وظایف سیستم های دیگر هم اختلال بوجود می آورند.

در یک سازمان، مهارت در ایجاد یک فضای سالم انضباطی از مهمترین ویژگی های مسئولان آن سازمان است برخی از مسئولان قادرند میزان تمایل به تطبیق با قوانین و مقررات سازمان را در بین کارکنان خود وسعت بخشند.

بر اساس متن نهایی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1400 فرد ایرانی باید ده ویژگی داشته باشد که یکی از آنها انضباط است، انضباطی که در آن بر مولفه هایی همچون نظم در زندگی برنامه ریزی شخصی سلسله مراتب سازمانی تاکید می شود.

چیزی که در بررسی انضباط حائز اهمیت است ارتباط بین روشنی نقش ها با رفتارهای مسئله ساز است. امروزه این دیدگاه که انضباط باید تغییر و اصلاح رفتار و عملکرد کارکنان را به دنبال داشته باشد، مبنای تنظیم مقررات و دستورالعمل های انضباطی را تشکیل می دهد. بنابراین تنبیه کارکنان هدف نیست. بلکه بهره گیری از رویه ای که موجب تغییرات رفتاری مطلوب گردد، هدف تلقی می شود.

انضباط در هر جامعه و سازمانی لازمه و شرط اولیه هر نوع توسعه ای به شمار می رود. مطالعات نشان می دهد که برای فعالیت تمامی گروه های سازمانی وجود انضباط امری ضروری است. به عبارتی دیگر آنها باید خودشان را به نحوی منطقی با کدهای رفتاری تدوین شده توسط مدیریت سازمان تطبیق دهند و از این طریق با اهداف سازمانی، سازگاری یابند. در یک سازمان، مهارت در ایجاد یک فضای سالم انضباطی از مهمترین ویژگی های مسئولان آن سازمان است. برخی از مسئولان قادرند میزان تمایل به تطبیق با قوانین و مقررات سازمان را در بین کارکنان خود وسعت بخشند.

انسان مالک مطلق خود دارایی های خود نیست. نه تنها محیط زیست بلکه وجود آدمی نیز امانتی است نزد وی. امانتداری، دغدغه، اضطراب مثبت

مسئولیت می آورد فرد را از آرامش کاذب برخاسته از بی خبری رها کرده و در نهایت آرامش واقعی را سبب می شود.

امانتداری به مسئولیت پذیری نزدیک است مانند آن سبب افزایش پیش بینی پذیری رفتار فرد و سازمان می گردد و به اعتماد آفرینی می انجامد. امانتداری نیز همانند رازداری، حفظ حریم خصوصی، احترام صداقت، یکی از مصادیق مسئولیت پذیری است.

مؤلفه های اخلاقی همچون انضباط و امانتداری از جمله رفتارهای ارتباطی هستند که هر کدام از آنها نوعی مسئولیت پذیری اخلاقی را برای سازمان به وجود می آورند. اکنون این مسئله مطرح است که وجود انضباط و امانتداری در میان کارکنان می تواند بر اخلاقی بودن سازمان در ابعاد گوناگون رفتاری کارکنان اثر بگذارد.

مهدی دانشمند

ص: 11

در این گفتار به بررسی موضوع بسیار مهم انضباط به عنوان یک ویژگی لازم در محیط کار پرداخته می شود.

در اصطلاح عموم، نظم و انضباط در لغت به معنای، ترتیب و درستی، عدم هرج و مرج، سامان پذیری و آراستگی است. (1)

در دستگاه خلقت و نظام آفرینش، هر پدیده ای جای خاصی دارد و نقش ویژه ای به عهده اوست. گویی همه به دنبال مأموریت خود هستند تا در نهایت به هدفی غایی و یگانه دست پیدا کنند.

خالق هستی از این اندازه گیری دقیق در کائنات در کلام نورانی خویش سخن به میان آورده است:

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (2)

البته ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم.

قرآن کریم از این نظم به «إِتْقَانٌ صَّنْعٍ» تعبیر نموده است به این معنا که در آفرینش هیچ گونه خلل و شکافی نیست و عالم بر اساس نظمی محکم استوار است:

صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ (3)

ص: 13

1- . لغت نامه دهخدا.

2- . سوره مبارکه قمر، آیه 49.

3- . سوره مبارکه نمل، آیه 87.

این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده است.

ایجاد و حفظ نظم همواره یکی از اهداف مهمّ پیامبران الهی در تمام ابعاد زندگی بشری بوده است.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) درباره کتاب آسمانی آخرین پیامبر به عنوان برنامه ای منظم برای زندگی می فرمایند:

أَلَا إِنَّ فِيهِ ... نَظْمًا مَا بَيْنَكُمْ (1)

آگاه باشید که نظم و ترتیب زندگی روزمره شما در قرآن (آمده) است.

مسئله نظم و برنامه ریزی در کارهای زندگی آنقدر اهمیت دارد که حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در آخرین پیامش، فرزندان خود و مسلمانان را به تقوای الهی و نظم در کارها فراخواندند و فرمودند:

أَوْصِيكُمْ مَا وَجَدَ فِي كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ (2)

ص: 14

1- . نهج البلاغه، خطبه 157.

2- . نهج البلاغه، نامه 47.

شما را (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هر کس را که نوشته من به او می رسد به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می کنم.

بشر به تجربه این را دریافته است که بی برنامه‌گی و نداشتن اصول و مقررات در روابط انسانی باعث توقف کارهای زندگی و هرج و مرج در جامعه می گردد. وجود قوانین و قراردادهای انسانی در سازمان ها و گروه ها نشانگر این ضرورت است. پس بدون شک رسیدن به اهداف سازمانی مرهون رعایت قالب های گوناگون نظم است که در این فصل به مصادیق و جلوه هایی از آن خواهیم پرداخت.

امانتداری

امانت از کلمه «امن» به معنی ایمنی و اطمینان گرفته شده است و این اصطلاح را به این دلیل به کار می برند چون کسی که چیزی را به امانت می گذارد از خیانت نکردن کسی که امانت پیش اوست مطمئن است. در کلام علمای اسلامی امانتداری به معنای چیزی است که در نزد غیر به ودیعه سپرده می شود تا آن را برای سپارنده حفظ کند و سپس به او برگرداند.

امانت در فرهنگ لغت، دارای معانی مختلفی است، پاس داری، حفاظت، امنیت، امان، مواظبت، مراقبت، رازداری، نگه داری، آسایش و آرام-ش روح و جان از جمله معانی امانت است و مفاهیمی چون: خیانت، دزدی و چپاول،

بی وفایی، ایجاد رعب و وحشت، نیرنگ، جاسوسی، نفاق، بهتان، کتمان حقیقت و بی مبالاتی در نگه داری اسرار، متضاد آن می باشد. (1)

در قرآن کریم امانت به صورت مفرد یا جمع بارها تکرار شده است. در آیات قرآن کریم درباره پیامبران بزرگ الهی جمله «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (2)؛ من برای شما فرستاده امینی هستم، دیده می شود که نشان واضحی از اهمیت این فضیلت اخلاقی است که در کنار امر رسالت قرار گرفته، و بدون آن هرگز اعتماد امت ها به رسولان جلب نمی شد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (3)؛ و آن ها که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند.»

در این آیه به برجسته صفات مومنان راستین یعنی حفظ امانت و پایبندی به عهد و پیمان اشاره شده است. قابل توجه این است که «امانات» در این جا به صورت جمع ذکر شده که اشاره به انواع و اقسام امانت است و بسیاری از مفسران قائل هستند که امانت در این آیه، تنها شامل امانت های مالی نیست بلکه شامل امانات معنوی مانند قرآن و آیین خدا و عبادات، وظائف شرعی و هم چنین شامل نعمت های مختلفی که خداوند به انسان داده است می شود و از این جا روشن می شود که مومنان واقعی و انسان های شایسته کسانی هستند که تمام این امانت ها را مراعات کنند و مراقب حفظ همه آنها باشند.

ص: 16

1- . فرهنگ فارسی عمید، لغتنامه دهخدا، فرهنگ فارسی معین ذیل واژه امانت.

2- . سوره شعراء آیات 107، 125، 143، 162 و 178.

3- . سوره مومنون، آیه 8.

تعبیر به «راعون» که از ماده رعایت است نشان می دهد که منظور از آن چیزی بیش از ادای امانت است بلکه مراقبت همه جانبه از آن را توصیه می کند.

در احادیثی هم که از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و امامان معصوم علیهم السلام به ما رسیده است اهمیت فوق العاده ای به این مسأله داده شده است، حتی گاهی از امانت به عنوان یکی از اصول اساسی مشترک در میان همه ادیان آسمانی یاد شده است:

در حدیثی از امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آمده است:

«خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که راست گویی و اداء امانت نسبت به نیکوکار و بدکار جزء تعلیمات او بود».⁽¹⁾

شخصی به حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گفت: «ابن ابی یعفور خدمت شما سلام عرض رساند. حضرت فرمود:

«بر تو و بر او سلام. وقتی پیش او رفتی سلام به او برسان و به او بگو جعفر بن محمد می گفت: توجه کن به آن چیزی که به واسطه آن حضرت امیر المؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نزد رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به آن مقام رسید. پس به آن ملازم شو. همانا علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بدان پایه پیش رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نرسید مگر به راستی گفتار و دادن امانت».⁽²⁾

ص: 17

1- . اصول کافی، ج 2، ص 104.

2- . اصول کافی، ج 2، ص 104.

این روایات به خوبی نشان می دهد که امانت چه جایگاهی در میان تعلیمات اسلامی دارد و خیانت تا چه حد زیانبار، ویران گر و مایه بدبختی و دوری از خدا است

ص: 18

آراستن به معنای زینت دادن، تزئین کردن و همچنین به معنای منظم و مرتب بودن، هماهنگ، آماده و مهیا بودن است؛ (1) زیرا تزئین کردن به نوعی با نظم و هماهنگی همراه است و نشان دهنده آماده و مهیا بودن برای مقصودی (مثلاً ملاقات دوست) است.

راغب اصفهانی در کتاب مفردات الفاظ قرآن، زینت و آرایش را به سه دسته تقسیم کرده است:

اول زینت نفس همانند علم و اعتقادات نیکو. دوم زینت بدنی همانند قدرت و بلندی قامت. سوم زینت خارجی مانند مال و مقام و جامه نیکو و مانند آن. (2)

به نوعی می توان گفت آراستگی به دو شکل ظاهری و باطنی است. اما آنچه اکنون مد نظر است، آراستگی ظاهری است.

از آنجا که خداوند کمال مطلق است، همه هستی را بر اساس کمال و زیبایی بنیاد نهاده و جهان را به امور زیبا و کمالات آراسته است. انسان نیز به طور طبیعی و فطری به کمال و زیبایی گرایش دارد و از زشتی ها و نواقص می گریزد. این میل طبیعی چیزی جز ودیعه الهی نیست.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پیشوای ششم شیعیان این حقیقت انکارناپذیر را چنین بیان می فرمایند:

ص: 20

1- فرهنگ معین.

2- مفردات راغب، ذیل ماده زین.

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجْمِيلَ وَ يُكْرَهُ التَّبَاؤُسَ وَ التَّبَاؤُسَ (1)»

خداوند زیبایی و آراستن را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن، کراهت دارد».

میل به آراستگی در برقراری و بهبود روابط تأثیراتی مثبت دارد. پیشوایان ما نیز به اهمیت جمال و آمادگی ظاهری در ارتباطات اشاره داشته و خود در این زمینه همیشه اسوه و الگو بوده اند.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عَبْدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَ يَتَجَمَّلَ (2)»

خداوند دوست می دارد که چون بنده اش به سوی برادرانش بیرون می آید، خود را برای آنها آماده و زیبا سازد».

و در جایی دیگر امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند:

«فَإِيَّاكَ أَنْ تَتَزَيَّنَ إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِكَ (3)»

پس مبادا که جز در بهترین شکل مورد پسند قوم خود بیرون بیایی».

داشتن ظاهری آراسته در محل کار نیز اهمیت زیادی دارد. بویژه در مواقع روبرو شدن با ارباب رجوع این مسئله باید رعایت شود. ظاهر آراسته، این پیام

ص: 21

1- . الحياه ، ج6، ص215.

2- . مكارم الاخلاق، ص35.

3- . الحياه، ج 6، ص 237.

را به ارباب رجوع انتقال می دهد که شما همانطور که در ظاهر مرتب هستید در کار نیز منظم و دقیق هستید.

امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) با همه زهد و ساده زیستی که داشت، هرگز سهل انگاری در آراستگی و آراسته بودن را روا نمی دانست. روایتی از آن حضرت نشان می دهد رفاقت، صمیمیت و خویشاوندی نباید باعث کوتاهی در این زمینه شود:

«لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ كَمَا يَتَزَيَّنُ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ الْهَيْئَةِ» (1)

هر یک از شما باید خود را برای برادر مسلمانش چنان آرایش دهد که برای بیگانه ای که دوست دارد او را به بهترین هیئت ببیند، آراسته می کند».

آراستگی ظاهری موارد بسیاری دارد که می توان به مهمترین آنها اشاره کرد:

1- پاکیزگی بدن و لباس

در آموزه های دین مبین اسلام به پاکیزگی بسیار اهمیت داده شده تا حدی که نظافت را نیمی از ایمان برشمرده است.

پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمایند:

ص: 22

«النَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ (1)»

نظافت از ایمان است».

رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به پاکیزگی و نظافت بدن نیز سفارش بسیار می کردند و می فرمایند:

تَنْظِفُوا بِالْمَاءِ مِنَ الْمُتَنَنِ الرَّيْحِ الَّذِي يُتَاءَذَّى بِهِ، تَعَهَّدُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ مِنْ عِبَادِهِ الْقَادُورَةَ الَّذِي يُتَاءَثَّفُ بِهِ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ (2)

خویشتن را با آب از هر بوی بد زننده ای که موجب اذیت می شود، پاکیزه کنید و خود را عهده دار این کار سازید؛ زیرا خداوند بزرگ از بندگان خود آن کس را که به سبب کثیفی و آلودگی موجب اذیت همنشین خود می گردد، دشمن می دارد.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مورد شخص آلوده باز فرموده اند:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبْغِضُ الْوَسِخَ وَالشَّعِثَ (3)

ص: 23

1- . طب النبی، ص 21.

2- . بحار الانوار، ج 73، ص 84.

3- . نهج الفصاحه، ص 304.

خداوند متعال شخص آلوده و ژولیده را دشمن می دارد.

یکی از مهم ترین نشانه های پاکیزگی و آراستگی برای هر انسانی، تمیز و مرتب بودن لباس است که نه تنها نشانه شخصیت فرد بلکه در کیفیت روابط اجتماعی تأثیر بسزایی دارد.

قرآن کریم از لباس با عنوان نعمت یاد کرده و به تنوع لباس در مشاغل و موقعیت های گوناگون اشاره نموده است:

جَعَلَ لَكُمْ سَرَائِلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ وَ سَرَائِلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ، كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ، لَعَلَّكُمْ تُسَلِمُونَ(1)

برای شما پیراهن هایی آفریده که شما را از گرما (و سرما) حفظ می کند و پیراهن هایی که هنگام جنگ حافظ

شماست. این گونه نعمت هایش را بر شما کامل می کند شاید تسلیم فرمان او شوید.

حضرت امام جعفر صادق(عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز در سخنی زیبا آراستگی ظاهری را نوعی اظهار نعمت الهی معرفی می کنند:

فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا. قِيلَ: وَ كَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: يُنْظَفُ ثَوْبُهُ وَ يُطَيَّبُ رِيحُهُ(2)

ص: 24

1- . سوره مبارکه نحل، آیه 81.

2- . الحياه، ج 6، ص 215.

هنگامی که خداوند به بنده ای نعمتی داد، دوست دارد اثر آن نعمت را در زندگی او ببیند. پرسیدند این ظهور نعمت خدا در زندگی چگونه باید باشد؟ فرمود لباسش تمیز باشد و از عطر و بوی خوش استفاده کند (و خود را معطر و خوشبو سازد).

پیشوایان دین اسلام همواره به تمایل جوان به خودآرایی و تجمل دوستی در چارچوب اخلاق و مصلحت جامعه توجه کرده اند و خودآرایی را برای جوان تحریم نکرده اند.

حکایت معروفی است که حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جامه بهتر را به غلام جوانش قنبر داد. به وی فرمود تو جوانی و مانند سایر جوانان به تجمل و زیبایی رغبت بسیار داری و به علاوه من از خدای خود حیا می کنم که لباس خودم بهتر باشد.

باید توجه کرد که برای هر عملی، حد و اعتدال نگه داشتن مطلوب است و نباید افراط یا تفریط باشد. اسلام نه ژولیدگی و ژنده پوشی را می پسندد و نه لباس شهرت، تبرّج و فتنه انگیزی را.

بر این اساس، همانگونه که آراستگی حلال و شایسته موجب استحکام و ایجاد نشاط و سلامت در ارتباطات می شود، آراستگی ناشایست و حرام، موجب فساد فرد و جامعه می شود.

2- مرتب بودن موی سر، محاسن و شارب

در مقابل آراستن (که معمولاً با افزایش همراه است)، پیراستن قرار می‌گیرد که ویژگی آن کاستن و زدودن شاخ و برگ است. از موارد پیراستن می‌توان به اصلاح موی سر و صورت اشاره کرد که تأثیر بسیاری در زیبایی ظاهر دارد.

- آراستگی مو

یکی از نشانه‌های آراستگی هر مردی آراستگی و نظافت موی سر و صورت اوست که پیشوایان معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) نیز بسیار به آن اشاره کرده‌اند.

رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درباره اهمیت مراقبت از مو می‌فرمایند:

مَنْ اتَّخَذَ شَعْرًا فَلْيُحْسِنْ وَلَا يَتَّهْ أَوْ لِيَجْزَهُ (1)

هر کس مو بگذارد باید خوب به آن برسد یا کوتاهش کند.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز در مورد فواید کوتاه نمودن مو فرموده‌اند:

اسْتَأْصِلْ شَعْرَكَ يَبْلُ دَرْنُهُ وَ دَوَابُّهُ وَ وَسِخُهُ وَ تَغْلِظُ رِقَبَتَكَ وَ يَجْلُو بَصْرَكَ (2)

موی سرت را کوتاه کن؛ چرا که کوتاه کردن مو آلودگی‌ها و انگل‌های آن را کم و گردنت را استوار و نور چشمت را افزون می‌کند.

امام کاظم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز درباره اصلاح و تمیزی مو این چنین سفارش می‌فرمایند:

ص: 26

1- . الکافی، ج 6، ص 485.

2- . من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 129.

إِنَّ الشَّعْرَ عَلَى الرَّأْسِ إِذَا طَالَ أضعَفَ البَصَرَ وَذَهَبَ بِصَوءِ نُورِهِ، وَطَمَّ الشَّعْرَ يَجْلِي البَصَرَ، وَيزِيدُ فِي صَوءِ نُورِهِ(1)

همانا موی سر چون دراز شود، بینایی را ضعیف کرده، نور چشم را می برد و کوتاهی موی سر موجب جلای دیده و فزونی نور آن می گردد.

شانه زدن، روغن مالیدن و خضاب کردن نیز از سنت پیامبر اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است. این مراقبت ها علاوه بر تأثیر مثبت آن در ارتباطات انسانی فواید بسیار برای سلامت بدن و روان آدمی دارد.

- آراستگی محاسن و شارب

در دین اسلام تراشیدن ریش، همواره مورد نکوهش بوده و در مورد کوتاه کردن شارب نیز توصیه اکید شده است؛ از جمله رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمایند:

إِنَّ المَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهِمُ وَوَفَّرُوا شَوَارِبَهُمْ، وَإِنَّا نَحْنُ نَجُزُّ الشَّوَارِبَ وَنُعْفِي اللِّحَى، وَهِيَ الفِطْرَةُ(2)

همانا مجوس ریش های خود را می زدند و سبیل های خود را انبوه می گذاشتند، ولی ما (مسلمانان) سبیل ها را می زنیم و ریشها را بلند می گذاریم و این روش با فطرت و خلقت مطابق است.

مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درباره حکم شارب می فرمایند:

ص: 27

1- . بحار الانوار، ج 73، ص 85.

2- . بحار الانوار، ج 73، ص 112.

«بلند نمودن آن به مقداری که هنگام خوردن و آشامیدن با غذا یا آب برخورد کند، مکروه است.»(1)

3. معطر بودن

استفاده از بوی خوش، جزو سیره و سنت پیشوایان دین اسلام است و به مسلمانان نیز سفارش کرده اند که بخشی از درآمد خود را به خریدن عطر اختصاص دهند. بوی خوش علاوه بر ایجاد جاذبه در ارتباطات اجتماعی در سلامت روانی فرد نیز مؤثر است و به او نشاط و شادابی می بخشد.

امام صادق(عَلَيْهِ السَّلَامُ) در مورد میزان مصرف عطر پیامبر(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زندگی فرموده اند:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يُتَّقِي عَلَى الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُتَّقِي عَلَى الطَّعَامِ(2)

پیامبر اکرم(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) برای بوی خوش، بیشتر از غذا هزینه می کرد.

امام رضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز درباره جد بزرگوارش صادق آل محمد(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمایند:

كَانَ يُعْرِفُ مَوْضِعَ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي الْمَسْجِدِ بِطِيبِ رِيحِهِ وَ مَوْضِعَ سُجُودِهِ(3)

جایگاه امام جعفر صادق(عَلَيْهِ السَّلَامُ) در مسجد از بوی خوش و از جای سجودش شناخته می شد.

همچنین حضرت رضا(عَلَيْهِ السَّلَامُ) درباره اهمیت و ضرورت استفاده از بوی خوش می فرمایند:

ص: 28

1- . استفتانات رهبر معظم انقلاب.

2- . سنن النبی، ج 1، ص 198.

3- . مکارم الاخلاق، ص 42.

لَا يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدْعَ الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمٌ وَيَوْمٌ لَا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَلَا يَدْعُ ذَلِكَ (1)

برای مؤمن شایسته نیست که عطر زدن را در هیچ روزی ترک کند و اگر بر آن توانایی ندارد یک روز عطر بزند و یک روز نزند و اگر به آن هم توانایی ندارد، هر جمعه عطر بزند و آن را ترک نکند.

لازم به ذکر است آراستگی بانوان مسلمان در محیط اجتماعی باید بدون زینت و آرایش باشد و در استفاده از عطر در محیط اجتماعی دقت کنند که از مصرف عطرهای تند و شدید پرهیز کنند. ایشان می توانند در کمال پاکیزگی و مرتب بودن، رعایت سادگی و وقار را در اجتماع به ویژه محیط کار بنمایند.

وقت شناسی و حضور به موقع در محل خدمت

وقت شناسی از مظاهر داشتن انضباط فردی و اجتماعی است. در بُعد فردی آن می توان گفت کسی که برای زندگی فردی خود برنامه ریزی و انتظام دارد خود را به وقت شناسی ملزم می داند. در بُعد اجتماعی نیز وقت شناسی احترام گذاشتن به حقوق مردم است.

انسان علاوه بر اینکه باید محافظ اوقات خود باشد، باید مراقب باشد که مبادا با اهمال کاری خود، اوقات دیگران را ضایع سازد.

ص: 29

در اهمیت وقت همین بس که پروردگار عالم، موضوع وقت را در آخرین کتاب آسمانی خویش آورده است:

وَالْعَصْرِ (1)

به عصر سوگند.

و به فرموده قرآن کریم آنگاه که کافران در مورد فواید ماه ها از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سؤال کردند، خداوند به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وحی نمود:

قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ (2)

بگو آنها بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم است.

همواره از وقت به اشیای گرانقیمت تعبیر شده است از جمله اینکه وقت طلاست ... بلکه می توان گفت ارزش وقت بیش از اینهاست، چون فرصتی که از دست برود هرگز برنمی گردد؛ همان گونه که امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند:

الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَاَنْتَهَزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ (3)

فرصت، همچون ابر می گذرد، فرصت های نیک را غنیمت بشمارید و قبل از گذشتن از آن ها بهره بگیرید.

باید قدر این نعمت الهی را دانست. باید دانست که در جهان امروز، افراد در ثانیه ها با هم رقابت دارند و چه بسا لحظه هایی که تعیین کننده سرنوشت ها

ص: 30

1- . سوره مبارکه عصر، آیه 1.

2- . سوره مبارکه بقره، آیه 189.

3- . نهج البلاغه، حکمت 20.

است. می توان با ذخیره کردن این ثانیه ها و دقایق، باعث افزایش کارایی سازمان ها و به تبع آن صرفه جویی اقتصادی شد. انسان مؤمن اگر باور کند که حضور به موقع وی در محیط کارش چه میزان بر بهره وری مجموعه تأثیر مثبت می گذارد، هیچگاه با تأخیر، سستی یا بیهوده کاری خود را مدیون خداوند و انسان ها نمی سازد.

امیر مؤمنان (عَلَيْهِ السَّلَامُ) داشتن اوقات پُر و اشتغال زیاد را از صفات مؤمن بر می شمردند:

المؤمن مشغولٌ و قته (1)

وقت مؤمن، پُر است (مؤمن، هیچ گاه بیکار نیست).

با توجه به این حدیث، استفاده حداکثر از اوقات به ایمان افراد اشاره دارد.

پس وقت شناسی و بهره برداری از لحظات از ویژگی های انسانهای موفق و پیروز است. مدیر و فرمانده موفق با وقت شناسی و حضور به موقع و حتی زودتر در محل کار، عملاً به دیگران نیز ارزش وقت را آموخته است.

یکی از مواد شیمیایی داخل بدن، که به طور غیر ارادی سبب شادی انسان می شود و به او شغف و نشئه بی نظیر می بخشد، ماده ای به نام «کورتیزول» است که میزان آن در داخل بدن انسان در ساعات سحرگاهی به شدت افزایش می یابد و در صورت بیدار بودن انسان در این ساعات، لذت و شغف بسیاری به او دست می دهد که بی شک بر زندگی او در تمام طول روز تأثیر گذار است.

ص: 31

افزایش کورتیزول در ساعات اول صبح و ارتباط آن با سرخوشی صبحگاهی که امروزه از مسلمات پزشکی است در واقع توجیه قابل توجهی است بر همه مضامینی که در فرهنگ و ادب و عرفان در مورد «اسرار سحر» معرفی می شود.

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در مورد شکار فرصت ها فرمودند:

غَافِصٍ [عَافِصٍ] الْفُرْصَةَ عِنْدَ إِمْكَانِهَا فَإِنَّكَ غَيْرُ مُدْرِكِهَا بَعْدَ فَوْتِهَا (1)

فرصت را در وقت خود غافلگیر کن که چون فوت شد دیگر به آن دسترسی نخواهی داشت.

امیر مؤمنان (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در بیان عاقبت تأخیر در وقت مقرر فرمودند:

مَنْ أَخَّرَ الْفُرْصَةَ عَنْ وَفْتِهَا فَلْيَكُنْ عَلَى تَقِهِ مِنْ فَوْتِهَا (2)

هر که فرصت را از وقت خود به تأخیر اندازد، مطمئن باشد که فوت خواهد شد.

وقت شناسی این پیام را می رساند که شما برای وقت خود و دیگران ارزش قائل هستید. این ویژگی در محیط کار سبب جلب احترام همکاران است. شخص وقت شناس در دید دیگران قابل اعتمادتر از دیگران خواهد بود.

اجرای وعده ها و تعهدات در موقع مقرر

اجرای وعده و وفا نمودن به عهد در اسلام همواره مورد اهمیت و سفارش بوده است. این صفت برای همه اقشار لازم و ضروری است ولی برای کسانی

ص: 32

1- . الحیاه، ج 1، ص 568.

2- . الحیاه، ج 1، ص 568.

که در پست های مدیریتی و رهبری هستند از حساسیت بیشتری برخوردار است.

خدای تبارک و تعالی در کتاب آسمانی قرآن آورده است:

أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (1)

به عهد (خود) وفا کنید که از عهد سؤال می شود.

پیش بینی زمان لازم برای هر کار و تعیین اولویت کارهای مختلف و انجام دادن هر کار در جای خود، تشخیص درست و به موقع مشکلات، حوادث و راه حل آنها می تواند مدیران را در اجرای تعهدات یاری کند.

حضرت حق، آنجا که از صفات بندگان مؤمن خویش می گوید، رعایت عهد و پیمان را از ویژگی های آنان برمی شمرد:

الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (2)

و آنها که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند.

بر اساس آموزه های اسلامی و احادیث ائمه گرامی هر کس امانتدار نباشد و به عهد و پیمان خود وفا ننماید، دارای دین نیست و نمی توان از او به عنوان مسلمان و متدین یاد کرد.

امیر مؤمنان (عَلَيْهِ السَّلَام) نیز مالک اشتر (دام ظلّه) را از خُلف وعده در کارهای مدیریتی و فرماندهی برحذر می دارند و فرمودند:

ص: 33

1- . سوره مبارکه اسراء، آیه 34.

2- . سوره مبارکه مؤمنون، آیه 8.

پرهیز کن که (به زیردستان خود) وعده بدهی سپس تخلف کنی.

پس باید زمان را مدیریت کرد به گونه ای که همه وعده ها و تعهدات در موقع خویش اجرا شود. چه بسا فرصت ها و زمان های مناسب که به علت بی توجهی و یا غفلت از دست می رود.

مدیریت زمان مجموعه ای از مهارت هاست که شما را در استفاده مؤثر از زمان کمک می کنند. از مهمترین فواید مدیریت زمان، کاهش تنش در زندگی است؛ چون با رعایت زمان مربوط به هر کار، وعده ها و تعهدات نیز در زمان مقرر خویش اجرا خواهد شد و جایی برای دلهره، خلف وعده و به دنبال آن، عذرخواهی باقی نمی ماند.

مدیریت زمان کمک می کند که تعیین کنید کدام یک از کارهایی که انجام می دهید، مهمترین است. این عمل به شما این امکان را می دهد به برخی فعالیتها اولویت بیشتری بدهید و برخی از فعالیت ها را حذف کنید. هم چنین کمک می کند که از طریق حذف مزاحمت ها و فعالیت های غیرضروری، مدت زمانی را که واقعاً کار می کنید افزایش دهید.

برای رسیدگی به قراردادها، تعهدها و اجرای وعده های خود سعی کنید از واگذاری کارها به نیروهای خود استفاده کنید.

ص: 34

واگذاری زمان بیشتری ایجاد می کند. گاهی اوقات توضیح انجام دادن یک کار به فرد دیگر، بیش از کار توسط خود، طول می کشد. اما اگر آینده نگر باشید متوجه می شوید که اگر یک وقت اضافی صرف کنید، می توانید در آینده نیز کار مورد نظر را محوّل کنید.

گاهی مدیران به دلیل کمال گرایی به واگذاری کارها تمایلی ندارند. به افراد اجازه دهید که اشتباه کنند. اگر شما تحمل تصحیح اشتباهات را داشته باشید، افراد بیشتری یاد می گیرند که کار مورد واگذاری را به صورت مناسب انجام دهند.

از کاهش قدرت و نفوذ خود نترسید. به فوایدی که در برابر واگذاری به دست می آورید، بیشتر فکر کنید تا به چیزی که از دست می دهید. به شیرینی پایان کار و عمل به قول ها و پیمان ها بیندیشید.

اهمیت عمل به وعده ها در تشبیهی زیبا از حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) همچون محاسن است برای چهره:

الْوَعْدُ وَجْهٌ وَ الْإِنْجَازُ مَحَاسِنُهُ(1)

وعده، صورت است و عمل بدان، آراستگی.

برای اینکه همیشه شیرینی اجرای آنچه را عهده دار شده اید، بچشید، باید با موانع و علت های اتلاف وقت و بدقولی های ناخواسته در فرماندهی و مدیریت آشنا شوید:

- بی برنامهگی

ص: 35

1- . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 300.

- خودداری از واگذاری اختیار به زیردستان

- نداشتن قاطعیت در تصمیم‌گیری

- طولانی بودن بیش از حد جلسات

- عدم اولویت بندی قوی در کارها

- عدم برقراری ارتباط صحیح با دیگران و تأخیر در مبادله اطلاعات

- اجرای فعالیتهای نامربوط

- نبودن اهداف واضح و روشن

- وجود ضعف خودکنترلی که موجب دوباره کاری می‌شود...

امام مؤمنان (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، تَعَلَّلُ در اجرای وعده را از ویژگی افراد پست می‌داند و کسی را که در اجرای تعهد خود سرعت عمل داشته باشد کریم می‌نامد:

وَعْدُ الْكَرِيمِ نَقْدٌ وَ تَعْجِيلٌ، وَعْدُ اللَّئِيمِ تَسْوِيفٌ وَ تَعْلِيلٌ (1)

جوانمرد وعده اش نقد و فوری است، ناکس وعده اش به فردا انداختن و بهانه جوئی است.

اجرای به موقع وظایف

منظور از اجرای به موقع کارها عملکرد در زمان مناسب است؛ یعنی نه دیرهنگام و نه زودهنگام بلکه به هنگام. در این گفتار به اهمیت ظرف زمانی هر عمل پرداخته، و راه اجرای به موقع آنها بیان می‌شود.

ص: 36

1- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 252.

تخصیص وقت خاص برای هر کار از عوامل سودمندی آن کار است و نتیجه بخشی هر عمل مرهون اجرای آن در وقت مناسب است. رسول اعظم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به این نکته اینچنین اشاره فرموده اند:

الْأَمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا (1)

هر کاری در گرو وقت و زمان خاص خود است.

مدیر کارآمد برای اجرای هر کار، خوب فکر می کند و قبل از عمل، موانع را برطرف، و راه های ورود و خروج صحیح آن را برآورد می سازد و در شروع و پایان دادن به کارها عجله و شتاب نمی کند.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز در مورد شتاب بی مورد در کارها فرمودند:

مَنْ ابْتَدَأَ بِعَمَلٍ فِي غَيْرِ وَقْتِهِ كَانَ بُلُوعُهُ فِي غَيْرِ حِينِهِ (2)

کسی که به کاری جز در وقت آن آغاز کند، تمام شدن آن در وقت خود نخواهد بود.

مدیران و کارکنان لایق و کارآمد بخوبی می دانند شتاب در کارها و پرداختن به امور سست و آنچه زوایای آن برای او مشخص نیست، غیر از شکست پیامدی ندارد.

امیرالمؤمنین امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در عهدنامه مالک اشتر به مالک (دام ظلّه) به عنوان فرمانده اینچنین سفارش می کنند:

ص: 37

1- . بحار الانوار، ج 74، ص 167.

2- . الخصال، ج 1، ص 100.

... إِيَّاكَ وَالْعَجَلَةَ بِالْأَمْرِ قَبْلَ أَوَانِهَا أَوْ التَّسَقُّطَ فِيهَا عِنْدَ إِمْكَانِهَا أَوْ اللَّجَاجَةَ فِيهَا إِذَا تَنَكَّرَتْ أَوْ الْوَهْنَ عَنْهَا إِذَا اسْتَوْضَحَتْ فَضَعَّ كُلُّ أَمْرٍ مَوْضِعَهُ وَأَوْقَعَ كُلُّ أَمْرٍ مَوْفِعَهُ(1)

....از عجله در مورد کارهایی که وقتشان نرسیده، یا سستی در کارهایی که امکان عمل آن فراهم شده، یا لجاجت در اموری که مبهم است، یا سستی در کارها هنگامی که واضح و روشن است بر حذر باش! و هر امری را در جای خویش و هر کاری را به موقع خود انجام بده.

به همان اندازه که شتاب در کار بدون فکر، مطرود است، سهل انگاری نیز پسندیده نیست. چه بسا کوتاهی در کارهای لازم خسارات جبران ناپذیری را بر مجموعه و جامعه وارد می سازد. بر همین اساس حضرت امام محمدباقر(عَلَيْهِ السَّلَامُ) دیر هنگامی در کار را نفی کرده و فرموده اند:

إِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يَغْرُقُ فِيهِ الْهَلَكَى (2)

مبادا در عمل تأخیر کنید که تأخیر، دریایی است که بسیار کسان در آن به هلاکت می رسند.

حضرت علی(عَلَيْهِ السَّلَامُ)، شتاب قبل از موعد انجام دادن کار را نفی کرده و انتظار بیهوده و دست روی دست گذاشتن را مردود دانسته و فرموده اند:

ص: 38

1- . نهج البلاغه، نامه 53.

2- . تحف العقول، ص 285.

لَا تَعْجَلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَنْدَمُوا وَلَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَمْدُ فَتَنْسَوُ قُلُوبُكُمْ (1)

پیش از وقت در کار شتاب مکنید که پشیمان می شوید و زیاد منتظر نمانید که دلگیر می گردید.

در سیره ائمه اطهار (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) نمونه های برجسته ای از موقعیت سنجی هست. سکوت بیست و پنج ساله امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) شاهدی بر این مدعاست. از فرزندان بزرگوارش، امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در وضعیت تزویر زمانه، صلح را برگزیدند و امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز ده سال به قرارداد صلح امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) برجا ماندند و پس از مرگ معاویه، قیام را انتخاب نمودند.

اما چگونه می توان هر وظیفه ای را در زمان مناسب به انجام رساند؟ باید گفت مدیران در بعضی اوقات قادر به کنترل تمامی زوایای کارها و بدست گیری زمان نیستند و گاهی دچار روزمرگی می شوند و گاهی به بحرانهای ناخواسته باید پاسخ دهند. در این مواقع کلید موفقیت مدیران، بررسی هدف انجام دادن کار، بهره گیری مطلوب از زمان و به کارگیری مدیریت زمان است.

در مورد اهداف باید گفت اگر شخص، افق فکری خویش را گسترده کند و بداند برای چه منظور تلاش می کند، بی شک تشخیص موقعیت مناسب برای اجرای وظایف دشوار نخواهد بود. مدیر مؤمن و متعهد، وظایف خویش را می داند و هدف او در راستای خدمت به عموم و جلب رضایت حق است.

سرور کائنات، پیامبر گرانقدر اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درباره غنیمت شمردن کارهای خیر فرمودند:

ص: 39

کسی که در نیک و خیر بر او گشوده شود، باید آن را غنیمت شمارد؛ پس به تحقیق او نمی داند که چه وقت بر روی او بسته خواهد شد.

درباره برنامه ریزی زمانی باید گفت زمان مدیر به دو گونه است: بخش قابل کنترل و بخش غیرقابل کنترل.

مدیران و کارکنان لایق در زمان قابل کنترل به کارهای مهم و برنامه ریزی های کلان می پردازند و حتی برای لحظات و ساعات غیر قابل کنترل، برنامه ریزی می کنند و در ساعاتی که برای آنان قابل کنترل نیست، تصمیمات قبلی را اجرا می کنند و از کارهای شتابزده دوری می جویند. برای هر یک از مدیران، ساعاتی خاص از شبانه روز از بهره وری بیشتری برخوردار است.

مدیران باید سعی کنند دوره زمانی بهره وری خود را بشناسند و برای آن زمان، برنامه ریزی کنند تا به افزایش اثر بخشی منجر شود؛ اما زمانی که بهره وری حداقل است، بهتر است کارهای جزئی مانند مکالمات تلفنی، ملاقات ها و... انجام پذیرد. ناگفته نماند که کلید مدیریت زمان، نظم است و بهترین راه برای منظم شدن است که عوامل آشفتگی و بی نظمی را تشخیص دهد و آنها را از خود دور کند. اولویت بندی فعالیت ها یکی دیگر از مهمترین

ص: 40

قدم های مدیریت زمان است. مدیر کارآمد هنگام اولویت بندی موضوعات اصلی، کارهایی را مرور می کند که قرار است انجام دهد.

تمرکز بر کارهای مهمتر و حذف مسائل حاشیه ای باعث افزایش بهره وری می شود. ناگفته نماند که برنامه ریزی زمانی باید بر طبق برآورد توان شخصی و مجموعه باشد؛ نه بیشتر از طاقت و نه کمتر از حد توان.

برنامه ریزی برای اوقات در اسلام همواره نشانه خردمندی بوده این در حالی است که اسوه های دین ما با همه اهمیتی که برای تلاش و کوشش قائل بوده اند، تفریح و لذت بردن از زندگی را نیز از مظاهر حیات سالم می دانستند. اباذر(دام ظلّه) می گوید پیامبر اکرم(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به اصحاب سفارش فرمودند:

وَ عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا أَنْ تَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ سَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صُنْعَ اللَّهِ إِلَيْهِ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحِطِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لَتِلْكَ السَّاعَاتِ وَ اسْتِجْمَامٌ لِلْقُلُوبِ (1)

ص: 41

1- . وسائل الشیعه، ج16، ص 97.

.... خردمند برای اینکه دچار ضرر و زیان نشود باید هر روز را به چند بخش تقسیم کند: ساعتی برای مناجات با خدا و ساعتی اعمال خود را محاسبه، و ساعتی در تفکر عجایب خلقت الهی سپری نماید و ساعتی را برای لذت بردن از لذائذ حلال اختصاص دهد که همین کار در همین ساعات، کمک دیگر ساعات است و قلب را تمیز می سازد.

به فرموده حضرت، باید تمام امور عبادی، فکر و اندیشه، پرداختن به اخلاق و خود سازی و لذائذ دنیوی در یک روز انجام گیرد و به واسطه بخش چهارم از اوقات (لذات) است که قادر به انجام دادن سه بخش دیگر می شویم. امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند از پدرم درباره زندگی داخلی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، سؤال کردم پدرم فرمودند:

كَانَ دُخُولُهُ لِنَفْسِهِ مَأْذُونًا لَهُ فِي ذَلِكَ، فَإِذَا أَوَى إِلَى مَنْزِلِهِ جَزَاءً دُخُولَهُ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ: جُزْءًا لِلَّهِ، وَجُزْءًا لِأَهْلِهِ، وَجُزْءًا لِنَفْسِهِ، ثُمَّ جَزَاءً جُزْءَهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ فَيُرَدُّ ذَلِكَ بِالْخَاصَّةِ عَلَى الْعَامَّةِ، وَلَا يَدَّخِرُ عَنْهُمْ مِنْهُ شَيْئًا، وَكَانَ مِنْ سَيِّرَتِهِ فِي جُزْءِ الْأُمَّةِ، إِثَارُ أَهْلِ الْفَضْلِ بِإِذْنِهِ، وَقَسَمَهُ عَلَى قَدْرِ فَضْلِهِمْ فِي الدِّينِ، فَمِنْهُمْ ذُو الْحَاجَةِ، وَمِنْهُمْ ذُو الْحَاجَتَيْنِ، وَمِنْهُمْ ذُو الْحَوَائِجِ (1)

ص: 42

ورود ایشان به هر خانه ای به دلیل اجازه ای که از همسران و کسان خود داشت در اختیار خودش بود؛ هر گاه به خانه می رفت، وقت خود را سه قسمت می کرد: یک قسمت برای خداوند تبارک و تعالی، یک قسمت برای خانواده و یک قسمت برای خود؛ سپس، قسمت خود را بین خود و مردم، تقسیم می کرد و اول، خواص وارد می شدند و پس از آن، سایر مردم و چیزی از وقت خود را از مردم، دریغ نمی نمود و در مورد قسمت امت، روش او این گونه بود که اهل فضل را با اجازه دادن به آنها به اندازه فضلشان در دین بر دیگران ترجیح می داد. بعضی از آنان (مردم) یک حاجت داشتند؛ بعضی دو حاجت و بعضی بیشتر.

برقراری نظم و انضباط در حوزه مسئولیتی

نظم، واژه اصیلی با ابعاد بسیار گسترده است. نظم در حوزه مسئولیتی یعنی انجام دادن کارهایی که کارکنان را به تطبیق و سازگاری با قوانین و مقررات و عملکرد بر اساس سود همگانی سوق دهد.

یکی از ابعاد نظم، ایجاد نظم در حوزه وظیفه و مسئولیت است. مدیر و فرمانده کارآمد باید علاوه بر داشتن نظم فردی، قادر به برقراری انضباط مطلوب در محیط کار خویش باشد؛ یعنی مهارت ایجاد فضای سالم انضباطی را داشته باشد. برقراری نظم و انضباط در هر حوزه کاری، نیازمند شناخت اصول مدیریت است. برای نظم یافتن و سامان گرفتن کارها در خانواده بزرگ سازمان ها، تقسیم کار و تعیین حدود مسئولیت افراد باید با دقت هر چه تمام انجام گیرد و گزارش گیری به صورت غیر محسوس و غیرعلنی انجام، و از مسئولان نتیجه کار خواسته شود. شاید بتوان گفت رعایت تمامی

شاخص های مدیریتی، اعم از هدفگذاری، برنامه ریزی، اجرا، کنترل و ارزیابی، همگی

مقدماتی است برای اجرای نظم آرمانی. مدیر می تواند با عملکرد درست، حس اجرای وظیفه با رغبت و بر اساس معیارهای اخلاقی مطابق با موازین شرعی و قوانین سازمانی را به کارکنان خویش منتقل کند.

وقتی امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از اهمیت وجود فرماندهی نظام بخش در گروه ها سخن می راند وجود رهبر، حتی ستمگر را بر بی نظمی و آشوب، برتر معرفی می کند و می فرماید:

أَسَدٌ حَطُومٌ خَيْرٌ مِنْ سُلْطَانٍ ظَلُومٍ وَ سُلْطَانٌ ظَلُومٌ خَيْرٌ مِنْ فِتْنٍ تَدُومٍ (1)

شیر شریزه بیشه از فرمانروای ستم پیشه بهتر است، و فرمانروای ستم پیشه از فتنه و آشوب پیوسته بهتر است.

این سخن ارزشمند، نقش محوری ناظم را در دور کردن فتنه و آشوب به روشنی نشان می دهد. حضرت (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در سخنی دیگر فرمودند:

لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيُبْلَغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيُجْمَعُ بِهِ الْفَيْءُ وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَيُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ

ص: 44

وجود حاکم و زمامدار برای مردم ضروریست؛ چه حاکم نیکوکار و چه حاکم بدکار که اگر زمامدار، بدکار و منحرف باشد، شخص باایمان در زمامداری او عمل صالح خود را انجام می دهد و شخص کافر برای دنیایش برخوردار می گردد تا روزگار زندگی مؤمن و کافر یا روزگار زمامداری بدکار و منحرف سپری شود و خداوند به وسیله زمامدار منحرف، غنائم را جمع و به وسیله او مقابله با دشمن را به راه می اندازد و راهها به وسیله او امن می گردد و به وسیله او حق ضعیف از قوی گرفته می شود تا نیکوکار راحت شود و مردم از شر تبهکار در امن باشند. (1)

این سخن ارزشمند از امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیاز به نظم بخشیدن جامعه و انتظام کارهای مردم را بخوبی بیان می کند؛ یعنی در منطق امام، این امر آنچنان مهم و اساسی است که وجود حاکم و مدیر ستم پیشه را از بی نظمی و فتنه های پیوسته در پی هرج و مرج بهتر می دانند.

نظم از تمام کارها لازم تر و از همه امکانات بالاتر است. جامعه بی نظم دچار اسراف می شود و نمی تواند از منابع به خوبی استفاده کند. مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این باره فرمود:

«اساس کار نظام و نیروهای نظامی، نظم و انضباط است. اگر نظم داشتید، هم نیروی انسانی و هم سلاح و هم امکانات

ص: 45

شما به دردتان خواهد خورد؛ ولی اگر نظم نداشتید، چنانچه نیروی انسانی و سلاح و تجهیزات و امکانات و پول هم داشته باشید به دردتان نخواهد خورد. آن چیزی که یک توده انبوه آدم را از یک لشکر و یگان نظامی ممتاز می کند در درجه اول نظم او است. بنابراین، شاخصه یک مجموعه نظامی، نظم است. هر چه ممکن است، به نحو صحیح بر نظم و انضباط خود بیفزایید. ممکن است بعضی تصور کنند که فقط سپاه مخاطب است. خیر؛ هم سپاه و هم ارتش مخاطب است.»⁽¹⁾

مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لازمه نظم را انضباطی قاطع و قانونمند دانستند و فرمودند:

«اگر یک انضباط قطعی و قوی در کار نباشد، هیچ گاه واحدی به خود، نظم نخواهد گرفت.»⁽²⁾

این سخن رهبری به کلام بلیغ امام مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَام) اشاره دارد.

حضرت، زمانی که مالک اشتر نخعی (دام ظلّه) را به فرمانروایی مصر گمارد به وی فرمودند:

ص: 46

1- .5/7/1368.

2- . روزنامه جمهوری اسلامی، 22/3/1363.

وَأَلْزِمَ الْحَقَّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ وَكُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا (1)

و حق را برای اینکه شایسته است از نزدیک و دور (خویش و بیگانه) اجرا کن و در آن کار شکیبیا (و از خدا) پاداش خواه باش.

در این سخن گرانقدر، حضرت، اجرای حق را در گرو عدالت و عدم تبعیض می داند. رابطه های خویشاوندی و قرابت نباید مانع برقراری نظم گردد، بلکه باید طبق ضابطه های مقرر، حق جاری شود. اگر انسانی حق طلب، مدیر گروهی شد احتمال اینکه زیردستان نیز از روحیه خودانضباطی و مسئولیت پذیری برخوردار شوند، بسیار زیاد است.

مدیران و کارکنان ارشد باید دقت کنند که تنبیه و تشویق باید طبق اصول انضباطی و روانشناسانه باشد؛ در واقع جزا و عمل با هم سنخیت داشته باشد. از اخطار شفاهی یا کتبی گرفته تا تعلیق و کاهش درجه و حقوق، همگی باید با تأمل و اندیشه صورت گیرد.

در برقراری نظم باید اهم و مهم کارها تشخیص داده شود و زمان، صرف امور بیهوده نشود. چه بسا کارهای بسیار مهمی که فدای امور کم اهمیت، و باعث بر زمین ماندن مسئولیت ها شده است.

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند:

ص: 47

1- . نهج البلاغه، نامه 53.

مَنْ طَلَبَ الْعَقْلَ الْمُتَعَارَفَ فَلْيَعْرِفْ صُورَةَ الْأَصُولِ وَالْفُضُولِ فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ يَطْلُبُونَ الْفُضُولَ وَيَضَعُونَ الْأَصُولَ فَمَنْ أَحْرَزَ الْأَصْلَ
اِكْتَفَى بِهِ عَنِ الْفُضْلِ... (1)

هر کس جوای عقل عملی (اندیشه کاربردی) است باید امور اصلی را از فرعی بازشناسد و تشخیص دهد؛ چه اینکه اکثریت مردم در پی امور غیر اصلی هستند و از پی جویی کارهای اساسی در غفلت. هر کس امر مهم و اصلی را تشخیص داد از کار فرعی و زاید دست می کشد.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند:

إِنَّ رَأْيَكَ لَا يَتَّسِعُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَفَرِّغْهُ لِلْمُهْمِ (2)

رای (و ذهن) تو برای همه چیز جا ندارد؛ آن را برای مسائل مهم خالی کن.

همچنین فرمودند:

كُنْ مَشْغُولًا بِمَا أَنْتَ عَنْهُ مَسْئُولٌ (3)

ص: 48

1- . بحار الانوار، ج 78، ص 7.

2- . الحياه، ج 1، ص 552.

3- . تصنيف غرر الحکم و درر الکلم، ص 159.

به کاری که به تو سپرده اند و در برابر آن مسئولیت داری مشغول باش.

رعایت سلسله مراتب اداری و سازمانی و پیروی از دستورها و اجرای دقیق آنها از ویژگی های کارکردی در محیط کار است.

اگر انضباط به درستی برقرار شود، سازمان به اهداف نهایی خویش دست می یابد؛ اهدافی چون ایجاد آرامش و امنیت، افزایش کارایی و رفع ناهنجاری ها.

انضباط فیزیکی محیط کار

اشاره

از آنجا که افراد بخش مهمی از اوقات خود را در محیط کار به سر می برند و در واقع فضای کاری برای آنها خانه دوم به شمار می آید، لازم است اقداماتی که برای داشتن خانه ای زیبا، پاکیزه، آرام و آراسته (اعم از نظافت و معطر ساختن، استفاده از ابزارهای تزئینی مانند گلدان، قاب عکس و ...) انجام می شود در محیط کار نیز اجرا شود؛ این کار هم آثار مطلوبی در شخصیت فرد می گذارد و هم ذهنیت مثبت در اذهان همکاران نسبت به فرد به وجود می آورد و باعث رواج فرهنگ آراستگی در میان آنان نیز خواهد شد.

برای حفظ سلامت تن و روان و نیز بالا- بردن سطح کیفی کار محیط سرشار از امید و رضایت بر همه کارکنان تأثیر مطلوبی خواهد گذاشت. برای رسیدن به این اهداف، رعایت آراستگی و بهداشت و ایمنی محل کار بسیار مهم است. این عمل یک ارزش به شمار می رود. برای پایداری این

ارزشمندی می توان همیشه آراستگی را مد نظر قرار داد و در جهت تمدید آن کوشش نمود. حال

اگر بخواهیم فرهنگ آراستگی را فراگیر، و اجرای نظم و آراستگی را صحیح اجرا کنیم، باید ابتدا بستر آن را فراهم سازیم.

نظم و انضباط در جامعه امروز در محیط کار جایگاهی ویژه دارد به گونه ای که پژوهشگران پس از مطالعه و بررسی کارشناسانه، پنج اصل را برای اجرای نظام آراستگی محیط کار به عنوان الگوهای اولیه مورد تأکید قرار داده اند که عبارت است از:

1- ساماندهی

ساماندهی اولین اصل در برقراری نظم در سازمان است. ساماندهی به معنای شناسایی اقلام و وسائل ضروری و غیر ضرور و جداسازی کاربردی ها از غیر کاربردی ها است. دور کردن امکانات غیر کاربردی از محیط کار و تعمیر و یا تعویض آنها در صورت لزوم برای برطرف کردن عیوب و نواقص نیز از ویژگی های این مرحله است.

این کار برای نظم محیط و جلوگیری از آشفستگی و پراکندگی است. در محیط سامان یافته، دسترسی به اقلام مورد نظر راحت تر است. در واقع برای رعایت این اصل، خانه تکانی اساسی باید انجام داد.

2- نظم و ترتیب

پس از حذف وسائل از کارافتاده و غیر ضروری در مرحله اول و تعمیر و تجهیز ملزومات، نیاز به نظم و ترتیب ضروری می نماید. برای استفاده

راحت تر از وسایل و امکانات، نیاز به بهترین چیدمان ممکن است تا افراد بتوانند بدون

ص: 50

اتلاف وقت از امکانات بهره ببرند. پس با در نظر داشتن مکان مناسب و چیدمان درست هم سرعت و هم دقت در کارها افزایش می یابد.

3- پاکیزه سازی

پاکیزه سازی سومین اصل از پنج اصل است. این مرحله در ارتباط با زیباسازی و پاکیزه نگهداشتن محیط و وسایل و ابزاری است که مورد استفاده قرار می گیرد.

برای این مرحله باید آلودگی ها را از محیط کار زدود و در جهت زیباتر و سالم تر شدن محیط گام برداشت. هر فردی به نوبه خود باید در برنامه پاکیزه سازی مسئول باشد.

4- استانداردسازی

استانداردسازی چهارمین اصل است که در واقع برای حفظ و نگهداری سه اصل قبلی و تداوم وضعیت مطلوب ناشی از اجرای سه اصل قبل اجرا می شود.

در صورت تداوم نداشتن مراحل قبلی اوضاع دوباره به حالت آشفتگی قبلی برخواهد گشت. بنابراین در اصل استانداردسازی، قوانین، روش ها و دستورهای اتخاذ شده است که با عمل و رعایت آنها دستورها از آشفتگی و به هم ریختگی جلوگیری به عمل می آید. بنابراین اصل استانداردسازی به معنی تعریف و تعیین مقررات، استانداردها و قواعد مربوط به تکرار منظم

فعالیت های سازماندهی است. برخی از این قوانین و استانداردها عبارت است از:

- استفاده از زیر سیستم های رایانه ای و اتوماسیون اداری

- استفاده از شبکه داخلی و اینترنت برای ارتباط با دیگر یگان ها

- استفاده از علائم نشان دهنده جهت و راهنما

- تدوین دستورالعمل بایگانی اسناد و بایگانی رایانه ای

- استقرار تابلوی نام واحد در بیرون اتاق به منظور شناسایی واحدها

- بازبینی دوره ای مانند تشکیل کمیته بازرسی و ...

5- انضباط

انضباط آخرین گام از پنج اصل این قانون است؛ بدین منظور که انجام دادن هر کاری به گونه صحیح آن به صورت عادت و رفتار درآید؛ همیشگی باشد و در هر موقعیتی اجرا شود. این مرحله بر اساس جلب مشارکت عمومی استوار است.

برای دست یافتن به این منظور باید فرهنگ سازی، و به افراد آموزش های لازم در خصوص وظایف و تعیین و تبیین وظایف آنها داده شود و حتی می توان از روش تشویق افراد به منظور به وجود آوردن رقابتی سالم بهره برد.

رعایت اصول نظم در محیط فیزیکی کار با انتظام عملی و نتیجه کار نیروها رابطه مستقیمی دارد.

با به کار بردن روش ها و دستورالعمل های یاد شده می توان سطح کیفی کار را بالا برد و از اتلاف وقت و سرمایه جلوگیری نمود و از همه مهم تر با

ذهنی منضبط و طبقه بندی شده در جهت پیشرفت و موفقیت گام برداشت. گاهی حتی با ایجاد ترفندهای کوچکی مانند استفاده روزانه از یک پیام شادی بخش و امیدوار کننده می توان به سلامت روانی محیط کمک نمود.

ص: 52

موضوع نظم و آراستگی در نظام مدیریتی همواره مورد تأکید پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و ائمه معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) بوده است به گونه ای که در گفتار و کردار آن گرامیان، نظم و برپایی انضباط تبلور ویژه ای دارد.

برای نمونه اقدام مهمی که توسط رسول خدا (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) برای ایجاد انضباط در میان انصار صورت گرفت، این بود که تعداد دوازده نفر از آنان را به عنوان نقیب (ضامن و شاهد) برگزید تا دیگران را کنترل کنند و مردم با آنان در تماس باشند. آن حضرت آنان را به حواریین حضرت عیسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تشبیه کرد و فرمودند که کفالت قوم خود را داشته باشید؛ همان گونه که حواریین عیسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) (کفالت قوم خود را) برای عیسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) داشتند. (1)

آن حضرت در نظم دادن به مسلمانان و مراعات انضباط توسط آنان بسیار حساس بودند و حتی در صف های جماعت به انضباط امر می نمودند. نعمان بن بشیر می گوید پیامبر خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، صف های ما را مرتب می کرد تا جایی که گویی تیرها را در تیردان مرتب می کند. روزی ما از اجرای دستور او غفلت کردیم. آن حضرت برای نماز بیرون آمد و ایستاد و خواست تکبیر بگوید، مردی را دید که سینه اش را جلو آورده است، فرمود:

عِبَادَ اللَّهِ! لَتَسَوُونَ صُفُوفَكُمْ أَوْ لِيُخَالَفَنَّ اللَّهُ بَيْنَ وُجُوهِكُمْ (2)

ص: 53

1- . سیرهالنبویه، ج 2، ص 446.

2- . تنبيه الخواطر، ج 2، ص 267.

بندگان خدا! صف هایتان را مرتب کنید وگرنه خداوند، صورت هایتان را از هم می گرداند.

همه کارهای حضرت امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز از نظم و انضباط خاصی برخوردار بود، ولی این انضباط در کارهای حکومتی از نمود بیشتری برخوردار است. آن حضرت همیشه به فرمانداران و مأموران خویش دستور می فرمود که در کارهایشان منظم، و برنامه دقیق داشته باشند و از بی برنامهگی بپرهیزند حتی زمانی که مأمورانی را برای گرفتن مالیات گسیل می داشت به آنان نیز سفارشهایی در داشتن نظم و انضباط در امور می کرد؛ چنان که می فرماید:

وَإِيَّاكُمْ وَتَأْخِيرَ الْعَمَلِ وَدَفْعَ الْخَيْرِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ النَّدَمَ (1)

از تأخیر در کار و دور ساختن خیر بپرهیزید؛ زیرا موجب پشیمانی می شود.

انضباط مالی و اقتصادی

انضباط اقتصادی: منظور، منظم بودن در تمام امور اقتصادی از قبیل تولید، توزیع، مصرف، داد و ستد و ... است. بخش مهمی از احکام و قوانین

جامعه- اسلامی یا غیر اسلامی- را مسائل اقتصادی تشکیل می دهد که هر شهروندی به اجرای آن موظف است.

ص: 54

در مکتب اسلام، هر مسلمانی وظیفه دارد پیش از شروع به کار اقتصادی، نخست، قانون آن را بیاموزد تا طبق قانون خدا و نظم دینی اقدام کند و مرتکب خلاف نشود. امیر مؤمنان (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمود:

يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ، الْفِقْهُ ثُمَّ الْمَتَجَرُّ (1)

ای گروه بازرگانان! نخست احکام [را بیاموزید] سپس به بازار بروید.

هر مسلمانی در میدان اقتصادی به صدها تابلو «باید و نباید» بر می خورد که هر یک از آنها بخشی از نظم اقتصادی را رقم می زند که رعایت آنها لازم، تخلف ناپذیر و یا پسندیده و اجتناب ناپذیر است.

از سوی دیگر توزیع ثروت و مصرف و هزینه نیز باید طبق نظم و قانون و منزه از هرگونه بی انضباطی صورت پذیرد و هیچ کس مجاز نیست در اموال خویش (با فرض اینکه همه آنها از راه حلال به دست آمده است.) به دلخواه خود و خارج از چارچوب عقل و شرع، تصرف کند؛ چنانکه قرآن مجید از اسراف در مصرف نهی می کند و می فرماید:

كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا (2)

ص: 55

1- . وسائل الشیعه، ج 12، ص 282.

2- . سوره مبارکه اعراف، آیه 31.

بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.

چنین قانونی در همه موارد مصرف، کاربرد دارد و در خوردن و آشامیدن خلاصه نمی شود؛ چنانکه روی سخن نیز با عموم مردم است، رهبر عزیز انقلاب (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این باره می فرماید:

«انضباط اقتصادی و مالی به مفهوم مقابله با ریخت و پاش و زیاده روی و اسراف در مصرف است؛ کسانی که بیخود خرج می کنند و مصرف آنها زیاده از حد است؛ موجودی جامعه را به لحاظ امکانات اقتصادی رعایت نمی کنند. آنها بی انضباط اقتصادی و مالی هستند و این جانب از آحاد ملت، مسئولین کشور و مأمورین دولت می خواهم که انضباط اقتصادی و مالی را جدی بگیرند و تمامی افراد جامعه به ویژه کسانی که اموال عمومی را مصرف می کنند، تنها باید به قدر رفع نیاز و حاجت خرج کنند.»⁽¹⁾

یکی از ارکان انضباط اقتصادی، داشتن نظم مالی است. هر شخص یا سازمانی که نظم مالی نداشته باشد در بعد انضباط کامل نیست. انضباط مالی، رعایت قوانین و مقررات وضع شده در مصرف اموال است. انضباط مالی در واقع شامل صحیح و شفاف نوشتن بودجه و متعهد بودن نسبت به اجرای آن است.

ص: 56

1- . پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال 1374.

نظام مالی هر سازمان در اجرای سیاست های هر سازمان نقش اساسی دارد. با ایجاد این نظام، می توان امکان شفافیت اقتصادی و انضباط مالی را ایجاد کرد. هر شخص یا سازمانی که انضباط مالی نداشته باشد بی تردید فساد مالی در سطح مدیریت آن رسوخ می کند و هیچ فرد یا جامعه ای را نمی توان پیدا کرد که بدون انضباط مالی به هدف و نتیجه خود رسیده باشد.

داشتن انضباط مالی برای همه مدیران و کارکنان، که به نوعی با اموال سازمانی در ارتباطند، لازم است. دانا بودن و خرد اقتصادی امری است که حق تعالی در قرآن نیز به آن اشاره کرده است. خداوند متعال در سوره نساء می فرماید:

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (1)

اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده به دست سفیهان نسپارید و از آن به آنها روزی دهید و لباس بر آنان بپوشانید و با آنها سخن شایسته بگویید.

طبق این آیه شریفه اموال و دارایی ها را نیز نباید به دست افراد نادان سپرد؛ زیرا آنها را از بین می برند و نابود می سازند.

ص: 57

رعایت مقررات مالی و ذی‌حسابی

یکی از ابعاد مهم منضبط بودن از لحاظ اقتصادی و مالی، رعایت قوانین مالی و ذی‌حسابی در چارچوب سازمان است.

ذی‌حساب مأموری است که به منظور اعمال نظارت و تأمین هماهنگی لازم در اجرای مقررات مالی و محاسباتی فعالیت می‌کند.

وظیفه اصلی ذی‌حسابی شامل چند بخش است:

1. اعمال نظارت و تأمین هماهنگی لازم در اجرای مقررات مالی و محاسباتی؛

2. نظارت بر امور مالی و محاسباتی و نگاهداری و تنظیم حسابها بر طبق قانون و ضوابط و مقررات مربوط و صحت و سلامت آنها؛

3. نگاهداری و تحویل وجوه، نقدینه‌ها، سپرده‌ها و اوراق بهادار؛

4. نگاهداری حساب اموال دولتی و نظارت بر آن؛

عملکرد ذی‌حسابی بر مبنای رعایت قوانین و مقررات و تکریم و توجه به حقوق ارباب رجوع است و در آن نباید به حقوق بیت المال و کارمندان خیانت شود؛ یعنی نه حقی از بیت المال در اموال کارمندان قرار گیرد و نه اموال آنان به نفع بیت المال ضبط گردد که هر دو باعث ضمان است.

مدیران باید توجه کنند که برخی از کارکنان، مطالبات و درخواست‌هایی دارند که حق آنان نیست لذا مدیر حق ندارد چنین جوهی را به آنان پرداخت کند. همچنین مدیر حق ندارد از دادن حقوق، مزایا، عیدی و... کارکنان طرفه برود و آنان را در تنگنا قرار دهد.

مدیران و کارکنان سازمان ها، طبق قوانین اسلام و اخلاق به رعایت مقررات مالی و ذیحسابی در مجموعه و سازمان های تابع ملزم هستند و مسئولان مالی و ذیحسابی باید قوانین مالی و حدود اختیارات خود را در دخل و تصرفات مالی بخوبی بشناسند. امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به این نکته اشاره می کنند و می فرمایند:

وَإِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْأَسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَلَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ (1)

از جمله چیزهایی که موجب نابودی اسلام و مسلمین می شود، این است که اموال در اختیار کسانی قرار گیرد که حق آن را نمی شناسند و معروف (کاری که مورد تأیید عقل و شرع است) را درباره آن انجام نمی دهند.

عملکرد صحیح و اصولی پیامبر و علی (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) در امور مالی از بخشهای پرافتخار تاریخ اسلام است. آنان بیش از حقی که خداوند برایشان تعیین کرده بود در اموال عمومی تصرف شخصی نکردند و هرگز مانند رهبران غیر الهی، غنائم را مال بادآورده به حساب نیاوردند تا به دلخواه خویش آن را مصرف کنند؛ گاه می شد در خانه رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) تنها نان جوین مصرف می شد. (2) واقدی می نویسد:

پس از فتح خیبر، مأمور تقسیم کالاها «فروه بن عمرو» اجناس را بر مسلمانان عرضه، و تقسیم می کرد؛ برای پیشگیری از تابش مستقیم آفتاب

ص: 59

1- . وسائل الشیعه، ج 16، ص 285.

2- . مکارم الاخلاق، ص 28.

پارچه ای را بر سر خود بسته بود. پس از کار بدون توجه به خیمه خود رفت و متوجه آن دستار شد. به شتاب بازگشت و پارچه را در میان غنایم افکند. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چون این خبر را شنید، فرمود دستاری از شعله و آتش بود که از آن نجات یافت. همچنین وی می گوید آن روز مردی چیزی از غنایم را از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) درخواست کرد. پاسخ فرمود حتی یک تار نخ از آن را نمی توانم به تو دهم؛ زیرا حق تصرف در آن را ندارم و از آن من نیست. (1) دیگری نیز پابندی برای شتر خود از او خواست به او نیز چنین پاسخ فرمود بگذار غنایم تقسیم شوند و حق مردم محفوظ گردد، آن گاه هر چه باقی ماند از حق خودم به شماها خواهم بخشید و بلکه بیشتر از آن چه می خواهید خواهم بخشید. پابند شتر می خواهی به تو بهتر از آن ریسمانی را خواهم داد... همچنین واقدی در این خصوص نوشته است مردی سیه چهره در همین جنگ خیبر به نام «کرکه» کشته شد. او مرکوب پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را مواظبت می کرد. از حضرتش پرسیدند آیا وی شهید است. پاسخ داد نه هم اکنون در شعله های دوزخ است؛ زیرا قطفه ای (ناچیز) از غنایم را دزدیده و به خیانت برده بود. دیگری نیز به نام «قدعم» به تیر یهودیان کشته شده بود. به گفته واقدی مردم گفتند بهشت بر او گوارا باد. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود چنین نیست و او در شراره های آتش شعله ور است؛ زیرا (او نیز) قطفه ای را به ناحق تصاحب کرده است.

دیگری نزد او آمد و اعتراف کرد پیامبر، من دو بند کفش کهنه از غنایم را برداشته ام. پاسخ فرمود زود فرو افکن که دوزنجیر آتش است... و در آن هنگام

ص: 60

مردی از قبیله اشجع درگذشت. مرگش را به اطلاع پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) رساندند. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمود بر دوست خود نماز مگزارید، (آنان که می پنداشتند شهید است) سخت غمگین و پریشان شدند. پاسخ فرمود این مرد در برابر خدا غل و غش کرده است. کالایش را جست و جو کردند و خرمهره بی ارزشی که حتی دو درهم نیز نمی ارزید برداشته بود!! بدین سان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به شدت مردم را از غل و غش و تصرف ناحق در اموال همگانی پرهیز می داد و از کیفر الهی می ترساند...؛ زیرا آیینی که او به رسالت و ابلاغ آن آمده بود همه بر سلامت جان و نفس از هر گونه ناپاکی بویژه مال پرستی، زورگویی و خیانت در حق الناس بود. (1)

امیر مؤمنان (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، نیز بر روش و سنت رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حرکت می نمود؛ پشت دست برادر خود را داغ کرد تا هوس دست درازی به بیت المال را از سر بیرون کند (2) و به همه کارگزاران خود دستور صریح می داد که مقررات مالی را رعایت کنند و می فرمود:

ادِقُوا أَقْلَامَكُمْ وَقَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَاحْذِرُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَأَقْصِدُوا الْمَعَانِي وَآيَاتِكُمْ وَالْأَكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْأَضْرَارَ (3)

ص: 61

1- . خبیر جلوہ اعجاز حیدر، ص 243.

2- . نهج البلاغه، خطبه 215.

3- . بحار الانوار، ج 41، ص 105.

نوک قلم هایتان را نازک و فاصله سطرها را کم کنید و برای من سخن زاید ننویسید؛ معنی را در نظر بگیرید و از اضافات پرهیز کنید که بیت المال مسلمانان زیان را بر نمی‌تابد.

امام خمینی (رحمه الله)، شالوده حکومت اسلامی را بر مبنای اسلام و دیدگاه رهبران معصوم آن بنا کرد و در مصرف بیت المال از آنان الگو می‌گرفت. ایشان با استناد به سخن امیر مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در جمع رؤسای سه قوه و سران مملکتی فرمود:

«... این دستوراست در طول تاریخ برای کسانی که «متکفل» حکومت هستند که تا اندازه ممکن در بیت المال تصرف نکنند، یک درهمش در آن طرف [قیامت] حساب دارد؛ باید حساب [پس] بدهیم، باید در پیشگاه خدای تبارک و تعالی در کارهایی که می‌کنیم، تصرف‌هایی که در بیت المال می‌کنیم، باید بعد، حساب بدهیم. چرا؟ [چون] زیاده روی شده باشد، مجازات دارد، عدالت شده باشد، مجازات خیر دارد. بیت المال مسلمین را بزرگ بشمارید.

حکومت‌های اسلامی باید بیت المال مسلمین را برای جلال

و جبروت خودشان صرف نکنند، بیت المال مسلمین، صرف آن چیزی بشود که برای مسلمین است...»(1)

رعایت بیت المال و استفاده بهینه از اموال و دارایی های در اختیار

اشاره

بیت المال از دو کلمه بیت (خانه) و مال (زر و ملک، دارایی، ثروت و...) تشکیل شده است و در لغت به مکان حفاظت از اموال، اعم از عمومی و خصوصی، اطلاق می شود؛ اما در اصطلاح، تعبیر «بیت المال مسلمین» در صدر اسلام برای مکانی که در آن اموال عمومی و منقول دولت اسلامی بود به کار می رفت؛ سپس تعبیر «بیت المال» جانشین آن شد و همان معنی را افاده کرد. به تدریج بر «اموال عمومی مسلمانان» نیز همین لفظ اطلاق شد و به معنی مالی است که همه مسلمانان در آن حقی دارند.

در زمان پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اولین درآمدهای حکومت اسلامی غنایمی بود که در غزوات به دست مسلمانان می افتاد و به دستور پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بین همه مسلمانان تقسیم می شد.

امروزه نیز هر دولت و حکومتی برای به اجرا درآوردن طرح ها و برنامه های خود نیازمند بودجه و امکانات مالی و مادی است. آیین مقدس اسلام نیز با توجه به این ضرورت، بیت المال را در دستور کار حکومت اسلامی قرار داده و با تعیین منابع آن، پشتوانه مالی عظیمی را برای دولت فراهم آورده است تا

ص: 63

با برنامه ریزی های اصولی و حساب شده، آن موجودی را به مصارف عمومی برساند.

بر این اساس در اسلام خمس، زکات، جزیه، خراج و دیگر مالیات ها به عنوان درآمدهای سالانه و نیز معادن، جنگل ها، دریاها و ... به عنوان انفال و ثروت های عمومی بیت المال، و از منابع تأمین بودجه عمومی کشور به شمار می آید.

با در نظر گرفتن ارتباط بیت المال با کل نظام و جامعه اسلامی، حفظ و بهره برداری صحیح از آن ضرورت می یابد؛ زیرا تنها در این صورت است که سرمایه های عمومی و ملی از هر آفتی مصون می ماند و بودجه کشور به شکل مطلوب و مناسبی هزینه می شود.

بیت المال، مصداق های فراوانی دارد و گستره بسیار وسیعی را در برمی گیرد که به عنوان نمونه به ذکر برخی از مهم ترین مصداقهای آن پرداخته می شود:

الف. امکانات

تمامی امکانات مؤسسه ها و سازمان های ملی و دولتی از قبیل وسائل نقلیه، میز و صندلی، وسائل ارتباطی، لوازم التحریر و ... از طریق بیت المال تهیه و تأمین می شود که باید آنها را به شکلی صحیح مورد بهره برداری قرار داد و از هرگونه حیف و میل و اسراف و تبذیر - که کفران نعمت و خیانت به ملت است - به طور جدی پرهیز کرد.

برخی از افراد به گمان اینکه اجازه دخل و تصرف شخصی در اموال سازمانی دارند از این اموال بخشش نیز می کنند! امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این شیوه را ستم و خیانت می دانند و می فرمایند:

جُودُ الْوَالَاهِ بِنَفْسِي ۖ الْمُسْلِمِينَ جَوْرٌ وَ خَتْرٌ (1)

بخشش حکمرانان از غنائم مسلمانان، ستم و خیانت است.

هنگامی که خودخواهان پرطمع به علی (علیه السلام) اعتراض می کنند که چرا بیت المال را به طور مساوی بین مسلمانان تقسیم می کنی و آن را خلاف سیاست قلمداد کرده ای، فرمودند:

لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ، وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا، وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ، وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ، وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ (2)

اگر بیت المال مال شخص من هم بود آن را بالسویه میان مسلمانان تقسیم مینمودم؛ پس چگونه (یکی را بر دیگری امتیاز دهم) و حال اینکه مال خدا است (وزیردستان و مستمندان جیره خوار او هستند)! پس حضرت (علیه السلام) (در مفسد بخشیدن بیت المال به غیر مستحق) فرمود آگاه

باشید

ص: 65

1- . غرر الحکم، ج 1، ص 330.

2- . نهج البلاغه، خطبه 126.

که بخشیدن مال به غیر مستحق ناروا و اسراف است و دادن مال به غیر مستحق، دهنده اش را در دنیا (بر حسب ظاهر) بلند مرتبه می گرداند و در آخرت او را پایین می آورد و در میان مردم او را گرامی داشته در نزد خدا خوارش می نماید.

مدیر نمی تواند در مصارف بیرون از حیطه کاری خود از اموال عمومی و امکانات بیت المال استفاده نماید؛ یعنی در راه نفع شخصی و خارج از سود جمعی، آن را به کار گیرد.

آنچه مدیر اجازه دارد از بیت المال و امکانات محل کارش استفاده کند در حدی است که عرف و شرع و قانون آن را بیان کرده است؛ نظیر اینکه مدیر بالاتر در مواردی به او اجازه تصرف داده است یا آیین نامه داخلی در مواردی دست او را باز گذاشته، و یا از مواردی باشد که عرف، استفاده از آن را جایز بدانند. (1)

پیامبر گرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند:

خَمْسَةٌ لِعَنْتُهُمْ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٍ.... وَالْمُسْتَأْثَرُ بِالْفَيْءِ الْمُسْتَحِلُّ لَهُ (2)

ص: 66

1- . قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، ص 358.

2- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 341.

پنج کس هستند که من و هر پیامبر مستجاب الدعوه ای آن ها را لعنت کرده ایم: و کسی که اموال عمومی را به

خود منحصر سازد و [تصرف] در آن را به نفع خود حلال شمارد.

ب. وقت

زمان و وقتی که کارکنان دولت باید طبق قانون در محل کار خود باشند نیز به بیت المال مربوط می شود؛ زیرا در همین زمان و وقت اداری می باید تمامی فعالیت ها انجام گیرد. از این رو لازم است از وقت گذرانی یا صرف وقت در کارهای غیر ضروری و شخصی پرهیز کرد. امام راحل (رحمه الله) با تأکید بر این مسئله، خطاب به دست اندرکاران مطبوعاتی کشور و صدا و سیما که در واقع خطاب به تمامی سازمان های دولتی است، می فرماید:

«مطبوعات باید این توجه را داشته باشند که چیزهایی که برای ملت مفید نیست در روزنامه ها نویسند؛ کاغذ صرف این نکنند؛ وقت صرف این نکنند؛ باید رادیو تلویزیون توجه به این معنا داشته باشد که این از بیت المال مسلمین است؛

ص: 67

باید وقتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین است، بشود؛ مسئولیت دارد اینها»(1)

ج. کار

انجام دادن کارهای اداری و وظایف و مأموریت‌ها نیز با بیت المال در ارتباط است؛ چون تنها از این طریق است که طرح‌ها و برنامه‌های دولت به اجرا در می‌آید و کل نظام و مردم از آن بهره‌مند می‌شوند. بر این اساس، افزودن به کیفیت کارها و پرهیز از کم‌کاری یا کارهای بیهوده و بی‌هدف، ضروری، و مورد تأکید عقل و شرع است. امام خمینی (رحمه الله) در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود در این باره می‌فرماید:

«شماها، کارمندان وزارتخانه‌ها ... باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن، حرام [است] و خدای نخواستہ گاهی موجب غضب الهی می‌شود.»(2)

همچنین حقوقی که نیروهای دولتی برای کار دریافت می‌دارند از بیت المال تأمین می‌شود و بدیهی است زمانی حلال و گواراست که در برابر آن فعالیت و تلاش لازم و مورد نظر انجام پذیرد. امام راحل (رحمه الله) در این باره می‌فرماید:

ص: 68

1- . صحیفه نور، ج 19، ص 224.

2- . صحیفه نور، ج 21، ص 190.

«وزارتخانه ها باید وقتی که می بینند که کارمند بیت المال مسلمین هستند، و از آن جا حقوق می گیرند و ارتزاق می کنند و اداره، اداره بیت المال مسلمین است، ... ملاحظه کنند؛ کوچک نشمرند مسئله را؛ مسئله بیت المال مسلمین است.»⁽¹⁾

پرهیز از انجام دادن کار غیر اداری در وقت اداری یکی از مصداق های رعایت بیت المال است. حقوق و مزایا و امکاناتی که کارمندان از دولت و شرکت های وابسته به دولت دریافت می کنند، بهای کار و وظیفه ای است که باید در ساعات مقرر ارائه کنند. هرگونه کم کاری، بی کاری، غیبت و... مساوی

با کسر حقوق و مزایاست. همین طور اگر کاری انجام شود که به آن اداره یا سازمان دولتی مربوط نباشد.⁽²⁾

مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در بیانات خویش می فرمایند:

«پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت المال در امور

ص: 69

1- . صحیفه نور، ج 19، ص 224.

2- . اخلاق نظامی، ج 2، ص 139.

شخصی و غیر ضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است.»(1)

جلوگیری از اتلاف منابع سازمانی، اعتبارات، امکانات، تجهیزات و ...

یکی از مصداق های داشتن انضباط مالی، پیشگیری از ریخت و پاش و اتلاف منابع و امکانات در اختیار است.

اتلاف مال در فرهنگ قرآنی معادل تبذیر است. تبذیر به معنای پراکنده کردن و کنایه از اینکه شخصی، مالش را در مسیری بیهوده ضایع می کند؛ (2) به عبارت دیگر «تبذیر» یعنی ریخت و پاش های غیر منطقی و ضایع کردن ناعاقلانه ثروت.

بنابراین، تبذیر فراتر از اسراف است؛ به این معنا که هر تبذیری، اسراف هم هست و برخی از اسراف ها به تبذیر می انجامد. امام صادق(عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود:

أَنَّ التَّبْذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ (3)

همانا تبذیر، نوعی اسراف است.

رعایت این بُعد از انضباط مالی برای مدیرانی که اعتبارات سازمانی، تجهیزات و امکانات را در اختیار دارند، بسیار ضروری است.

مقام معظم رهبری(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند:

ص: 70

1- . پیام به مراسم افتتاح هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، 7/3/1383.

2- . مفردات راغب، ص 40.

3- . الحیاه، ج 6، ص 658.

«انضباط مالی و اقتصادی به مفهوم مقابله با ریخت و پاش مالی و زیاده روی و اسراف در مصرف است؛ کسانی که بی خود خرج می کنند و مصرفشان زیاد از حد است؛ موجودی جامعه را به لحاظ امکانات اقتصادی رعایت نمی کنند. آنها بی انضباط مالی و اقتصادی هستند.»⁽¹⁾

هزینه کردن به اندازه نیاز سازمان و نه بیشتر، امری است که امام خمینی (رحمه الله) نیز به آن اشاره نموده و فرموده اند:

«باید اشخاصی که مقاماتی که هستند، ملاحظه کنند که به اندازه ضرورت مشاور بگیرند، به اندازه ضرورت

خدمتگزار بگیرند، نه به اندازه دلخواه و این معنا را باید همه ما بدانیم که دلخواه های ما آخر ندارد.»⁽²⁾

از آنجا که مدیران و کارکنان نسبت به اموال سازمانی مالکیت شخصی ندارند، شایسته است هنگام صرف این اموال و امکانات دقت لازم را به کار بندند؛ همانطور که خداوند متعال در قرآن کریم از خوردن اموال مردم به صورت باطل به شدت نهی کرده و فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا...⁽³⁾

ص: 71

1- . پیام نوروزی، سال 1374.

2- . صحیفه نور، ج 19، ص 223-224.

3- . سوره مبارکه نساء، آیه 29.

ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر...

و اسراف کنندگان را برادران شیطان لقب داده و فرموده است:

وَلَا تُبَدِّرْ تَبَدُّيراً إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ... (1)

و هرگز اسراف و تبذیر مکن؛ چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند...

همه کسانی که به گونه ای با برخی از بیت المال سر و کار دارند، باید نسبت به آن دقیق و دلسوز باشند و با عقل و تدبیر و در چارچوب قانون و

مقررات، آن را به کار گیرند و هرگز غیر مسئولانه و به دل خواه خود آن را مصرف نکنند.

ابن ابی الحدید، می گوید طلحه و زبیر، هنگام بیعت با علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گفتند «ما به شرطی با تو بیعت می کنیم که ما را در حکومت، شریک گردانی.» علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به آن دو گفت «شما، در بیت المال، همانند خود من هستید و من برای خودم از یک برده حبشی بینی بریده، حتی یک درهم بیشتر از بیت المال بر نمی دارم و این دو پسر من نیز همین گونه اند.»

نمونه های بسیاری از رعایت حقوق اقتصادی عموم مردم در سیره بزرگان دین اسلام هست. امام خمینی (رحمه الله) تا آغاز انقلاب در منزل تلفن نداشتند. شهرستانی ها اعتراض کردند که به ارتباط با امام نیاز دارند؛ اما آقا می فرمودند «پول بیت المال خرج رساله و تلفن من نشود.» سرانجام یک نفر بازاری متدین،

ص: 72

تلفنی به نام امام خرید و در منزل ایشان نصب کرد. امام هیچ وقت برای چاپ رساله های خود حاضر نبود از وجوهات خرج کند و می فرمود «آنان که تقلید می کنند، وظیفه دارند رساله تهیه کنند؛ لذا باید پول بدهند و بخرند.»

در مورد شهید آیت الله قدوسی (دام ظلّه)، نیز نقل کرده اند «بعد از تجدید بنای مدرسه حقّانی و نصب شوفاژ، بیشتر وقت ها کلاس ها گرم و راحت بود، ولی دفتر کارشان سرد بود. وقتی علت را می پرسیدیم، می گفت در مواقع تنهایی ضرورت ندارد برای من تنها یک اتاق به این بزرگی گرم باشد. اگر از تلفن مدرسه استفاده شخصی می کرد از جیب خودشان وجه آن را می پرداخت.»

نظارت بر هزینه ها

مدیران بر چه کارهایی نظارت می کنند؟

نظارت عمدتاً بر یکی از این پنج حوزه اعمال می شود: افراد، منابع مالی، عملیات، اطلاعات و عملکرد کل سازمان.

برقراری نظم مالی و اقتصادی برای جلوگیری از فساد مالی در سازمان، لازم است و نظارت بر هزینه ها راهی مطمئن برای کنترل نظام مالی در مجموعه خویش است.

در نظارت مالی از دو شیوه نظارت بودجه ای و نظارت غیربودجه ای استفاده می شود. بودجه، که یکی از ابزار برنامه ریزی است در نظارت به کار می رود. بودجه ها برای مدیران، استانداردهای کمی ایجاد می کند تا بتوانند مصرف منابع را با آن استانداردها بسنجند و مقایسه کنند.

بودجه، برنامه ای مالی است که هزینه ها و درآمدهای مورد انتظار برای یک دوره آینده سازمان را مشخص می سازد. در واقع در بودجه درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار پیش بینی، و هزینه اجرای فعالیت ها، پروژه ها و برنامه ها و مانند آنها برای یک دوره معین (غالباً یک سال) برآورد می شود.

به همین دلیل بودجه ابزار مهمی برای نظارت به شمار می آید؛ زیرا موجب می شود نتایج واقعی فعالیت ها، پروژه ها و برنامه های سازمان را بتوان با پیش بینی بودجه ای آنها مقایسه کرد.

ابزارهای غیر بودجه ای نیز به چند دسته تقسیم می شود:

1. داده های آماری

2. گزارش ها و تحلیل های ویژه

3. حسابرسی عملیات

4. مشاهده شخصی (1)

از آنجا که اعمال هرگونه نظم و انضباط مالی جز با دسترسی به ارقام و آمار امکانپذیر نخواهد بود برای نظارت بر هزینه ها به اطلاعات دقیق و معتبر نیاز است. کسب این اطلاعات و تصمیم گیری بر اساس آن، تحت عنوان حسابرسی در سازمان ها اجتناب ناپذیر است. حسابرسی، خود، زاینده نظم و انضباط است به طوری که گفته می شود نظم و حسابرسی مکمل یکدیگر است. اگر استانداردهای حسابرسی و کاربرد آنها نباشد، امنیت اقتصادی ایجاد نمی شود.

ص: 74

برقراری نظام «پاسخگویی و مسئولیت» و استقرار شفافیت مالی در مدیریت سازمان در سایه حسابرسی دقیق امکانپذیر است. بنابراین استفاده از دانش حسابداری و مدیریت مالی بهترین راه برای نظارت بر هزینه هاست.

در مجموعه هایی که بازرسان واقعی ندارند، احتمال ارائه صورت های مالی غیرصحیح و اختلاس وجود دارد. برای پیشگیری از چنین پیامدهایی باید حسابرسی در فرایند پاسخگویی گنجانند. در سازمان های پاسخگو، احترام به حقوق اقتصادی دیگران مدنظر قرار دارد و مدیران این گونه سازمان ها خود را در مقابل اشخاص، مسئول و موظف می دانند.

نظارت بر هزینه ها و ارائه اطلاعات شفاف و درست و قابل اعتماد، اشخاص ذینفع را در جریان چگونگی به کارگیری منابع اقتصادی قرار

می دهد. این جریان متقابل از رعایت قانون و حقوق طبیعی بشری سرچشمه می گیرد. در این نوع تفکر، شخصی که نماینده یا مدیری برمی گزیند و منابع و سرمایه خود را به او می سپارد و از این طریق اختیار اداره منابع را به وی واگذار می کند این حق را دارد که از سرنوشت سرمایه خود کسب اطلاع کند.

در واقع این گونه کنترل و نظارت در تخصیص بهینه منابع، باعث افزایش بهره وری و کارایی می شود.

آنچه از بهره وری مهم تر است، جلب اعتماد عمومی است. از طریق کنترل اعضا و نظارت بر هزینه ها می توان اعتماد و اعتبار عمومی را کسب، و از خدشه دار شدن آن جلوگیری نمود.

امام عدل و راستی، حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در سیره خویش همواره به این موضوع توجه داشتند. شاهد این مطلب نامه 45 نهج البلاغه خطاب به والی بصره است:

يَا ابْنَ حَنِيفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادِبِهِ فَأَسَدَّ رَعْتَ إِلَيْهَا، تُسَدُّ تَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ، وَ تُنْقَلُ عَلَيْكَ الْجِفَانُ، وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَانِلُهُمْ مَجْفُوءٌ، وَ غَنِيَّهُمْ مَدْعُوءٌ، فَأَنْظِرْ إِلَى مَا تَقْضِيهِ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ، فَمَا أَسَدَّ تَبَّهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَأَلْفِظُهُ، وَ مَا أَيَقَنْتَ بِطَيْبِ وَجْهِهِ فَنَلُّ مِنْهُ

ای پسر حنیف به من رسیده که یکی از جوانان اهل بصره تو را به طعام عروسی خوانده است و به سوی آن طعام

شتابان رفته ای و خورش های رنگارنگ گوارا برایت خواسته و کاسه های بزرگ به سویت آورده می شد و گمان نداشتیم تو بروی به مهمانی گروهی که درویش و نیازمندشان را برانند و توانگرشان را بخوانند؛ پس نظر کن به آنچه دندان بر آن مینهی از این خوردنی و چیزی را که بر تو آشکار نیست (نمی دانی حلال است یا حرام) بیفکن (مخور) و آنچه را به پاکی راه های به دست آوردن آن دانائی (می دانی از راه حلال و درستکاری بدست آمده) بخور.

بر همین اساس امام خمینی¹¹ شدیدترین کنترل و نظارت ها را در کار منزل و اطرافیان خود به کار می بست. نظارت دقیق امام بر هزینه های خرد و کلان، حلقه تکمیلی مدیریت ایشان را تشکیل می داد که شامل نزدیکترین تا دورترین فرد می شد. حجه الاسلام قرهی در این باره می گوید من در نجف

موظف بودم هر مبلغی که خرج می کردم، یادداشت کنم و چند روز یکبار، صورت حساب آن را به رؤیت امام برسانم. یک روز مرحوم حاج آقا مصطفی (دام ظلّه) به من فرمود لباس مستخدمی که چای درست می کند، پاره است، شما یک پیراهن برای او تهیه کنید. ما نیز چنین کردیم. بعد از چند روز که صورت هزینه ها را خدمت امام بردم فرمود تو احتیاط نمی کنی! چرا موضوع

پیراهن را با من در میان نگذاشتی؟ گفتم آقا مصطفی دستور داد. امام فرمود خودم باید بگویم! (1)

گاهی اطرافیان شخصیت ها پا را از گلیم خویش فراتر می نهند و با توجه به موقعیت خویش از بیت المال سوء استفاده می کنند ولی در بیت امام چه در حوزه مرجعیت و چه در حوزه رهبری از نخست تا نهایت چنین امکانی به کسی داده نشد.

بنیانگذار جمهوری اسلامی از ابتدا افراد با تقوا، صالح و دلسوز را در بیت خود گمارد تا علاج واقعه را قبل از وقوع بکند و کارها طبق نظر اسلام و به شکلی صحیح انجام پذیرد. یکی از اعضای بیت امام می گوید همیشه مبالغ زیادی از وجوهات اسلامی در خدمت امام بود، اما ایشان دقت بسیار عجیبی روی مصرف آن به کار می بردند. بارها حضرت امام روی افراد دفتر بشدت اخطار می کردند که راضی نیستم از تلفنهای دفتر برای امور شخصی استفاده کنید. (2)

ص: 77

1- . سرگذشت های ویژه، ج 1، ص 15.

2- . سرگذشت های ویژه، ج 2، ص 82.

مدیریت صحیح و جدی امام در همه امور از جمله مسائل مالی، منحصر به کارگزاران یا افراد بخصوصی نمی شد، بلکه شامل خانواده و فرزندان ایشان نیز می شد. حجه الاسلام ناصری می گوید مرحوم حاج آقامصطفی که فردی

بی نظیر بود- می بایست هفته به هفته خدمت آقا برسند و خرج هفته اش را دریافت کند و امام به هیچ وجه مخارج اضافی پرداخت نمی کردند... (1)

امام امت، در سندی جاوید برای آیندگان چنین مرقوم می کند: ... و در آخر، این را هم بگویم که احمد تاکنون برای مصارف خود، دیناری از بیت المال صرف نکرده و من از مال شخصی خودم، زندگی او را اداره می کنم. (2)

اسراف نکردن در استفاده از وسائل و امکانات سازمان

اسراف به معنای تجاوز از حد در هر کاری که انسان انجام می دهد.

مرحوم نراقی (دام ظلّه) در این باره می نویسد: مراد از حد وسطی که تجاوز از آن اسراف می باشد، آن چیزی است که در نظر عرف، متوسط نامیده می شود؛ زیرا مرجع برای شناخت مفاهیم لغوی، مصادیق عرفی آنهاست ... وسط در نظر عرف، مصرف مال به اندازه احتیاج و متناسب حال شخص می باشد و هر مصرفی که این گونه نباشد، اسراف است چه از اساس، صرف و خرج مال نباشد، بلکه تضييع و اتلاف باشد و چه صرف مال باشد ولی مورد نیاز و مناسب و لایق حال شخص نباشد. (3)

ص: 78

1- . سرگذشت های ویژه، ج 4، ص 133.

2- . محرم راز، ص 20.

3- . عوائد الایام، ص 221.

اسراف، انسان را از محبوبیت خداوند خارج، و برادر و دوست شیطان می کند. همین امر باعث ضلالت و گمراهی و محرومیت از هدایت الهی

می شود و اگر ادامه یابد، عذاب آخرت را در پی خواهد داشت. قرآن کریم به طور صریح از اسراف نهی، و مسرفان را اهل آتش معرفی می نماید:

وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ (1)

و مسرفان اهل آتشند.

اسراف نوعی کفران و ناسپاسی نعمت های الهی و یکی از عوامل پیدایش فقر است. اگر جامعه به اسراف عادت کرد، منابع در دست آنها رو به کاستی می رود و باعث فقر و احساس کمبود می شود و در نتیجه استقلال سیاسی و اقتصادی جامعه و یا سازمان مورد تهدید قرار می گیرد. پس باید هزینه های مالی به منظور مصرف به حد کفایت تنظیم شود تا به افراط یا تفریط نینجامد. این شیوه که یکی از عوامل بقای منابع و امکانات است در سلامت فردی و اجتماعی نقش سودمندی دارد.

اسراف ممکن است در عقیده، جان، وقت، کردار، ثروت، خوردن، آشامیدن، حرف زدن و غیره به صورت فردی یا دسته جمعی نمود یابد که هر نوع آن زیان آور و ممنوع است. در اینجا بنابر اقتضای بحث فقط به بیان «اسراف در اموال» پرداخته می شود:

اموال به خداوند تعلق دارد که به رسم امانت به بشر سپرده و برای بهره برداری صحیح از آنها دستورهایی داده شده است.

ص: 79

ممکن است اسراف مال در دومورد شخصی و بیت المال صورت گیرد:

1- شخصی: اموال شخصی هر کس گرچه ملک اوست و بر آن تسلط دارد، مجاز نیست هر طور که دلش بخواهد آن را مصرف کند؛ از جمله آن را نابود، و یا با اسراف و تبذیر فاسدش کند. اسلام در اموال شخصی امر به پرهیز از اسراف و تبذیر می کند و حسن تدبیر را مایه خیر و سعادت می داند.

2- بیت المال: اسلام، حیف و میل و اسراف در اموال عمومی و بیت المال را نیز مجاز نمی داند. مدیران سازمان ها نباید کاری کنند که بلای اسراف، گریبان سازمان را بگیرد. خیانت به بیت المال، علاوه بر پیامد شوم معنوی، باعث فروپاشی نظام حکومت و ایجاد هرج و مرج می شود.

مرز اسراف در بیت المال

اشاره

نظر به تنوع مال و ثروت و گوناگونی راه های مصرف، میانه روی یا اسراف نیز به همان نسبت نمود، و در زمان ها و مکان های مختلف تغییر می یابد. آنچه قدر مشترک میان اقسام ثروت است و مرز میانه روی و اسراف را تعیین می کند، پنج مورد است که بطور مختصر بیان می شود:

1- اتلاف

اگر مصرف به اتلاف و تضييع، منجر شود، اسراف است.

امام صادق(عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند:

إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا اتْلَفَ الْمَالُ(1)

ص: 80

1- . بحار الانوار، ج 75، ص 303.

اسراف در جایی است که مال، تلف شود.

ضایع کردن اموال سازمان، هر چند کم باشد، اسراف است. از این رو، دور ریختن لوازم اداری، که قابل استفاده سازمان است، زیاده روی در مصرف آب، استفاده بیجا از کاغذهای اداری، تعویض بی مورد دکوراسیون اتاق مدیران از مصداقهای حتمی اسراف است.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در توصیه به مسئولان فرمودند:

«پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت المال در امور شخصی و غیرضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است.»⁽¹⁾

2- جایگاه حکومتی

اگر مدیر در سازمان، چیزهایی تهیه کند یا بودجه های سازمان را در مواردی هزینه کند که جایگاهی برای هزینه کرد ها ندارد و شأن سازمانی او نیست، مُسَدِّرفِ شمرده می شود. بنابراین، بیشتر وسائل تجملی که اغلب مؤسسات خصوصی و سازمان ها و ادارات دولتی به آن مبتلا هستند و هیچ ملاحظه جایگاه سازمانی خود را نمی کنند و گرفتار کمبود بودجه برای مصارف اصلی می شوند، اسراف به شمار می رود.

ص: 81

1- . پیام به مناسبت افتتاح هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی، 3/7/1383.

امام صادق(عَلَيْهِ السَّلَامُ) در این باره می فرماید:

لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ، وَيَبْسُ مَا لَيْسَ لَهُ، وَيَأْكُلُ مَا يَلْبَسُ لَهُ(1)

اسراف کننده، سه نشانه دارد:

1- آنچه شایسته او نیست می خورد.

2- آنچه در شأن او نیست می پوشد. 3- آنچه سزاوارش نیست می خورد.

مقام معظم رهبری(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مورد عدم تجمل و اسراف در زندگی مسئولان توصیه نمودند:

«مسئولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان، مسرفانه و متجملانه زندگی کنند و بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف آمیز و تجمل آمیز را به یک فرهنگ تبدیل کند؛ این اهمیتش از آن اولی بیشتر است؛ لافل کمتر نیست. مهم ترین مطلب اصلی امیرالمؤمنین(عَلَيْهِ السَّلَامُ) در باب حکومت این است که حاکم باید حکومت را برای خود یک وسیله اعاشه و زندگی و کسب درآمد و اندوختن ثروت

ص: 82

1- . بحار الانوار، ج72، ص206.

نداند، یک مسئولیت بداند، باری

است بر دوش او، باید همه همت خود را بگذارد که این بار را به منزل برساند.» (1)

3- ورشکستگی

درماندگی یکی دیگر از مرزهای اسراف است. قرآن کریم، این مرز را درباره انفاق بیان می کند و می فرماید:

وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (2)

(در هنگام انفاق) دستت را بیش از حدّ مگشا که مورد سرزنش قرار می گیری و از کار فرومانی.

بذل و بخشش زیاد مدیران که به اختلال در نظام اداری و به ورشکستگی و درماندگی سازمان منجر گردد و با اینگونه مخارج نتوان به فعالیت ادامه داد، اسراف است. پس اگر انفاق، بذل، ایثار و غیره سبب درماندگی سازمانی و ناراحتی و فشار بر کارمندان گردد و نظام سازمان را به خطر اندازد، اسراف و ناپسند، و اگر به این حدّ نرسد، پسندیده است.

4- نافرمانی خدا

مقدار بودجه و نیرویی که صرف نافرمانی و معصیت خدا می شود، اسراف به شمار می رود؛ هر چند کم باشد. امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود:

ص: 83

1- .25/9/1379

2- .سوره مبارکه اسراء، آیه 29.

مَنْ أَنْفَقَ شَيْئًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَهُوَ مُبَدَّرٌ وَمَنْ أَنْفَقَ فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ فَهُوَ مُقْتَصِدٌ (1)

کسی که در غیر راه اطاعت خداوند، خرج کند، تبذیر کننده است و کسی که در راه خدا خرج کند، میانه رو است.

5- نیاز و کفاف

اگر مدیر بیش از حد نیاز و کفاف خود در سازمان مصرف کند، اسراف است. امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرموده اند:

مَا فَوْقَ الْكَفَافِ إِسْرَافٌ (2)

آنچه بیش از حد کفاف باشد، اسراف است (مانند ساختن مسکن بیش از حد نیاز).

بنابراین، مصرف بودجه در راه رفع نیازمندی های سازمانی به قدر نیاز و کفاف، اسراف شمرده نمی شود. امام خمینی (رحمه الله) فرمودند:

«باید در پیشگاه خدای تبارک و تعالی در کارهایی که می کنیم، در تصرف هایی که در بیت المال می کنیم باید بعد حساب بدهیم؛ چرا؟
{ زیرا اگر } زیاده روی شده باشد،

ص: 84

1- . بحار الانوار، ج 72، ص 302.

2- . مستدرک الوسائل، ج 15، ص 272.

مجازات دارد، عدالت شده باشد، مجازات خیر دارد. بیت المال مسلمین را بزرگ بشمارید.»(1)

رعایت مقررات و ضوابط در صرف بودجه و منابع

همانطور که در شاخص نخست از این بخش ذکر شد، احترام به قوانین سازمانی، شامل بخش بودجه و منابع نیز می شود.

حق تعالی در قرآن کریم به مؤمنان خطاب می کند و می فرماید:

لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ (2)

اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر اینکه تجارتي با رضایت شما انجام گیرد.

طبق این آیه شریفه جز با رضایت طرفین معامله، نمی توان در مال دیگری دخل و تصرف، و به ناحق از آن استفاده کرد.

مسائل اقتصادی- مالی در پایداری سازمان ها نقشی اساسی دارد. از این رو، تخصیص بودجه سالانه و حساب دخل و خرج سازمان، اهمیت حیاتی دارد که دست اندرکاران و متخصصان امور مالی از آن غافل نیستند. از سوی دیگر، وظیفه فردی هر کسی که بگونه ای با بیت المال سرو کار دارد نیز ایجاب می کند

ص: 85

1- . صحیفه امام، ج 19، ص 374.

2- . سوره مبارکه نساء، آیه 29.

که منتهای دقت، دلسوزی و امانتداری را نسبت به بیت المال (هر چند ناچیز باشد) اعمال کند و اجازه ندهد حیف و میل شود و به یاد داشته باشد که در روز بازپسین در برابر دستگاه عدل الهی باید پاسخگو باشد.

قرآن مجید می فرماید:

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَأَنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ(1)

روز قیامت، ترازوهای عدل را بر پا می کنیم. به هیچ کس ستم نمی شود. اگر (عملی) به اندازه یک خردل هم باشد، آن را به حساب می آوریم و این کافی است که ما حسابرس هستیم.

همچنین باید آگاه بود که اموال عمومی به همه ملت متعلق است و حیف و میل حتی یک تومان آن تجاوز به حقوق دیگران است. آنان که اموال عمومی را در اختیار دارند، باید همواره آگاه باشند که از سوی مردم و حکومتی که متعلق به آنان است، امین شناخته شده اند و این اموال به عنوان

امانت به آنها سپرده شده است و امانتداری ایجاب می کند که امانت را به گونه ای صحیح و طبق مصلحت و در مأموریت های محول به کار گیرند یا به اهل امانت برگردانند؛ چنانکه قرآن مجید می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا(2)

ص: 86

1- [1].سوره مبارکه انبیاء، آیه 47.

2- [1].سوره مبارکه نساء، آیه 58.

خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش برگردانید.

دیگر این که اموال عمومی و بودجه اختصاصی را باید در محلی که قانون و شرع معین کرده است به کار گرفت و هرگونه جابجایی و تغییر و تحوّل برخلاف درستی و امانتداری است. قرآن مجید درباره یکی از موارد بیت المال چنین رهنمود می دهد:

انَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (1)

صدقات (زکات) فقط برای فقیران، مسکینان، کارگزاران جمع آوری آن، به دست آوردن دل مخالفان، آزاد کردن بندگان، قرضداران، انفاق در راه خدا و مسافران در راه مانده است (واین) فریضه ای از جانب خدا، و خدا دانا و حکیم است.

از سویی دیگر، شناخت قوانین تجارت از دیدگاه اسلام اهمیت بسیاری دارد. اصبع بن نباته می گوید از امیر المؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) شنیدم که بر بالای منبر می فرمود:

يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَرَ وَاللَّهِ لِلرَّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ دَيْبٌ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ التَّمْلِ عَلَى الصَّفَا (2)

ص: 87

1- .سوره مبارکه توبه، آیه 60.

2- . الحياه، ج 5، ص 556.

ای صنف تاجر و کاسب! اول فقه بعد تجارت! اول فقه بعد تجارت! اول فقه بعد تجارت! که به خدا سوگند، «ربا» در این اُمت پوشیده تر از راه رفتن مورچه است بر روی سنگهای صاف!

مقصود از «متجر» (تجارت) در این گونه احادیث، مطلق کسب و معامله و داد و ستد و خرید و فروش است؛ حتی شامل تولید و توزیع نیز می شود که در همه اینها باید احکام شرعی و عادلانه بودن معاملات رعایت شود، تا به هیچ یک از دو طرف خرید و فروش بویژه خریدار (و به ویژه خریدار

ناوارد یا مجبور به خرید و نیازمند به آن یا کم درآمد یا محروم)، ستمی نرود و ظلمی نشود و ربای پوشیده نیز به داد و ستد سرایت نکند و حقّ هیچ کس ضایع نگردد که ضایع شدن حقّ یک تن مانند ضایع شدن حقّ همگان است.

کسی که بدون حساب و کتاب در بیت المال تصرف می کند در واقع بخشی از قانون را زیر پا می نهد که به همان نسبت، سبب هرج و مرج اجتماعی شده است و زحمت های تنظیم و تخصیص بودجه را نیز به هدر می دهد و باعث رکود کارها می شود.

خوش حسابی و توجه به تعهدات مالی (درون و برون سازمانی)

تعهد داشتن نسبت به قراردادهای مالی و بازرگانی یکی از جنبه های وفای به عهد است. اسلام به طور جدی وفای به عهد و پیمان را سفارش نموده است.

خوش قولی و خوش حسابی در تمام معاملات و روابط حقوقی و اقتصادی موجب پیدایش ثبات و اطمینان و امنیت اقتصادی می شود
مشروط بر این که این تعهدات نامشروع نباشد.

همه انسان ها با الهام فطری، لزوم وفای به عهد و زشتی پیمان شکنی را درک می کنند و هر کس به قضاوت وجدان و فطرت خویش می
یابد که وقتی با کسی عهد بست، باید به آن وفا کند و اگر تخلف کرد خود را مقصّر می داند و در ضمیر باطن خود احساس شرم می کند.
همچنین از کسی که با او پیمان بسته توقع دارد به عهدش وفا کند و اگر از او تخلف ببیند، حسّ می کند که او بد کرده است؛ در نتیجه،
دیگر به او اعتماد نخواهد کرد؛ حتی

کودکان خردسال نیز که با مسائل علمی و عقلی سر و کار ندارند به راهنمایی فطرت، لزوم وفا به عهد را درک می کنند و بدون اینکه از
کسی بیاموزند از پدر، مادر و دیگران انتظار دارند که به وعده خود وفا کنند.

همه این نشانه ها بیانگر این واقعیت است که وفاداری به وعده و پیمان در سرشت و فطرت انسان ها ریشه دارد و نیازمند آموزش و فراگیری
نیست و آموزه های پیامبران و دیگر مربیان الهی (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، تلاشی در جهت پرورش و شکوفاسازی این استعداد و بیان قوانین و
حدود آن و پیامدهای بی وفایی و پیمان شکنی است.

یک ضرب المثل فارسی که می گوید: «آدم خوش حساب شریک مال مردم است»، بیانگر این است که صداقت و راستی در روابط با
مردم، باعث جلب اطمینان و اعتماد دیگران می گردد.

امام مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرموده اند:

لَا تَغْدِرَنَّ بِعَهْدِكَ وَلَا تَخْفِرَنَّ [تُحَقِّرَنَّ] ذِمَّتَكَ وَلَا تَخْتَلْ عِدْوَكَ فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَهْدَهُ وَ ذِمَّتَهُ أَمْنًا لَهُ (1)

بی وفایی مکن به عهد خود و مشکن پیمان خود را و مکر مکن با دشمن خود؛ پس همانا که گردانیده خدای سبحانه عهد و پیمان او را ایمنی از برای او.

این حدیث بیانگر این است که وفای به عهد و پیمان تنها در محدوده روابط داخلی جامعه اسلامی خلاصه نمی شود، بلکه مسلمانان موظفند در برابر بیگانگان، کافران و دشمنان نیز به تعهدات خویش وفادار باشند؛ همچنان که فرمودند:

مِنْ أَحْسَنِ الْأَمَانَةِ رَعَى الدَّمَمَ (2)

رعایت کردن عهدها و پیمانها از بهترین امین بودنهاست.

آن حضرت، نیک عهدی را نشانه ایمان می دانند:

إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيْمَانِ (3)

براستی پایبندی به پیمان از شرایط ایمان است.

مولای متقیان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) همانگونه که ایمان داشتن را عامل پای بندی به پیوندها می دانند، رعایت نکردن عهد و پیمان را از ضعف یقین برمی شمارند و می فرمایند:

ص: 90

1- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 253.

2- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 252.

3- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 252.

مَا أَتَقْنُ بِاللَّهِ مِنْ لَمْ يَرِعَ عُهُودَهُ وَ ذِمَّتَهُ [ذِمَمَهُ] (1)

به خدا یقین نداشت کسی که عهد‌ها و پیمان‌های خود را رعایت نکرده است.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید:

إِنَّ الْعُهُودَ قَلَانِدٌ فِي الْأَعْنَاقِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَقَضَّهَا خَذَلَهُ اللَّهُ (2)

بدرستی که عهد‌ها گردن‌بندهایی است در گردن‌ها تا روز قیامت؛ پس هر که پیوند کند آنها را، خدا او را پیوند کند و هر که بشکند آن را ترک یاری او کند خدا.

امام مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) توصیه بسیاری به رعایت عهد‌ها نموده اند:

آفه العهود قلة الرعايه (3)

آفت پیمان‌ها کمی رعایت است.

طبق این فرموده گرانقدر، آفت و نقصان، باعث سستی و شکست هر چیزی است، پس اهتمام در مستحکم نمودن پیمان، راهی برای جلوگیری از شکست آن است.

ص: 91

1- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 253.

2- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 252.

3- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 253.

امام اول شیعیان وفای به عهد را از منش اهل کرامت و بزرگی برشمردند و فرمودند:

سُنَّةُ الْكِرَامِ الْوَفَاءُ بِالْعُهُودِ (1)

طریقه کریمان یعنی مردم بلند مرتبه یا صاحب سخاوت و جود وفا کردن به عهدها و وعده هاست.

امام مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند:

مِنْ أَشْرَفِ الشَّيْمِ حِيَاظَةُ الذَّمِّ (2)

از بلندمرتبه ترین خوی ها نگهداری عهد و پیمان هاست.

امامان معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) در احترام به عهد و عمل به تعهدات مالی میان انسان ها نظیر نداشتند.

زمانی امام سجّاد (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، از یکی از یاران خویش ده هزار درهم قرض خواست که هر وقت قادر باشد، بپردازد. او از آن حضرت رهن طلبید. امام (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نخى از عبای خود کشید و به او داد و فرمود «این وثیقه من است تا موقع ادای دین نزد شما باشد.» گرچه قبول چنین وثیقه ای در برابر ده هزار درهم برای قرض دهنده دشوار است، او با توجه به شخصیت امام آن را پذیرفت. مبلغ را به ایشان تقدیم کرد و نخ را در قوطی کوچکی جای داد. پس از چندی امام (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

ص: 92

1- . تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، ص 252.

2- . تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، ص 252.

پول را تهیه کرد و نزد طلب کار آورد و فرمود «پولت حاضر است. وثیقه مرا بیاور.» مرد که به نخ عبا اهمّیت نمی داد، اظهار کرد «من نخ عبا را

گم کرده ام.» حضرت (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود «در این صورت طلب خود را از من نمی گیری، تعهد با شخصی مثل مرا نباید ناچیز انگاشت.» مرد به ناچار قوطی مزبور را آورد و نخ را به امام (عَلَيْهِ السَّلَامُ) پس داد. امام نخ را گرفت و دور انداخت و بدهی خود را پرداخت نمود. (1) حضرت با این عمل به آن شخص و دیگران آموخت که یک نخ ممکن است به تنهایی ارزشی نداشته باشد، ولی وقتی نشانه تعهد و التزام به پیمان است، آنقدر ارزنده است که می تواند وثیقه و پشتوانه مبالغ هنگفتی شود.

پرهیز از ورود به فعالیت های اقتصادی غیر قانونی

اقتصاد ناسالم در هر جامعه بویژه در میان مسئولان می تواند ضربه های سهمگینی بر پیکره اجتماع وارد کند. اهمّیت این موضوع آن قدر است که مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به مسئولان هشدار دادند:

«اگر دست های سودجو بتوانند فساد اقتصادی را در میان مسئولان رایج کنند، ضربه ای به آن کشور می خورد که با هیچ چیز جبران نمی شود.» (2)

سازمان ها، باید از فعالیت های اقتصادی غیرقانونی، معاملات شبهه ناک، فعالیت های اقتصادی خلاف عرف و شأن، ضوابط و قوانین و نیز فعالیت هایی

ص: 93

1- بحار الانوار، ج 46، ص 147.

2- بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر، 03/11/1380.

که فرد را در موضع تهمت قرار می دهد به شدت دوری کند و چنانچه افرادی

در این نیرو به فعالیت های اقتصادی خلاف دست می زنند باید با آنان بر طبق قوانین برخورد مناسب صورت گیرد؛ چرا که اینگونه فعالیت ها باعث ناامنی در جامعه و تخریب وجهه نیروهای خدوم سازمان ها خواهد بود.

مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در بیانی دیگر فرموده اند:

«در فعالیت های اقتصادی، هر چه خودتان را دور نگه دارید و پرهیز کنید به نفع شما و کارتتان و به نفع کشور است؛ بلکه به نظر من از هر کاری به غیر از آن کار ویژه خودتان، اجتناب کنید برای این که بتوانید کار خودتان را انجام دهید.»⁽¹⁾

رهنمودهای قرآن کریم و بزرگان دین اسلام می تواند بهترین هشدار برای دوری از معاملات شبهه ناک و باطل باشد. در شناخت راه درست کسب درآمد و رشد اقتصادی صحیح و به طور کل در مسائل مربوط به «معاملات و مبادلات مالی» باید از قوانین اسلامی بهترین استفاده را نمود. تجاوز از حدود تعیین شده الهی و رو آوردن به ظلم و غصب و خیانت در روابط مالی باعث می شود فعالیت اقتصادی به فساد و تباهی کشیده، و بنیان های اقتصادی جامعه متلاشی و نابود شود.

ص: 94

1- . بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران به مناسبت هفته دولت، 8/6/1375.

ورود مسئولان نظام و کارکنان سازمان ها که از اسرار مملکت آگاهند و امنیت کشور را بر عهده دارند به عرصه اقتصادی و استفاده از روابط دولتی برای سود جویی شخصی نوعی خیانت اقتصادی است.

منظور از خیانت اقتصادی، تنها حیف و میل بیت المال، اختلاس، سرقت، احتکار، گرانفروشی و مانند آن نیست. هر گونه فعالیت اقتصادی - که به گونه ای با اقتصاد خرد و کلان ملی و دولتی در تضاد باشد - خیانت به شمار می آید و محکوم است و واردات و صادرات کالاهای غیر ضروری، سرمایه گذاری های بی مورد، راکد گذاشتن سرمایه ها، خروج غیرقانونی ارز و ... از آن جمله است.

اسلام با طرح اصل حیاتی «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ»⁽¹⁾ ضمن احترام به فعالیت های مشروع اقتصادی و حمایت از صاحبان مشاغل مشروع، اجازه هیچ گونه تصرف غیر قانونی و نامشروع در اموال خصوصی و بیت المال را نداده است و با مجرمان و خیانتکاران اقتصادی، گاه برخوردی در حد مرگ دارد، لذا مسئولان باید از جریان های مخفی و انحصاری وابسته به نهادهای قدرت و ثروت داخلی و خارجی که به قصد کسب منافع اقتصادی و سیاسی ضربات جبران ناپذیری به پیکره اقتصاد وارد می کنند، آگاه باشند و از آن دوری کنند.

پای بندی به اصول اخلاق و ارزش های اسلامی و آگاهی از خطرهای این نهادهای سودجو گامی بزرگ در حفظ ارتزاق حلال و زندگی طیب است. مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) در این زمینه ضرورت امنیت اقتصادی و معنای امنیت اقتصادی در کشور فرمودند:

ص: 95

1- . وسائل الشیعه، ج 17، ص 376.

«مبادا کسی خیال کند ایجاد امنیت اقتصادی یعنی بازگذاشتن راه برای مفت خورهای اقتصادی، سوءاستفاده چپ‌های اقتصادی و زالوهای اقتصادی!... کسانی که چه در دوران جنگ و چه در دوران سازندگی، توانستند از پیچ و خم‌های اقتصادی استفاده‌های نامشروع بکنند و ثروت‌های نامشروع به وجود آورند، این امکان را داشته باشند که بتوانند چنین حرکت نامشروعی را به عنوان امنیت اقتصادی انجام دهند... تصور هم نشود که تا به حال ناامنی اقتصادی از ناحیه مسئولان کشور یا بخش‌های قانونی کشور بوده است؛ نخیر، ناامنی اقتصادی هم بیشتر از قبیل آدم‌های سوءاستفاده‌چی بوده است. بنابراین، امنیت اقتصادی هم مسئله مهمی است و ما هم به آن اعتقاد داریم.»⁽¹⁾

همچنین هیچ‌یک از کارمندان دولت حق ندارد با امکانات دولتی به سودجویی شخصی دست بزنند. مسئولان خرید سازمان‌ها که کارمندان آن سازمان هستند، نمی‌توانند در معاملات دولتی سودی برای خود در نظر بگیرند.

از مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این باره استفتاء شده است:

سؤال: اگر فرد شاغل در اداره‌ای (خصوصی یا دولتی) باشد که وظیفه او تهیه جنس یا پیمان‌کار مناسب است و علی‌رغم وجود مراکز مختلف حقیقی

ص: 96

1- . بیانات در دیدار گروه بسیاری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد، 10/6/1378.

و حقوق، به آشنای خود مراجعه و شرط می کند که اگر این کار را با تو قرارداد نمایم (یا کالایی را خریداری کنم) درصدی از سود حاصله را شریک بشوم، این شرط، شرعا چه حکمی دارد؟

جواب: صورت شرعی ندارد و باطل است.

سؤال: اگر فرد مذکور در مسأله (پیش) علی رغم مسئولیت اداره خود به عنوان بازاریاب شرکتی در خارج از اداره هم باشد و خود بازاریابی از اداره برای شرکت را به طور مستقیم یا غیر مستقیم نماید در هر دو صورت حکمش چیست؟ چند درصد از سود را می تواند (با این عنوان) برداشت نماید؟

جواب: حق دریافت هیچ درصدی را ندارد و هرچه دریافت کند باید به اداره مربوطه تحویل دهد و اگر قراردادی که منعقد می سازد، خلاف غبطه و مصلحت اداره باشد، از اساس باطل است.

عدم استفاده از اموال و امکانات مجهول المالک و امکانات مردم خارج از روال قانون و شرع

مالکیت به عنوان یک مبنا در هر مکتب اقتصادی مطرح است. اسلام با اینکه مالک حقیقی را خداوند متعال می داند، مالکیت خصوصی را نیز قابل احترام می داند و به حفظ حقوق اقتصادی انسان ها بسیار سفارش نموده است.

در زندگی گاه مواردی پیش می آید که انسان با مال بدون مالک روبه رو، و نیازمند دانستن تکلیف خویش در این زمینه می شود.

اموال مجهول المالک چیست؟

ص: 97

در هر جامعه ای ممکن است به علل مختلف اموالی یافت شود که مالک آن مشخص نباشد؛ پس مالی که مالک خاص دارد ولی به جهاتی نمی توان او را پیدا کرد مجهول المالک است.

دو نوع مصداق برای مال مجهول المالک ذکر کرده اند:

1- مالی که ظاهراً مالک داشته است و مالک آن شناخته نمی شود و مسلم است مالک از آن مال اعراض کرده است.

2- مالی که ظاهراً مالک داشته است و مالک آن شناخته نمی شود و مسلم است مالک از آن مال اعراض نکرده است.

برخی بر این باورند که این تقسیم بندی صحیح نیست؛ زیرا بر اساس قرائن نمی توان فهمید که مالک از اموالش اعراض کرده یا نه و اگر مالک نیز شهادت بر این موضوع دهد، دیگر مجهول المالک نیست و اموال از مصداق مال مجهول المالک خارج می شود.

بنابر این مال مجهول المالک مالی است که سابقه تملک دارد لکن در زمان معینی مالک آن شناخته نمی شود؛ یعنی هویت مالک برای ما مجهول است.

سازمان ها باید در مأموریت ها و فعالیت ها مراقب نوع برخورد خویش با اموال و امکانات کشف شده باشد. شایسته است در استفاده از این اموال تنها طبق ضوابط و مقررات قانونی و شرعی عمل شود؛ همچنانکه در ماده 31 قانون مدنی ایران که در خصوص مالکیت افراد است آمده است:

«هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی تواند بیرون کرد مگر به حکم قانون.»

در اصل 28 قانون مدنی نیز در مورد مصرف اموال مجهول المالک آمده است:

«اموال مجهول المالک با اذن حاکم یا ماذون از قبیل او به مصارف فقرا می رسد.»

طبق این اصل، اموال مجهول المالک را باید از اموال عمومی شمرد که قانون، مصرف آن را دستگیری از فقرا قرار داده است. در این اصل مراد از حاکم، ولی فقیه است که این وظیفه را به دادستان سپرده است و در حال حاضر، وظایف دادستان به عهده رؤسای دادگستری استان و شهرستان است.

وقتی بحث از اموال مجهول المالک می شود بحثی از «لُقْطَه» مطرح می شود که مال گمشده ای است که یافت می شود و مالکش معلوم نیست؛ پس لقطه مالی است که اولاً صاحب مال، آن را گم کرده باشد.

(بر اساس این شرط، عوض شدن کفش ها، لباس و مانند آن یا آنچه از دست غاصب و سارق می گیرند، «لُقْطَه» نیست [\(1\)](#) و از احکامی دیگر برخوردار است.) و ثانیاً مالک آن مشخص نباشد.

بهترین کاری که انسان در برخورد با اشیای گمشده می تواند انجام دهد، همان است که امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) توصیه فرموده است:

ص: 99

أَفْضَلُ مَا يَسْتَعْمَلُهُ الْإِنْسَانُ فِي اللَّقْطَةِ إِذَا وَجَدَهَا إِلَّا يَأْخُذُهَا وَلَا يَتَعَرَّضُ لَهَا، فَلَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوْا مَا يَجِدُونَهُ لَجَاءَ صَاحِبُهُ فَأَخَذَهُ (1)

بهترین کار انسان درباره «لقطه»، که آن را می یابد، این است که از زمین بردارد و دست بدان نزند. اگر مردم آنچه را می یابند، بردارند، صاحبش می آید و آن را برمی دارد.

در روایتی از امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نقل شده است که ایشان می فرمودند:

إِيَّاكُمْ وَاللَّقْطَةَ فَإِنَّهَا ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ وَهِيَ حَرِيقٌ مِنْ حَرِيقِ جَهَنَّمَ (2)

زنجار از اشیای پیدا شده، از آن سخت بپرهیزید؛ چون از مؤمنی گم گشته و آن آتشی از آتش های دوزخ است.

از نظر اخلاقی و شرعی، هیچ کس حق تصرف در اموال یافت شده را ندارد. در حدیثی، امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند:

لَا يَأْكُلُ الصَّالَّةَ إِلَّا الصَّالُّونَ

گم شده را جز گمراهان نمی خورند.

اگر کسی چیزی ببیند و به گمان این که مال خود اوست آن را بردارد و سپس معلوم شود که مال او نیست، آن چیز از حکم «لُقْطَه» برخوردار است. همچنین، اگر کسی مال گمشده را بردارد و به کناری بگذارد، آن چیز از حکم

ص: 100

1- من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 190.

2- من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 292.

«لُقْطَه» برخوردار می شود، ولی چنانچه با پایا دست آن را کنار بزند، حکم «لُقْطَه» بر آن جاری نیست.

احکام «لُقْطَه» در کتاب های فقهی و دروس احکام بیان شده است.

از آنچه گذشت مشخص می شود که هیچ کس حق ندارد در اموال کشف شده تصرف، و از اموال مجهول المالک استفاده کند. با دقت در بعضی قواعد فقهی مانند «عدم جواز تصرف در مال دیگری بدون اذن وی» و «تسلط مردم بر اموالشان» بخوبی روشن می شود که اسلام، مالکیت فردی را به عنوان اصلی مسلم و فطری پذیرفته است.

از این رو احکامی در باره آن صادر کرده، و برای این اموال، حریمی قرار داده است که باید محترم شمرده شود؛ به عبارت دیگر در اسلام، همان گونه که جان، ناموس و آبروی مردم، اهمیت ویژه ای دارد، احتیاط و احترام نسبت به آنها واجب است. «اموال مردم» نیز از نظر اهمیت از جان و ناموس آنان کمتر نیست.

پیامبرگرامی اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این موضوع مهم را در اجتماع بزرگ عید قربان چنین ابلاغ کردند:

أَنَّ حُرْمَةَ أَمْوَالِكُمْ عَلَيْكُمْ وَحُرْمَةَ دِمَائِكُمْ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي شَهْرِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا، إِلَى أَنْ تَلْقَوْا رَبَّكُمْ، فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ
[\(1\)...](#)

ص: 101

همانا حرمت اموال و خون شما بر یکدیگر، نظیر حرمت امروز در این ماه و این سرزمین است تا پروردگارتان را ملاقات کنید و شما را از کردارتان پرس و جو کند.

و همچنین فرمود:

سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ، وَقِتَالُهُ كُفْرٌ، وَأَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ، وَحُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ (1)

دشنام دادن مؤمن، فسق است و جنگیدن با او کفر و خوردن گوشتش (بدگویی و غیبت پشت سرش) گناه است و حرمت مالش چون حرمت خورش، محفوظ است.

اسلام با این گونه توصیه ها و برنامه های حیاتبخش، پیروان خود را به سوی زندگی سعادت‌مند و پایداری فرا می خواند تا خیانت در شکل های مختلف از جامعه اسلامی ریشه کن شود؛ زیرا خیانت، اعتماد عمومی را که اساس اجتماع سالم و نیرومند است از بین می برد و سعادت جامعه را به خطر می اندازد. از این رو، اسلام خیانت در اموال مردم را حرام کرده است.

جذب منابع و امکانات در چارچوب قوانین و شرع مقدس

جذب و جمع آوری اموال برای خود یا سازمان تحت الامر در نظام اسلامی، مورد سفارش و تأیید اسلام، ولی آزاد و بی قید و شرط نیست.

ص: 102

1- . وسائل الشیعه، ج 8، ص 610.

جذب منابع و امکانات در حکومت اسلامی و بر اساس احکام دینی، جز از راه صحیح و حلال با وسائل مشروع و در چارچوب قوانین و مقررات شرع مقدس قابل قبول نیست و به رسمیت شناخته نمی شود و می باید که این راه ها با قوانین کلی اسلام درباره مال و ثروت و اصول اجتماعی و اخلاقی مخالف نباشد.

در اسلام، مسائل اخلاقی از مسائل اقتصادی جدا نیست. بسیاری از فعالیت های اقتصادی، که از دیدگاه مکاتب اقتصادی شرق و غرب مُجاز است در اسلام ممنوع است؛ چرا که فعالیت جذب منابع مالی بدون در نظر گرفتن اخلاق، مفسده فردی یا اجتماعی در پی خواهد داشت و چون مسائل اخلاقی در این مکتب اصالت دارد، رفع نیازهای مادی نباید از راه حرام به ثروت اندوزی شخصی و سازمانی رو آورد و فضایل اخلاقی را به خطر اندازد.

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) در این باره می فرمایند:

مِنْ تَوْفِيقِ الْحَرِّ اِكْتِسَابُهُ الْمَالَ فِي حِلِّهِ (1)

از موفقیت های انسان آزاده، کسب مال از راه حلال است.

پس حق مالکیت فردی و همچنین جذب منابع مالی برای سازمان به هیچ وجه بر اساس غارت، چپاول، غصب، دزدی، رشوه، غش، تقلب، گران فروشی، ربا، احتکار و ... پایه گذاری نمی شود. از اینجاست که دولت اسلامی می تواند همیشه راه های کسب مال و ثروت را بازرسی کند و ببیند

کدامیک مشروع و حلال و کدام یک نامشروع و حرام بوده است. اگر درآمدها و جذب منابع

ص: 103

1- . شرح غررالحکم، ج 6، ص 36.

سازمانی حلال، مشروع و در چارچوب قوانین و مقررات باشد، مالکیت حق مسلم صاحب مال است و اگر راه های کسب منافع و منابع سازمانی صحیح نباشد، اسلام به هیچ وجه برای آن سازمان مالکیتی را به رسمیت نمی شناسد و هرگز حقوق و وظائفی را که در نگهداری مال و ثروت مشروع به عهده داشت، انجام نمی دهد، بلکه حکومت اسلامی باید آن را به صاحبان اصلی اموال باز گرداند و چنانچه صاحبانی ندارد و یا مجهول المالک است به نفع بیت المال، مصادره کند و مدیرانی را که با تخلف و بر اساس باند بازی و بر خلاف قوانین جاری چنین اموالی را جذب نموده اند، مجازات کند.

از نظر اسلام، درآمدهای اقتصادی به سه دسته تقسیم می شود: حلال، حرام و مشکوک. درآمد حلال آن است که از راه هایی که اسلام آنها را مجاز شمرده است به دست آید. درآمدهای حرام آنهایی است که اسلام به طور صریح آنها را حرام شمرده و پیروان خویش را از آنها منع کرده است و درآمدهای مشکوک به آنهایی گفته می شود که مشروعیت یا ممنوعیت آن روشن نیست.

با توجه به سخن رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) که فرمودند:

إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمِّيٍّ، وَحِمِّيَّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ مَحْرَمَةٌ⁽¹⁾

هر پادشاهی قرقگاهی دارد و قرقگاه خدا در زمین محرمات اوست.

باید گفت کارهای حرام مانند منطقه ممنوعی است که ورود به آن نافرمانی و شکستن قرق الهی به شمار می رود.

ص: 104

1- . نهج الفصاحه، ص 166.

در متون اسلامی مباحثی با عنوان «سُحْت» مطرح است که معنای آن مال حرام، و مصرف آن «أَكْلُ سُحْت» یعنی خوردن مال حرام است. مراد از خوردن مال حرام، مطلق است؛ خواه به مصرف خوردن و آشامیدن برسد یا به مصرف لباس و مسکن و غیره یا آن را تصرف کرده، مصرف نکند؛ خواه این تصرف به نفع شخص باشد و خواه برای منابع عمومی جذب گردد. به همه این موارد عنوان «أَكْلُ سُحْت» یا «حرامخواری» اطلاق می شود.

البته درجه پلیدی درآمدهای حرام یکسان نیست و شدت و ضعف دارد، ولی به طور کلی همه آنها در فضایل انسانی و اخلاقی نقش زیانبار دارد.

جذب منابع مالی از راه حرام، اصول اخلاق اجتماعی را از هم می پاشد به طوری که صاحبان مال و قدرت برای به دست آوردن سود بیشتر به هر کاری دست می زنند. نیت مسئولانی که در ابتدا با اهدافی خداجویانه به میدان اقتصادی آمده بودند، تغییر می کند و هر مدیر به فکر این می افتد که چگونه جیب بیت المال و مردم را خالی کند. روح برادری و نوع دوستی از جامعه رخت بر می بندد و در نتیجه، اخلاق اجتماعی در جامعه به خطر می افتد؛ چه اینکه تغییر سرنوشت اجتماع در گرو تغییر اخلاق و رفتار مردم است.

بنابر این، جذب منابع از راه حرام و بدون در نظر گرفتن قوانین و مقررات شرع مقدس از عوامل مهمی است که بر رفتار و اخلاق اجتماعی اثر نامطلوب دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

1- سلب امنیت اجتماعی: جذب منابع از راه حرام در جامعه، منشأ ایجاد کینه و دشمنی می شود و صلح و صفا را از بین می برد. اسلام نمی خواهد امنیت

جامعه از بین برود. از این رو، راه هایی که امنیت اجتماعی را به خطر می اندازند، ممنوع کرده است.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمایند:

أَرْبَعٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَلَمْ يُعْمَرْ بِالْبِرِّكَهَ الْخِيَانَةُ وَالسَّرِقَةُ وَشُرْبُ الْخَمْرِ وَالزِّنَا (1)

چهار چیز است که به هر خانه ای وارد شود آن را خراب می کند و با برکت نیز ترمیم نمی شود: خیانت، دزدی، شراب خواری و زنا.

با توجه به اینکه خانواده، واحدی کوچکتر از اجتماع است، خرابی آن همان خرابی اجتماعی است. بنابر این وقتی فضایل اخلاقی در اجتماع از بین رفت، فساد، جامعه را تهدید می کند و امنیت آن را از میان بر می دارد. امام رضا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در بیان علت تحریم دزدی فرمودند:

و حُرِّمَ السَّرِقَةُ لِمَا فِيهَا مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ وَقَتْلِ الْأَنْفُسِ لَوْ كَانَتْ مُبَاحَةً (2)

دزدی حرام شمرده شده است چراکه اگر مباح بود، اموال فاسد می شد و قتل نفوس پدید می آمد.

2- رکود اقتصادی و رواج بی بندوباری: وقتی در جامعه، کسب حرام باشد، مردم از فعالیت و کار مفید دست برمی دارند و این بیکاری باعث رواج

ص: 106

1- . وسائل الشیعه، ج 28، ص 242.

2- . وسائل الشیعه، ج 28، ص 241.

گناه و بی بند و باری در جامعه می شود. بر همین اساس، امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در علت تحریم ربا می فرماید:

إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرَّبَا حَالًا لَتَرَكَّ النَّاسُ التَّجَارَاتِ (1)

اگر ربا حلال بود، مردم تجارت را رها می کردند.

3- از بین رفتن فضایل: در فلسفه تحریم ربا، تعبیرات مختلف است؛ یکی از آنها این است که امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرموده اند:

إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرَّبَا لِئَلَّا يَذْهَبَ الْمَعْرُوفُ (2)

خداوند عز و جل ربا را حرام کرد تا کارهای معروف «نیک» از بین نرود.

4- هلاکت اجتماع: رواج معاملات نامشروع باعث می شود نیتها عوض شود. چه بسیار افراد و سازمان هایی که در ابتدا با نیت خالص به وادی اقتصادی گام گذاردند و حتی مؤسساتی را برای کمک به مردم و دست گیری

از آنان راه انداختند ولی حس سود جویی بیشتر و زراندوزی و ندانستن مسائل شرعی، آنان و حتی مدیران متدین را به انحراف انداخت و راه های کسب مال و جذب منابع بسوی ربا، رشوه، قاپچاق و غارت اموال رفت و به هلاکت اجتماع منجر گردید.

ص: 107

1- . وسائل الشیعه، ج 18، ص 120.

2- . وسائل الشیعه، ج 18، ص 121.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این باره می فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ هَلَاكًا ظَهَرَ فِيهِمْ الرَّبَا(1)

اگر خداوند اراده کند، ملتی را هلاک کند ربا میان ایشان آشکار شود.

بنابراین اگر در جذب منابع، حدود الهی رعایت نشود، نه تنها افراد و مدیران را از انسانیت ساقط، و نسل انسانی را فاسد می کند، بلکه اجتماع را به مخاطره می اندازد و اصول اخلاق اجتماعی را از هم می پاشد.

دراثر فروپاشی اصول اخلاقی، جامعه دچار هرج و مرج و بی بندوباری می شود.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) انحراف های اخلاقی در جامعه را هشدار داده، فرموده اند:

إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ وَالرَّبَا(2)

بیمناکترین چیزی که برامت خود از آن می ترسم، کسب و کارهای حرام، شهوتهای پنهان و ربا است

اسلام، تلاش مدیران برای جذب منابع و منابع مالی در چارچوب قوانین و مقررات و مقررات شرع مقدس را می ستاید و به رسمیت می شناسد تا مدیران، آخرین و کامل ترین کوشش های خود را برای پیشرفت بیشتر و

ص: 108

1- . وسائل الشیعه، ج 18، ص 123.

2- . وسائل الشیعه، ج 17، ص 81.

بهره برداری کامل تر از امکانات سازمانی انجام دهند و مجموعه سازمان را در راه رشد و ترقی، پیش برانند ولی در عین حال بر همین جذب منافع، حدود و قیودی وضع می کند تا بر اجتماع اسلامی ضرری وارد نشود.

انضباط سیاسی

اداره جامعه در همه زمینه ها مستلزم ورود مردم به سیاست است و محروم ساختن یک قشر از این حق طبیعی با فلسفه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی که بر آن مبتنی است، بیگانه است؛ همانطور که اصل انقلاب اسلامی بر مبنای ضرورت ورود آحاد مردم جامعه به سیاست شکل گرفت. نکته ای که قابل تأمل است حفظ انضباط سیاسی در نیروهای مسلح است.

سازمان ها که نقطه اتکای مردم و حافظ حرمت عمومی است، باید نماد نظم و انضباط در همه ابعاد باشد؛ چون تنها در سایه نظم همه بُعدی است که می توان وظیفه دفاع از امنیت و حقوق مردمی را به شایستگی اجرا نمود.

این نیروهای ارزشمند در بُعد سیاسی نیز می توانند الگوی نظم و انضباط باشند. برای رسیدن به این هدف، رعایت اصول انضباط سیاسی مطابق با ارزش های اسلامی و نگرش فرمانده معظم کل قوا، اجتناب ناپذیر است.

منع از ورود کارکنان و یگان در احزاب، گروه ها و جبهه ها

در فرهنگ قرآن به مجموعه ای هدفمند، که دارای وحدت عقیده، ایمان و هدف واحد هستند، حزب اطلاق می شود.⁽¹⁾

ص: 109

1- . قاموس قرآن، ج 2، ص 126.

حزب در فرهنگ قرآن دو گونه است:

الف) حزب الله

أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ(1)

آنها «حزب الله» اند؛ بدانید «حزب خدا» پیروزان و رستگارانند.

ب) حزب شیطان

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ(2)

شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده است؛ آنان حزب شیطانند. بدانید حزب شیطان زیانکارانند.

امام خمینی (رحمه الله) نیز به این دو حزب اشاره، و میزان سنجش خوبی و بدی هر حزبی را فکر و نیت آن حزب معرفی می نمایند:

«همه ایران یک گروه است؛ یک حزب الهی است؛ یک گروه است و این یکی از نعمت هایی است که ما باید قدرش را بدانیم... از اول عالم تا حال دو حزب بوده

است: یکی حزب الهی و دیگری حزب غیرالهی و شیطانی و آثار هر یک هم جدا بوده. این طور نیست که حزب بد باشد یا حزبی خوب بلکه میزان، ایده حزب است. هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر

ص: 110

1- . سوره مبارکه مجادله، آیه 22.

2- . سوره مبارکه مجادله، آیه 19.

نیندازند، آزادند و اسلام در تمامی این شئون، حد و مرز آن را مشخص کرده است.»⁽¹⁾

داشتن شعور سیاسی با دخالت در امور سیاسی متفاوت است. برای دخالت در سیاست می توان چند مفهوم بیان کرد:

یک مفهوم دخالت در سیاست، مطالعه مسائل سیاسی و فهم و درک مقولات و امور سیاسی است؛ بدین معنی که افراد با رویدادها و موضوع گیری های سیاسی اعم از داخلی و خارجی آشنا باشند و جهت و سمت و سوی جریان های سیاسی را درک کنند. ممنوعیت ورود به این مقوله برای هیچکس قابل قبول نیست و ممنوع ساختن نیروهای مسلح از دخالت در سیاست به این معنی به مثابه دریغ کردن حیات اجتماعی از آنهاست و چنین چیزی به هیچ وجه متناسب فضای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی نیست.

مفهوم دوم برخورداری از موضع مشخص در مسائل کلی سیاسی است؛ به عبارت روشن تر هنگامی که سیاست های داخلی و خارجی مرتبط با اصل نظام و کشور مطرح می شود. نیروهای مسلح نیز در مورد آنها موضع

مشخصی داشته باشند. برخورداری از موضع مشخص و روشن در مسائل کلی سیاسی هر چند می تواند از مصداقهای دخالت در سیاست به شمار رود، امری لازم برای همه از جمله نیروهای مسلح است تا بتوانند براساس آن در مواقع لازم به وظیفه خود عمل کنند. طبیعی است که در این قبیل مسائل مواضع نیروهای مسلح باید با فرماندهی معظم کل قوا منطبق، و برگرفته از آن سیاست باشد.

ص: 111

1- . سخنان در دیدار با اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، 6/1/1361.

سومین مفهوم اعلام مواضع سیاسی در مسائل کلی، سیاسی و تبلیغاتی کردن آن است. در این زمینه نیز همه اقدامات باید تابع سیاست های ابلاغی فرماندهی معظم کل قوا باشد تا خللی در اجرای وظایف ذاتی نیروهای مسلح ایجاد نشود.

چهارمین مفهوم از دخالت سیاسی، ورود به دسته بندی های سیاسی، همراهی با جناح ها و له یا علیه این گروه و آن حزب، موضع گرفتن و عمل کردن است. این امر قطعاً از مصداقهای برجسته دخالت در سیاست، و با وظایف ذاتی نیروهای مسلح در تضاد است.

مفهوم پنجم، که نوع زیانبارتر دخالت در سیاست است برعهده گرفتن مستقیم نقش احزاب و گروه های سیاسی توسط نظامیان است. در این حالت نظامیان مستقیماً در کارهایی از قبیل انتخابات دخالت می کنند و همچون احزاب به فعالیت های سیاسی می پردازند.

بی تردید ورود به عالم سیاست بر اساس مفاهیم سه گانه اول، چه از مصادیق دخالت باشد یا نباشد برای نظامیان اشکال ندارد. برخورداری از درک سیاسی و آگاهی یافتن از مسائل سیاسی از حقوق طبیعی آحاد مردم از

جمله نظامیان و لازمه حیات اجتماعی همه افراد بشر است. محروم ساختن یک قشر از اقشار جامعه از این حق طبیعی نه تنها به هیچ وجه قابل قبول نیست بلکه نوعی لطمه وارد ساختن به حیات اجتماعی آن قشر است.

از سخنان مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این زمینه است:

«بعضی از مشکلات ما ناشی از ضعف بعضی از مدیریت هاست؛ به کارهای جزئی و فعالیت های سیاسی و حزبی، سرگرم و مشغول می شوند. این قدر که من در این

خصوصاً تأکید می‌کنم، بعضی‌ها می‌گویند فلانی با حزب و تحزب مخالف است در صورتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین حزب را ما درست کردیم. اگر تحزب به معنای واقعی کلمه وجود داشته باشد، من طرفدار آن هستم، منتها من تحزب را این نمی‌دانم که عده‌ای از داعیه‌داران سیاسی به دنبال کسب قدرت، دور هم جمع شوند، ده نفر، پانزده نفر، بیست نفر و با شعار و ایجاد هیجان و جذابیت‌های دروغین، مردم یا گروه‌هایی از مردم را به این طرف و آن طرف بکشانند و مرتب، دعوا و اختلاف راه بیندازند و برای این که بی‌کار نمانند یک مسئله کوچک را بزرگ کنند، یک چیز کم‌اهمیت را پر اهمیت جلوه دهند و روزها و هفته‌ها درباره‌اش بحث و تحلیل کنند، بر اساس آن، دوست و دشمن معین کنند، فلان کس، فلان طرفی است، پس دشمن است، فلان کس، فلان طرفی است، پس

دوست است. بنده این‌ها را تحزب نمی‌دانم، این‌ها روش‌های غلط سیاسی است که در دنیا هم رایج است.»⁽¹⁾

سازمان‌ها باید با تأسی به ولایت فقیه و بصیرت سیاسی تمام، نه تنها خود از حزب‌گرایی پرهیز کنند بلکه کارکنان و یگان خویش را از ورود به احزاب، گروه‌ها و جبهه‌های گوناگون منع کنند.

ص: 113

1- . گام بلند به سوی دولت اسلامی ویژه نهمین انتخابات ریاست جمهوری، 21/8/1380.

بازی و رقابت سیاسی در جامعه ما تاریخی بس پرفراز و فرود دارد. در گذر این دوران آزمون و تجربه، رفتار سیاسی بازیگران جمعی این مرز و بوم کمتر مجال به هنجار و به قاعده شدن را یافته است. در عرصه بازی و رقابت سیاسی جامعه ما همواره وزش هر نسیم چالش گونی، استعداد تبدیل شدن به تندبادهای ویرانگر را داشته است. احزاب این سرزمین در گستره وسیعی از حیات سیاسی خود، جز تراحم و تخالف و تنفر نیفزوده اند و جز به انسداد و تصلب بیشتر فضای سیاسی یاری نرسانده اند.⁽¹⁾

لزوم پرهیز سازمان های دولتی از گروه گرایی در کلام امام راحل اینگونه آمده است:

«من از همه ارگان های دولتی و ملی و همه گروه ها می خواهم که از گروه گرایی و دسته بندی و فرصت طلبی و

هواهای نفسانی احتراز کنند و خود را در راه خدمت به ملت و خلق مستضعف قرار دهند و از راهی که ملت می رود منحرف نشوند و خداوند عالم را حاضر و ناظر ببینند و از اختلاف و نفاق دست بردارند و مصالح کشور را بر مصلحت خویش مقدم دارند و در صدد تضعیف یکدیگر برنیایند و با

ص: 114

1- . گفت وگو با کوشندگان سیاسی، ج 2.

ملت رزمنده به پیش روند که خدا با آنان است و پیروزی نهایی نصیب آنان است.»(1)

در دین مبین اسلام همواره بر وحدت و یکپارچگی تأکید، و از تفرقه منع شده است؛ به طور نمونه در سوره مبارکه آل عمران، ثمره چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه به عنوان یک نعمت بزرگ الهی، هدایت و رستگاری است:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ(2)

و همگی به ریسمان خدا (=قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت)، چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت

(بزرگ) خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید؛ خدا شما را از

ص: 115

1- . پیام به ملت ایران و پاسداران، روزنامه کیهان، 26/3/1359.

2- . سوره مبارکه آل عمران، آیه 103.

آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

آنچه سعادت دنیا و آخرت همه ما را تأمین می کند، رضای خداست نه رضای این یا آن جناح و رضای خدا را فقط در اجرای وظائف شرعی و پیروی از ولی فقیه و پیروی از قانون اساسی جمهوری اسلامی می توان جستجو کرد نه چیز دیگر.

جانبداری نکردن از مواضع گروه های سیاسی

یکی دیگر از اصول سیاسی اسلام، اصل «اعتزال» است. اعتزال، کناره گیری است، ولی نه به معنای انزواطلبی اخلاقی، بلکه مقصود از آن، بی طرفی و کناره گیری از مداخله سیاسی و جانبداری از گروه های سیاسی است و به دیگر سخن اعتزال، سلب مسئولیت و عدم دخالت یک گروه و یا کشور اسلامی در زمینه مورد نزاع دو یا چند گروه سیاسی است که دخالت در کشمکش آنان به مصلحت نظام اسلامی نباشد؛ به همین سبب حاکم اسلامی ترجیح می دهد که نیروهای تحت امر از هرگونه اقدام به نفع یکی از

دو طرف سیاسی به صورتی که به معنای جانبداری از یک طرف و به ضرر طرف دیگر باشد، خودداری کند. (1)

انواع اعتزال

اعتزال و بی طرفی بر دو نوع است:

ص: 116

1- . اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ص 412.

اعلام عدم دخالت در کشورهای دیگر و بی طرفی در اختلاف میان دو یا چند دولت

اسلام، اصل اعتزال و بی طرفی سیاسی را چون دیگر سیاست هایش به طور مطلق می پذیرد؛ بدین معنا که پس از انعقاد پیمان و اعلان بی طرفی حکومت و دولت کشورها، جنگجویان مسلمان موظفند از جنگ با آنان بپرهیزند و این پیمان تا زمانی که از سوی خود آنان نقض نشود از سوی دولت اسلامی معتبر است.

پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در سال دوم هجری با قبیله بنی ضمره پیمان بی طرفی بست. این قبیله، که پیرامون مدینه می زیستند به پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پیام دادند که چون شمار ما اندک است و قدرت و تمایل به مبارزه علیه شما را نداریم با شما پیمان ترک تعرض می بندیم؛ [\(1\)](#) در این هنگام پیام و حیانی فرود آمد و از امضای الهی خبر داد:

فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يَغْتَابِكُمْ وَالْقَوْلُ إِلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا [\(2\)](#)

ص: 117

1- . فقه سیاسی، ج 3، ص 289.

2- . سوره مبارکه نساء، آیه 90.

اگر از شما کناره گیری کردند و با شما پیکار نکردند، [بلکه] پیشنهاد صلح دادند، خداوند به شما اجازه نمی دهد که متعرض آنان شوید.

پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) پس از نزول آیه اعتزال و تجویز آن از سوی خداوند متعال با بنی ضمیره، پیمانی بدین مضمون امضا کرد:

عَلَىٰ أَنْ لَا يُغْزَوْا وَلَا يُكْتَرُوا عَلَيْهِ جَمْعًا وَلَا يُعِينُوا عَدُوًّا وَكَتَبَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُمْ كِتَابًا (1)

[محمد] بر بنی ضمیره نخواهد تاخت و آنان نیز بر وی یورش نخواهند برد. سرباز دشمن او را تقویت نمی کنند و کوچکترین کمکی به دشمنانش نخواهند رسانید.

گاهی کشورهای دیگر پیمانی با مسلمانان امضا نکرده اند ولی بنابر مسائل اخلاقی و سیاسی، حکومت اسلامی در کار آن کشورها دخالت، و در مناقشات از آنان جانبداری نمی کند؛ همانند موضع پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) با مردم حبشه که سبب آن، رفتار انسانی نجاشی با مسلمانان بود. کشور نجاشی در زمان رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) دارالاسلام نبود؛ زیرا بیشتر مردم حبشه مسیحی بودند ولی شاید از آن

رو که تبلیغ اسلام در این کشور مجاز بود یا به علت دیگر، پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اعلام کرد:

تَارِكُوا الْحَبَشَةَ مَا تَرَكَوْكُمْ (2)

ص: 118

1- طبقات ابن سعد، ج 2، ص 8.

2- وسائل الشیعه، ج 11، ص 47.

مردم حبشه را تا وقتی که آسایشان به شما نمی رسد به حال خود رها کنید.

به استناد این حدیث، مسلمانان هیچ گاه در پی جنگ با حبشیان برنیامدند و بی طرفی نظامی و سیاسی آنان را پذیرفتند. مسلمانان در روزگار بعدی، سیاست اعتزال و قبول بی طرفی را در برابر سرزمین «نوبه» از کشورهای آفریقا و قبرس به کار گرفتند؛⁽¹⁾

پس مسلمانان نیز می توانند چون دیگر ملت ها در برخی منازعات و اختلافات میان دولت ها، سیاست اعتزال در پیش گیرند و بی طرفی کشور اسلامی را اعلام کنند. این تصمیم در محورهای سه گانه عقیدتی، سیاسی و نظامی قابل اجرا است که مشروعیت به کارگیری سیاست «اعتزال» در زمان غیبت به فرمان ولایت فقیه، قابل اجرا است و در حیطة اختیار افراد دیگر نیست.

دوم) اعتزال و دخالت نکردن در برخی اختلاف ها و جریان های اجتماعی و سیاسی یا نزاع میان گروه های سیاسی کشور در مقاطع خاص زمانی

در برخی از بحران های سیاسی و درگیری دو یا چند قدرت سیاسی، که موضع گیری صریح و یک جانبه نیروها به پیدایش یا گسترش مشکلاتی

خواهد انجامید، سیاست «اعتزال» راه صحیح، منطقی و مشروع تلقی می شود؛ چنان که حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در وضعیت ظهور «فتنه» می فرمایند:

كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرَ فَيْرَكْبُ وَلَا ضَرْعَ فَيَحْلَبُ⁽²⁾

ص: 119

1- [2]. اسلام و حقوق بین الملل عمومی، 418 و 419.

2- . نهج البلاغه حکمت 10.

در فتنه‌ها چونان شتر دوساله باش؛ نه پشتی دارد که سواری دهد و نه پستانی تا او را بدوشند.

مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در خصوص چگونگی رویارویی با فتنه در یکی از بیانات خویش به خطبه حضرت زینب (h) اشاره فرموده و بیان کرده اند:

«خطبه فراموش نشدنی زینب کبری در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست... یک تحلیل عظیم از وضع جامعه اسلامی در آن دوره است... دو روز قبل در یک بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده اند... در یک چنین شرایط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع می کند؛ همان لحنی را به کار می برد که پدرش امیرالمؤمنین بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار می برد؛... ای خدعه گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله رو اسلام و اهل بیت هستید؛ اما در امتحان اینجور کم آوردید، در فتنه اینجور

کوری نشان دادید... شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یکسان نبود؛ به خودتان مغرور شدید؛ خیال کردید ایمان دارید؛ خیال کردید همچنان انقلابی هستید؛ خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید در حالی که واقع قضیه این نبود؛ نتوانستید از عهده مقابله با فتنه بریاید؛ نتوانستید خودتان را نجات دهید... مثل آن کسی شدید که پشم را می ریسد، تبدیل به نخ می کند؛

ص: 120

بعد نخها را دوباره باز می کند؛ تبدیل می کند به همان پشم یا پنبه نرسیده. با بی بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده های خودتان را، گذشته خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابیگری؛ اما باطن، باطن پوک، باطن بی مقاومت در مقابل بادهای مخالف. این، آسیب شناسی است... انقلاب نبوی و انقلاب علوی را آسیب شناسی می کند؛ می گوید شماها نتوانستید در فتنه، حق را تشخیص بدهید؛ نتوانستید به وظیفه تان عمل کنید؛ نتیجه این شد که جگرگوشه پیغمبر سرش بر روی نیزه رفت.» (1)

البته هنگامی که سیاست های داخلی و خارجی مرتبط با اصل نظام و کشور مطرح می شود، مدیران سازمان ها نیز باید در مورد آنها موضع مشخصی داشته باشند.

مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در 27 مهرماه 1389 در جریان سفر به شهر قم به طور تأمل برانگیزی از مطالب مربوط به فتنه سال 1388 سخن گفتند و در وضعیتی که برخی از چهره های سیاسی تلاش کردند حوادث خسارت بار سال 1388 را در اذهان عمومی به فراموشی بسپارند، لزوم عبرت آموزی از آن را دوباره یادآوری، و به نوعی تلاش کردند تا با جلوگیری از فراموشی آن حوادث، بصیرت و آگاهی را در جامعه و در میان خواص ارتقا دهند.

ص: 121

1- . بیانات در دیدار گروه بسیاری از پرستاران نمونه کشور، 1/2/1389.

گروه‌گرایی و ورود در عرصه‌های سیاست‌بازی و احزاب و گروه‌ها در کلام رهبری اینگونه آمده است:

«گروه‌گرایی گاهی درست معنا نمی‌شود در جایی ممکن است وابستگی گروهی نباشد. اما گروه‌گرایی وجود داشته باشد. گروه‌گرایی یعنی تعصب‌باندی و این خانمان سوز است. باید با سلاح معنویت، اخلاق و نصیحت، این جریان فاسد را نابود کرد.»⁽¹⁾

مدیران سازمان‌ها باید مدافع انقلاب باشد و نباید از جناح‌ها و دسته‌بندی‌های سیاسی و مواضع آنان جانبداری کند.

عدم تأثیرپذیری از جریانات سیاسی در اقدامات و تصمیم‌گیری‌های سازمانی

انسان موجودی انعطاف‌پذیر است که از عوامل گوناگون درونی و برون‌ی تأثیر می‌پذیرد و نسبت به هر یک از آنها، واکنش مثبت یا منفی از خود بروز می‌دهد.

همه انسان‌ها از نظر تأثیرپذیری از مسائل اجتماعی و سیاسی یکسان نیستند؛ برخی زمینه‌کسب‌گونه‌ای از کمالات را دارند که شاید دیگران فاقد چنین زمینه‌ای باشند و ممکن است گروهی در معرض برخی از جریانات سیاسی و اخلاقی قرار گیرند که گروه دیگر در چنین وضعیتی قرار نگیرند؛ به طور مثال،

ص: 122

1- . رویدادها و تحلیل، ش 22، ص 7.

آن قدر که یک رزمنده به فضیلت ایثار و شهادت نزدیک است، کارمند معمولی چنین نیست و آن اندازه که مأمور گمرک در معرض رذیله اختلاس قرار می گیرد، معلم قرار نمی گیرد.

از نظر روحی بسیاری از انسان ها با دیدن یک صحنه رقت انگیز، اشکشان جاری می شود و یا با آگاهی از ستمی که بر مظلومی رفته است، خونشان به جوش می آید؛ با سخن و نفس گرم عالمی درد آشنا به سوی ملکوت پر می کشند و با چرب زبانی و وسوسه انسانی ناباب به کارهای شیطانی دست می زنند؛ به همین دلیل حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند:

قَارِنُ أَهْلِ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الشَّرِّ تَبْنِ عَنْهُمْ (1)

با نیکوکاران بپیوند تا از ایشان باشی و از بدان دوری گزین تا از آنان نشوی.

در جریانات سیاسی نیز با تبلیغات صحیح و اصولی، موضعی صحیح و ارزشمند در پیش می گیرند و یا تحت تأثیر تبلیغات سوء، راه انحراف پیش می گیرند. بنابر این، بسیاری از فعالیت های انسان ها همواره با عقربه «تأثیر و تأثر» تنظیم می شود که در پاره ای موارد مفید خواهد بود و در بسیاری از موارد نیز زیان آور است.

نقش تربیتی مدیر در هر مجموعه از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا کسانی که تحت امر وی کار می کنند و مجری دستور او هستند، خواه ناخواه تحت تأثیر برخوردها و موضعگیری های مثبت و منفی او قرار می گیرند و رفتار

ص: 123

خود را با وی منطبق می سازند و گاهی تأثیرپذیری آن ها به قدری است که استقلال فکری از آنان سلب، و چشم بسته تسلیم می شوند و مطابق اخلاق او عمل می کنند؛ از این رو، امیر مؤمنان (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید:

النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ (1)

مردم به مدیران و فرمانروایان جامعه خود شباهت بیشتری دارند تا به پدران خود.

مدیری که به اخلاق مدیریت اسلامی آراسته باشد، می تواند سمبل و مروج خوبی ها باشد و از این راه به اصلاح دیگران بپردازد. چنین مدیر و فرماندهی باید در جریانات سیاسی دارای بصیرت باشد و نباید از احزاب

مختلف تأثیر بگیرد و نیروهای تحت امر را به سوی جریان سیاسی خاصی سوق دهد.

این بیان امام راحل به حساسیت موضوع اشاره دارد. در سازمانی که جریانات سیاسی آنها را با خود می برد، تمام فعالیت های مدیران، اعم از برنامه ریزی، تصمیم گیری و اجرای برنامه ها تحت تأثیر قرار می گیرد و رنگ و بوی حزب و جریان مربوط را به خود می گیرد؛ لذا شایسته است مدیران و برنامه ریزان، آزاد اندیشی و استقلال خط و مشی را سرلوحه کارهای سازمانی خود قرار دهند و نهال اندیشه خود را به دست بادهای سیاست نسپارند.

مدیران لایق آنچنان تدبیر و دور اندیشی دارند که حتی از حضور در مجالس و محافل نامطمئن و جاهایی که انسان را در مظان اتهام قرار می دهد، پرهیز

ص: 124

می کنند؛ سخن حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در وصیت به امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را سرلوحه رفتار سیاسی خود قرار می دهند که می فرمایند:

وَإِيَّاكَ وَ مَوَاطِنَ التُّهْمَةِ وَ الْمَجْلِسَ الْمَطْنُونَ بِهِ السُّوءُ فَإِنَّ قَرِينَ السُّوءِ يَغُرُّ جَلِيسَهُ (1)

از حضور در محل های تهمت زا و مجلسی که گمان بدی در آن می رود، بپرهیز؛ چون هم نشین بد، هم نشین خود را دگرگون می سازد.

ص: 125

1- وسایل الشیعه، ج 12 ص 37.

امانت، ضد خیانت و به معنای راستی، ودیعه و هر چیزی است که برای نگاهداشتن به کسی می سپارند. (1) امین کسی است که ودیعه را به او می سپارند.

وقتی صحبت از امانت به میان می آید، اغلب مردم گمان می کنند که امانت فقط مال است در صورتی که امانت، مصداق های دیگری هم دارد. از نظر قرآن و دین مقدس اسلام (امانات الهی)، زنان و فرزندان، اسرار و رازها، مجالس، شاگردان، مشاغل و مناصب اجتماعی و سیاسی و مشاغل دولتی و اداری، سرمایه های بلاد اسلامی (چه ثروت های عمومی و چه ثروت های خصوصی) و اعضا و جوارح انسان همگی امانت است.

پیامبر عظیم الشان اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قبل از اینکه رسالت تبلیغ دین اسلام را به دوش بگیرد به محمد امین معروف بود. این لقب به دلیل اعتمادی بود که مردم به امانتداری حضرت داشتند؛ از این رو اموال خویش را به رسم امانت نزد آن حضرت قرار می دادند.

خداوند متعال نیز اسلام عزیز را برای تبلیغ بر محمد امین (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عرضه نمود چون امانتی بس عظیم بود.

صفت امانتداری ویژگی اصیل و پُرمايه ای در اخلاق اسلامی است. مدیرانی که داعیه رسالت های سازمانی را دارند جز با مزین شدن به این صفت برجسته و حفظ و نگهداری سرمایه های مادی و غیر مادی سازمان به ادای رسالت موفق نخواهند شد. در سازمانی که امانتداری سلوک مدیران و

کارکنان نباشد، فضای

ص: 127

اعتماد و آرامشی وجود نخواهد داشت تا در پرتو آن اهداف سازمانی محقق گردد.

ادای امانت از نظر اسلام چنان مهم است که اگر دشمن چیزی را به عنوان امانت به انسان بسپارد باید در حفظ آن کوشش نمود. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این باره فرموده اند:

أَدُّوا الْأَمَانَاتِ وَ لَوْ إِلَى قَتْلِهِ الْأَنْبِيَاءِ (1)

امانت ها را بپرداز گر چه به قاتلان پیامبران باشد.

امیر مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَام) نیز در بیان اهمیت امانت در دین اسلام می فرمایند:

رَأْسُ الْإِسْلَامِ الْأَمَانَةُ (2)

سر اسلام، امانتداری است.

صفت والای امانتداری آنچنان اهمیت دارد که آرامش و امنیت اجتماع و گروه های سازمان یافته در گرو این ویژگی است. ادای امانت از اوامر الهی، و در قرآن کریم به آن اشاره شده است:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا (3)

ص: 128

1- . تحف العقول، ص 104.

2- . تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 251.

3- . سوره مبارکه نساء، آیه 58.

خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید.

خدای متعال در سوره مؤمنون رعایت امانت را یکی از صفات اهل ایمان برمی شمارد و می فرماید:

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ(1)

مؤمنان کسانی هستند که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند.

هدف اسلام ایجاد جامعه ای است که اعتماد عمومی بر آن حکمفرما باشد؛ لذا با

تأکید بر امانتداری به عنوان یکی از عواملی که پیوند میان افراد اجتماع را محکمتر می کند به سوی این هدف گام برمی دارد.

در یک دسته بندی می توان گفت امانتداری در چهار بخش قابل توجه است: نسبت به خدا و رسول خدا (قوانین دینی)، نسبت به بیت المال و امور اقتصادی، امانتداری نسبت به اسرار سازمانی و سیاسی و امانتداری نسبت به ناموس و اموال و اسرار شخصی دیگران. امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) برای امانتداری سه مرحله قائل شده اند: حفظ اموال، حفظ اسرار، حفظ ناموس:

لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا حَتَّى يُؤْتَمَنَ عَلَى ثَلَاثَةٍ فَيُؤَدِّيَهَا: عَلَى الْأَمْوَالِ وَالْأَسْرَارِ وَالْفُرُوجِ(2)

ص: 129

1- [1] سوره مبارکه مؤمنون، آیه 8.

2- . تحف العقول، ص 316.

کسی را نمی توان امانتدار دانست تا در سه مورد امانتداری خود را نشان دهد: در حفظ اموال، حفظ اسرار و حفظ ناموس.

حفظ اسرار و اموال و آبرو، بخش هایی از امانتداری است که در زندگی فردی و سازمانی باید مورد رعایت قرار گیرد. در مشاغلی که با امانت های سازمانی و اجتماعی در ارتباطند و به نوعی مورد اعتماد و امین مردم هستند این امر جنبه حیاتی دارد.

در حیظه مشاغل و وظایف، مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در جمع مسئولان و کارگزاران درباره امانتداری فرمودند:

«یکی از خصوصیات، این است که مردم می خواهند این احساس را داشته باشند که مسئولان کشور در سطوح مختلف، نسبت به موجودی کشور، امانتدار و امینند. این را من می خواهم از شما به طور جد بخواهم که مراقب باشید، این امانت و این روحیه امانتداری نسبت به آنچه که از مردم

ص: 130

در اختیار ماست - بیت المال و آنچه که مربوط به ثروت های عمومی کشور است - اختلال پیدا نکند.» (1)

حفظ، نگهداری و صرفه جویی در استفاده از اموال سازمانی

طبق حدیث امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) یکی از موارد امانت داری، نگهداری اموال دیگران به نحو شایسته است. نگهداری و صرفه جویی در استفاده از اموال سازمانی نیز بخشی از امانت داری مالی است. قابل ذکر است که تمام اموال مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، جزء دارایی های عمومی یا بیت المال است که در دست کارکنان به امانت سپرده شده و هر فردی به تنهایی به حفظ و نگهداری و استفاده صحیح و قانونی از آنها موظف است. همه کسانی که به گونه ای با نوعی از بیت المال در ارتباطند باید نسبت به استفاده و نگهداری از آن دقیق و دلسوز باشند و با عقل و تدبیر و در چارچوب قانون و مقررات، آن را به کارگیرند.

مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در مورد تعریف صرفه جویی و قناعت و لزوم آن در میان اقشار مختلف مردم فرمودند:

«صرفه جویی به معنای گدابازی نیست که بعضی بگویند چرا نمی گذارید مردم از نعمت های خدا استفاده کنند. نه، استفاده کنند، ولی اسراف و زیاده روی نکنند. اسراف در جامعه، لازمه اشرافی گری و تقسیم نابرابر ثروت و مایه

ص: 131

1- . بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، 6/2/1376.

تضییع اموال عمومی و نعمت الهی است. صرفه جوئی صحیح- همان که در اسلام به آن قناعت می گویند- به معنای نخوردن نیست به معنای زیاده روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن، نعمت الهی را ضایع نکردن است. اگر جامعه ای بخواهد قناعت و صرفه جوئی را- که یک دستور اسلامی است- عمل بکند، باید متوجه باشد که در شکل کلی باید به عدالت اجتماعی و مسئله عدالت پرداخته شود. برای این که بشود این راه را ادامه داد، همه و همه باید کوشش کنند.»(1)

دقت در صرفه جوئی سازمانی در ظرافت کلام امیر مؤمنان(عَلَيْهِ السَّلَامُ) ضمن نامه ای به یکی از کارگزاران قابل توجه است:

أَدِقُّوا أَقْلَانَكُمْ، وَقَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ، وَاحْتَدِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ، وَأَقْصِدُوا الْمَعَانِي، وَإِيَّاكُمْ وَالْإِكْثَارَ، فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ
الإِضْرَارَ(2)

قلم هایتان را نازک کنید؛ فاصله سطرها را نزدیک نمایید؛ سخنان زاید را حذف کرده؛ به معانی بسنده کنید و از

ص: 132

1- . بیانات در اجتماع مردم مشهد مقدس رضوی، 1/1/1376.

2- . بحار الانوار، ج 76، ص 49.

طولانی نویسی بپرهیزید؛ زیرا اموال مسلمانان تحمل ضرر و زیان را ندارد.

امام خمینی (رحمه الله) نیز این گفتار حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را دستورالعمل دائمی و لازم الاجرا برای همه می دانند و می فرمایند:

«این یک دستوری هست برای همه؛ یعنی دستوری هست برای کسانی که در بیت المال دست دارند. این طور حضرت امیر در وقت حکومتش دستور می دهد برای صرفه جویی. مسئله این نیست که در آن وقت و در حکومت حضرت امیر باشد؛ این دستور است در طول تاریخ برای کسانی که متکفل حکومت هستند که تا اندازه ممکن در بیت المال تصرف نکنند.»⁽¹⁾

حضرت امام (دام ظلّه) خود نیز در ایام زعامت و رهبری امت اسلام با الگوپذیری از سیره حضرات معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) نهایت اهتمام را در پاسداری از

اموال عمومی و بیت المال مسلمانان داشت و دیگران را نیز از استفاده شخصی از امکانات بیت المال نهی می کرد.

مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در تبیین این موضوع و تطابق آن با صرفه جویی امروزی در سازمان ها می فرمایند:

«از ایجاد دستگاه های زاید، استخدام های زاید و توسعه دادن های زاید، خودداری کنید؛ یعنی باید از

ص: 133

کاغذپراکنی و زیاده نویسی های بیهوده و وقت تضييع کن، خودداری کنیم.»(1)

استفاده شخصی از امکانات بیت المال در اسلام به شدت نکوهش شده است. برخورد حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) با طلحه و زبیر و خاموش کردن چراغ بیت المال در این زمینه آنچنان مشهور است که زبانزد خاص و عام است.

از نامه های امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نامه ای است به اشعث ابن قیس که (از جانب عثمان) حکمران آذربایجان بود. حضرت برای توصیه او به حفظ اموال آذربایجان (بعد از پایان جنگ جمل) نامه ای نوشت و فرمود:

إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمِهِ، وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَقْتَاتَ فِي رَعِيَّتِهِ، وَلَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَثِيقِهِ، وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ

جَلَّ، وَأَنْتَ مِنْ خُزَّانِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَى، وَ لَعَلِّي أَنْ لَا أَكُونَ شَرَّ وُلَاتِكَ لَكَ، وَ السَّلَامُ(2)

عمل (و حکمرانی) تو رزق و خوراک تو نیست (تو را حکومت نداده اند تا آنچه بیایی از آن خود پنداشته بخوری) بلکه آن عمل امانت و سپرده ای در گردن تو است (که باید آن را مواظبت کنی در راه آن قدمی برخلاف دستور دین بر

ص: 134

1- . بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، 30/3/1371.

2- . نهج البلاغه، نامه 5.

نداری) و خواسته اند که تو نگهبان باشی برای کسی که از تو بالاتر است (توزیر دست امیری هستی که تو را حافظ و نگهبان قرار داده و ولایتی به تو سپرده است که آن را از جانب او مواظبت نمایی؛ پس) تو را نمی رسد که در کار رعیت به میل خود رفتار نمایی (پیش از اینکه به تو دستور دهند کاری انجام دهی) و نمی رسد که متوجه کار بزرگی شوی مگر به اعتماد امر و فرمانی که به تو رسیده باشد و در دستهای تو است مال و دارایی از مال خداوند بی همتای بزرگ و تو یکی از خزانه داران آن هستی تا آن را به من بسپاری و امید است من بدترین والی ها و فرماندهان برای تو نباشم (بلکه این دستور سود دنیا و آخرت تو را در بر دارد) و درود بر آنکه شایسته درود است.

آن حضرت (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به یکی دیگر از کارگزاران خود (که او را از نادرستیش نکوهش نموده و از او حساب خواسته بود) نوشتند:

فَقَدْ بَلَغَنِي عَنْكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسَدَ حَطَّتْ رَبِّكَ، وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ، وَ أَخْزَيْتَ أَمَانَتَكَ. بَلَغَنِي أَنَّكَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ، وَ أَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ،

ص: 135

فَازْفَعُ إِلَيَّ حِسَابَكَ، وَاعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ، وَالسَّلَامُ (1)

به من از تو خبر کاری رسیده است که اگر کرده باشی پروردگارت را به خشم آورده، امام و پیشوایت را نافرمانی نموده ای و امانت خود را خوار گردانیده ای (در کارت خیانت کردی و دیگر لیاقت حکمرانی نداری). به من رسیده است که تو زمین را برهنه کرده ای (محصول اشجار و زراعات را برای خود برده و چیزی به رعیت نداده ای) پس هر چه زیر دو پایت بوده گرفته، و آنچه در دو دستت بوده خورده ای (اموال و دارائی بیت المال را تصرف کرده برای خویش اندوخته ای) اکنون برای من حساب (دخل و خرج) خود را بفرست و بدانکه حساب خدا (در روز رستخیز) از حساب و واریسی مردم بزرگتر است (دقیق تر است؛ زیرا اینجا ممکن است صورت دروغ و برخلاف واقع تنظیم شود، ولی آنجا جز راستی کاری انجام نمی گیرد) و درود بر شایسته آن.

مقام معظم رهبری (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز در پیام نوروزی سال 76 صرفه جویی در اموال دولتی و بیت المال را گوشزد کردند و فرمودند:

ص: 136

«به نظر من باید مسئولان کشور، راه صرفه جویی و مقابله با اسراف را به مردم یاد بدهند. خود مسئولان دولتی هم باید اسراف نکنند. اسراف مسئولان دولتی از اسراف مردم عادی مضرت‌تر است؛ زیرا که این اسراف در بیت المال است. بنابراین مسئولان، فهرستی از مثال‌های صرفه جویی و

اجتناب از اسراف را ردیف کنند و آن را به مردم بگویند و تعلیم بدهند که چگونه می‌شود صرفه جویی کرد.»

حیف و میل بیت المال و استفاده شخصی و ناصحیح از آن، خیانت به اموال مسلمین، گناهی است نابخشودنی و در واقع خیانت به خود فرد نیز هست. فرد خیانتکار با خیانت خویش از رحمت الهی دور می‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ (1)

خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد.

پس شایسته است کسانی که با امانات مردمی و سازمانی در ارتباطند برای دوری از غضب الهی در استفاده از اموال دیگران دقت و حساسیت لازم را مبذول دارند.

حفظ، نگهداری و استفاده صحیح از اطلاعات (رازداری)

در این گفتار به بُعد دوم امانتداری یعنی حفظ اسرار پرداخته می‌شود.

ص: 137

1- . سوره مبارکه حج، آیه 38.

راز در لغت به معنی پنهان و پوشیده است.

اصل رازداری، که در عربی از آن به کتمان سر یاد می شود، شامل عیب پوشی، تقیه، پنهان کردن اسرار و افشا نکردن آن است.

در یک تقسیم بندی می توان گفت رازداری بر دو نوع است: یکی راز دیگران را نگاهداشتن و دیگری اسرار خود را پوشیدن و آشکار نکردن.

در دهکده جهانی امروز، که به آسانی و در مدت کوتاهی، می توان از اخبار جهان آگاهی یافت با توجه به ابزار های پیشرفته و حساس جاسوسی و اطلاعاتی، ارزش حفاظت اطلاعات شخصی و سازمانی، بیش از پیش نمود می یابد. رازداری در محیط سازمانی به معنای حفظ اطلاعات سازمانی است. حفظ اطلاعات به این معنا است که از افشای اسرار به هر شیوه، چه گفتار، چه نوشتار، چه رمز و چه اشاره جلوگیری شود.

کتمان سر، ویژگی اخلاقی است که مورد توجه دین اسلام هم هست. در بعضی از موارد از واجبات مؤکد شمرده، و برای افشا کننده آن، مجازات شدیدی در نظر گرفته شده است.

در احادیث اسلامی درباره رازداری و ترک افشای سرّ تعبیرات گوناگونی دیده می شود که نشان دهنده اهتمام اسلام به این موضوع است تا آنجا که اسرار دیگران به منزله امانت های آنها شمرده شده و افشای سرّ به عنوان خیانت در امانت است.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) درباره اهمیت رازداری می فرمایند:

ص: 138

أَمَرَ النَّاسَ بِخَصْلَتَيْنِ فَضَيَعُوهُمَا فَصَارُوا مِنْهُمَا عَلَى غَيْرِ شَيْءٍ الصَّبْرِ وَ الْكِتْمَانِ (1)

مردم به دو ویژگی مأمور شدند، ولی آن دو را تباه کردند و از دست دادند و به همین جهت موفقیتی به دست نیاوردند: یکی صبر و دیگری رازپوشی.

ایمان و تقوا از عوامل حفظ اسرار است انسان مؤمن و با تقوا هرگز به خود اجازه نمی دهد که اسرار سازمان خویش را فاش سازد و به خود و همکارانش آسیب برساند. او به خدایی ایمان دارد که حاضر و ناظر بر کردار و گفتار بندگان خویش است و روز جزایی را مدّ نظر دارد که به کارنامه عمل او رسیدگی می شود و مورد بازخواست قرار می گیرد و معتقد به قرآنی است که می فرماید:

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (2)

هیچ کلامی نمی گوید مگر اینکه در کنار او مراقبی حاضر است.

افشای راز، همانطور که در شرع مذموم است، نزد عقل نیز مورد سرزنش است. آنکس که رازدار خویش نیست، نمی تواند اسرار دیگران را حفظ کند؛ چنان که امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید:

ص: 139

1- . بحار الانوار، ج 72، ص 72.

2- . سوره مبارکه ق، آیه 18.

مَنْ ضَعَفَ عَنْ حِفْظِ سِرِّهِ لَمْ يَقْوِ لِسْرٍ غَيْرِهِ (1)

کسی که نتواند رازدار اسرار خود باشد، نمی تواند اسرار دیگران را نیز حفظ کند.

شخصی که در حفظ اسرارش، ناتوان یا نسبت به آن بی اعتناست، نباید توقع داشته باشد که مردم سر او را پوشیده نگاه دارند.

حفظ اسرار تمرینی است برای حفظ آبروی خویش و پاسداری از رازهایی که دیگران نزد شخص به امانت گذاشته اند.

حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند:

وَالْمَرْءُ أَحْفَظُ لِسْرِهِ وَرُبَّ سَاعٍ فِيمَا يَصْرُهُ (2)

و انسان اسرار خویش را بهتر از هر کس دیگری می تواند حفظ کند. بسیارند کسانی که بر زیان خود می کوشند.

اهمیت حفظ اطلاعات

رازداری در جنبه های مهم زندگی اعم از فردی، سیاسی، اجتماعی و ... از اهمیت بسیاری برخوردار است. گاهی افشای اسرار سازمانی و سیاسی کشور باعث می شود که سرنوشت آن کشور به خطر افتد یا خون بی گناهمانی ریخته شود و اموال و آبروها از بین برود.

ص: 140

1- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 321.

2- . تحف العقول، ص 79.

پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) اصحاب و یارانش را به حفظ اسرار اعم از نظامی، سیاسی و عقیدتی توصیه می کردند و بسیاری از پیروزی های مسلمانان به خاطر حفظ همین اسرار بود. کسانی که با اطلاعات و اسرار مردم و مملکت سرو کار

دارند، آنان در حقیقت امانتدار اطلاعات و اسرار هستند و اطلاعاتی که در اختیار آنان قرار گرفته، راز یا سرّیست که نباید فاش گردد.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) گاهی نقشه جنگ و برنامه عملیات و گاهی هدف حرکت نظامی و اعزام نیرو و افراد را پنهان می کرد.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نیز به این نکته توجه داشت و در نامه ای خطاب به مرزداران و نیروهای مسلح خود ضمن اشاره به برخی از حقوق آنان بر حاکم می فرماید:

أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أُحْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ (1)

بدانید که حق شما بر من این است که هیچ رازی جز اسرار نظامی را از شما پوشیده ندارم.

دو نکته بسیار مهم در این کلام امام (عَلَيْهِ السَّلَامُ) هست:

نخست اینکه اسرار مربوط به جنگ به دلیل رعایت اصل غافل گیری باید در سطح فرماندهی کلان باقی بماند و نیروهای عمل کننده تا زمان اجرای عملیات از آن آگاه نباشند تا مبادا دشمن از اخبار و اسرار آگاه شود و به تدارک قوا پردازد و دیگر اینکه امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) اهمیّت فراوانی به مرزداران داده که می فرماید حق شما این است که هیچ چیز را (آنچه را می بایست بدانید) از شما پنهان نکنم.

ص: 141

ابوجعفر می گوید امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به من فرمود خداوند عزوجل در قرآن گروه هایی را به جرم افشای اسرار و اطلاعات سرزنش کرده است. (1) گفتم قربانت، کجا؟ فرمودند در این آیه:

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْحَوْفِ أَدَاعُوا بِهِ وَتَوَرَّدُوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّهُ

الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ (2)

و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد (بدون تحقیق) آن را شایع می سازند در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان که قدرت تشخیص کافی دارند بازگردانند از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد.

این آیه به رازداری سیاسی اشاره، و تأکید می کند که اگر شایعاتی شنیدید، آن را بدون تحقیق منتشر نکنید؛ بلکه رازدار باشید و هر چه را شنیده اید با فرمانده و رهبر یا مسئولان عالی رتبه در میان بگذارید، نه اینکه آن را در میان عامه مردم منتشر کنید؛ این کارتان پیامدهای شوم سیاسی و اجتماعی به بار می آورد.

در جریان نهضت مقدس عاشورا، پیک امینی به نام قیس بن مسهر صیداوی با پیامی از امام حسین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) راهی کوفه شد، ولی پیش از رسیدن به

کوفه به دست

ص: 142

1- . تحف العقول، ص 308.

2- . سوره مبارکه نساء، آیه 83.

نیروهای دشمن گرفتار شد. قیس، که خود را در میان اسارت یا شهادت یافت و رساندن پیام امام را غیر ممکن دید، پیش از اینکه پیام آن حضرت به دست مأموران دشمن بیفتد آن را در دهان گذاشت و بلعید و پس از تحمّل شکنجه های طاقت فرسا به شهادت رسید.

امام خمینی (رحمه الله) درباره حفاظت از اطلاعات می فرماید:

«آنهايي که در شغل بازرسی هستند، آنها باید امین باشند و مطلبي که دست آنها می آید به احدی غیر از آنجایی که باید گفته بشود، نگویند.» (1)

رازداری مکتبی و عقیدتی نیز جنبه دیگری از حفظ اسرار است. گاهی لازم است انسان برای پیشبرد اهداف ارزشی خود، مکنونات قلبی خود را اظهار نکند تا هم خود، از خطرهای مصون بماند و هم مکتب و آرمان خویش را حفظ کند تا زمان افشای آن برسد. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است جبرئیل نزد رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) آمد و گفت ای محمد! پروردگارت سلام می رساند و می فرماید:

إِنَّ أَصْحَابَ الْكُهْفِ أَسْرُوا الْإِيمَانَ وَ أَظْهَرُوا الشُّرْكَ فَآتَاهُمُ اللَّهُ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ وَإِنَّ أَبَا طَالِبٍ أَسْرَ الْإِيمَانَ وَ أَظْهَرَ الشُّرْكَ فَآتَاهُ اللَّهُ أَجْرَهُ مَرَّتَيْنِ (2)

ص: 143

1- . صحیفه نور، ج 17، ص 153.

2- . تفصیل وسائل الشیعه، ج 16، ص 231.

اصحاب کَهِف، ایمان خود را در برابر حاکمان ستمگر عصرشان مخفی داشتند و (برای پیشبرد مکتب و عقیده توحیدی) به ظاهر اظهار کفر کردند. خداوند نیز دو برابر به آنان پاداش داد. همانا ابوطالب نیز ایمان خود را می پوشانید و اظهار شرک می کرد و خداوند به او نیز دو برابر پاداش خواهد داد.

فواید رازداری و حفظ اطلاعات

ناآگاهی از اهمیت رازداری و عدم توجه به فواید حیاتی آن، ممکن است زمینه افشای اسرار را فراهم کند که برای جلوگیری از آن باید نیروها را نسبت به اسرار و اطلاعات نظامی توجیه کرد. اگر افراد از آثار گرانقدر رازداری آگاه شوند، تلاش می کنند که اسرار را افشا نسازند. برخی از آثار و فواید رازداری از نگاه معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) بیان می شود.

امیر مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند:

جُمِعَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي كِتْمَانِ السِّرِّ وَ مُصَادَقَةِ الْأَخْيَارِ (1)

نیکی های دنیا و آخرت در پنهان داشتن راز و دوستی نیکان، گرد آمده است.

و نیز در جایی دیگر می فرمایند

ص: 144

1- . بحار الانوار، ج 75، ص 71.

سِرُّكَ سُرُورُكَ إِنْ كَتَمْتَهُ، وَإِنْ أَدَعَيْتَهُ كَانَ تُبُورُكَ (1)

رازت را اگر پنهان داری، شادمانی توست و اگر بر ملایش سازی (هلاکت و) اندوه توست.

رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) یکی از فواید رازداری را در امان ماندن از آزار حسودان می دانند و می فرمایند:

اسْتَعِينُوا عَلَي أُمُورِكُمْ بِالْكَتْمَانِ فَإِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مَحْسُودٌ (2)

از پرده پوشی (ورازداری) در کارهایتان یاری بجوید؛ زیرا به هر صاحب نعمتی رشک برده می شود.

با توجه به کلامی زیبا از امیر مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ)؛ نگهداری اسرار، اندیشه صحیح به دنبال دارد. این اندیشه درست مایه دوراندیشی و دوراندیشی نیز به پیروزی منجر می گردد. در یک عبارت ساده سرچشمه پیروزی حفظ اسرار است:

الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ بِإِجَالِهِ الرَّأْيُ وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ (3)

پیروزی در پرتو دوراندیشی است و دوراندیشی در به کارگیری صحیح اندیشه، و اندیشه صحیح با نگهداری و رازداری میسر است.

در سخنی دیگر موفقیت ها را در سایه رازداری می دانند و می فرمایند:

ص: 145

1- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 320.

2- . بحار الانوار، ج 74، ص 153.

3- . نهج البلاغه، حکمت 45.

انْجَحِ الْأُمُورَ مَا احْطَ بِهِ الْكَيْتْمَانُ (1)

موفق ترین کارها این است که پنهان کاری آن را فراگیرد.

در نقطه مقابل، افشای اسرار سبب عدم موفقیت و حتی باعث فرو افتادن در ورطه سقوط می شود؛ چنانکه حضرت صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند:

افْشَاءُ السَّرِّ سُقُوطٌ (2)

برملا کردن راز، سقوط است.

مدیران کارآمد علاوه بر اینکه خود، امین و نگهدار اطلاعات مجموعه خویش هستند و به افشای محتوای پرونده ها و نامه های مردم نمی پردازند از گماردن افراد غیرقابل اعتماد و خائن در مجموعه به شدت پرهیز می کنند. آنان این سخن امام رضا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را سرلوحه انتخاب خویش قرار می دهند که می فرمایند:

لَمْ يَخُنْكَ الْأَمِينُ وَلَكِنْ ائْتَمَدْتَ الْخَائِنَ (3)

امین به تو خیانت نکند، تویی که به خیانت کار امانت سپردی!

بهترین راه حفاظت از اسرار، انتخاب افراد شایسته و امانتدار است. مسئولان اسناد و اطلاعات به طور ویژه، باید امانتدار و مورد وثوق و مؤمن به تشکیلات و کار سازمانی باشند تا راز و رمز آن را از بیگانگان محفوظ دارند و افراد امین و باوفا تمام تلاش خود را در نگهداری اسناد محرمانه به کار برند و به هیچ قیمتی حاضر به افشای آن نباشند؛ گرچه جان خویش را بر سر آن نهند:

ص: 146

1- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 324.

2- . بحار الانوار، ج 78، ص 229.

3- . بحار الانوار، ج 75، ص 335.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید! محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید. آنها از هرگونه شر و فسادى درباره شما کوتاهی نمی کنند.

این آیه ضمن تشبیه لطفی به مؤمنان هشدار داده است که غیر از هم مسلکان خود برای خود، دوست و همرازی انتخاب نکنند و بیگانگان را از اسرار و رازهای درونی خود باخبر نسازند؛ یعنی کفار شایستگی دوستی شما را ندارند و نباید آنان دوست و محرم اسرار شما باشند؛ چرا که کفار در رساندن شر و فساد نسبت به مسلمانان کوتاهی نمی کنند.

پاسداری از نوامیس مردم

همانطور که از سخن گرانقدر امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در مقدمه استفاده شد، بعد سوم از امانتداری (پس از حفظ اموال و اسرار)، حفاظت از نوامیس است. انسان ها به طور طبیعی نسبت به حفظ مال و جان و ناموس خود غیرتمند هستند. بالاتر از این، انسان دوستی و دیگرخواهی است که لازمه آن داشتن غیرت نسبت به حفظ مال و جان و ناموس دیگران در برابر تجاوزگران و زورگویان است. برای پرداختن به این جنبه از امانتداری مطلوب است ابتدا مطلبی در مورد مفهوم غیرت و غیرتمندی بیان گردد.

ص: 147

غیرت در لغت به معنای رشک بردن، تعصب و حفظ کردن ناموس است. امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ریشه غیرت را شجاعت(1)، ملا احمد نراقی شجاعت و قوت نفس(2)، علامه طباطبایی فطرت(3) و شهید مطهری (دام ظلّه) احساس و عاطفه بشری(4) می دانند.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) این ویژگی را صفتی الهی می دانند و در حدیثی می فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ، يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ مِنْ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا(5)

همانا خداوند، غیور است و هر غیوری را دوست دارد و از غیرت اوست که همه گناهان آشکار و پنهان را حرام کرده است.

غیرت، یکی از ویژگی های برجسته اخلاقی پیامبران و اولیای الهی نیز هست. رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) می فرمایند:

كَانَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبِي غَيُورًا وَ أَنَا أَعْيُرُ مِنْهُ وَ أَرْغَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يِعَازُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ(6)

ص: 148

1- . «ثمره الشجاعة الغيره»؛ تصنيف غررالحكم و دررالکلم، 259.

2- . معراج السعاده، ص 163 و 164.

3- . ترجمه تفسیر المیزان، ج 4، ص 674.

4- . مسئله حجاب، ص 64.

5- . الحكم الزاهره، ص 528.

6- . من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 444.

پدرم ابراهیم، غیور و جوانمرد بود و من از او غیورترم و خداوند بینی کسی را که اهل ایمان است، ولی غیرت ندارد به خاک می مالد.

بدون تردید غیرت پیامبران خدا(عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) پرتوی از غیرت الهی است که در میان جوامع انسانی به ثمر نشسته است. همه انسان های مؤمن و آزاده ای که تربیت یافته مکتب الهی هستند به این صفت آراسته اند؛ همانطور که از دیدگاه رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، غیرت، علامت و نشانه ایمان است.

آن حضرت در کلام کوتاه و پرمعنایی به این مطلب چنین اشاره می فرماید:

الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْمَدَاءُ مِنَ النِّفَاقِ (1)

همانا غیرت از ایمان، و بی غیرتی از نفاق است.

از نزدیکی و قربت میان ایمان و غیرت، می توان به اهمیّت غیرت و غیرت ورزی نیز پی برد. مؤمن غیرتمند، مایه عزّت و افتخار است. علاوه بر اینکه این گونه افراد را دیگران دوست دارند، خدای متعال نیز دوست دارد.

در این مورد رسول خدا(صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرماید

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْعَيُّورَ (2)

ص: 149

1- . نهج الفصاحه، ص 587.

2- . نهج الفصاحه، ص 306.

به راستی که خدای متعال از میان بندگانش، غیرتمندان را دوست دارد.

جامعه اسلامی، اجتماعی به هم پیوسته است که فرد فرد این جامعه، نباید خود را تافته جدا بافته از دیگران بدانند. مردان باید ناموس اجتماع را ناموس خود بدانند و در حفظ حرمت ها، زنان مسلمان را مانند زنان خود بپندارند. تنها در چنین جامعه ای است که زنان و دختران آنها از نگاه های آلوده نامحرمان در امان خواهند بود و پاکی و طهارت اجتماع، باقی خواهد ماند.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در تعبیری زیبا این مسئولیت خطیر اجتماعی را چنین گوشزد می فرماید:

عَفُوا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفَّ نِسَاؤُكُمْ (1)

چشم پوشی کنید از زنان مردم تا مردم از زنانتان چشم بپوشند.

در نظر داشتن تأثیر کارها و اینکه نگه نداشتن حرمت ناموس دیگران، گاهی ممکن است به هتک حرمت ناموس خود فرد بینجامد، یکی از راه های ایجاد یا تقویت غیرت در آدمی است.

امام خمینی (رحمه الله) دفاع از نوامیس را واجب کفایی می داند و فرمودند:

ص: 150

«مسئله دفاع از اسلام و کشور اسلامی و اموال و نوامیس مسلمین از واجبات کفایی است و همه ما به حسب امکاناتی که در اختیار داریم لازم است.»⁽¹⁾

از این رو بر همه افراد جامعه به ویژه مسئولان فرض است که هرگز به این مرزشکنی‌ها نزدیک نشوند و زمینه حرمت شکنی ناموس‌ها را فراهم نکنند. نیروهای سازمان‌ها نیز به لحاظ مسئولیت سنگینی که در این مقوله دارند، لازم است با به کارگیری تمام قوای خویش از نوامیس این مرز و بوم مراقبت و محافظت به عمل آورند.

ناموس مردم همچون اموالشان محترم است و اگر به گونه‌ای در اختیار دیگران قرار گیرد به منزله امانتی است که باید به بهترین وجه مراعات آنها بشود. نگاه‌های آلوده و هوس‌آلود به ناموس مردم و دست‌درازی به آنها به دور از جوانمردی است. پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در این باره می‌فرماید:

وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ مُسْلِمًا فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ⁽²⁾

کسی که به مسلمانی در اهل و مال او خیانت کند از ما نیست.

پاسداری از عرض و اسرار مردم

عرض به معنای آبروست و آبرو برای هر انسانی باارزش‌ترین دارایی است.

ص: 151

1- . صحیفه نور، ج 18، ص 229.

2- . بحار الانوار، ج 72، ص 172.

پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در ایام حج در قالبی تربیتی حرمت جان و آبروی مردم را چنین بیان فرمودند:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ إِلَى أَنْ تَلْقُوا رَبَّكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا (1)

ای مردم! چنان که این روز (ایام حج) و این شهر (مکه) محترم است، خون، عرض و آبروی شما هم محترم است (حق ریختن خون و بردن آبروی یکدیگر را ندارید) تا آن گاه که به دیدار خدا نایل گردید.

رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) محترم بودن آبروی مؤمن و خون و مال او را اینگونه نیز بیان فرمودند:

الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عَرَضُهُ وَمَالُهُ وَدَمُهُ (2)

همه چیز مؤمن - اعم از عرض و آبرو، مال و خونس - محترم است (و کسی حق تجاوز به هیچ یک از آن ها را ندارد).

بر همین اساس آبروی انسان کریم باندازه ای برای او اهمیت دارد که حاضر است برای حفظ آن از تمام مال خود بگذرد در حالی که انسان های پست همه چیز، حتی آبرو را در راه بدست آوردن مال مصرف می کنند.

امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرمایند:

ص: 152

1- . بحار الانوار، ج 73، ص 349.

2- . تحف العقول، ص 57.

الْكَرِيمُ مَنْ صَانَ عِرْضَهُ بِمَالِهِ وَاللَّيْمُ مَنْ صَانَ مَالَهُ بِعِرْضِهِ (1)

کریم کسی است که آبرویش را با ثروتش حفظ کند و لئیم کسی است که مالش را با آبرویش نگهدارد.

خداوند متعال از رفتار، حالات، عیوب و گناهان بندگان باخبر است، اما حلم، بردباری، پرده پوشی و رازداری او بیش از همه است. آبروداری و خطاپوشی می کند و زشتکاری های پنهانی مردم را فاش نمی سازد؛ زیرا پرده پوشی از سنت های خداوند است و بندگان به این صفت الهی نیازمندند. این همان خواسته ای است که در دعای کمیل از زبان امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) آمده است:

وَلَا تَقْضِ حُنِي بِخَفِيٍّ مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي

و به قبایح پنهانم که تنها تو بر آن آگاهی مرا رسوا نگردانی.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) از رسول اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چنین نقل می کنند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَظْمِهِ جَلَالِهِ وَقُدْرَتِهِ، فَمَنْ طَعَنَ عَلَيْهِ أَوْ رَدَّ عَلَيْهِ قَوْلَهُ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ

ص: 153

خداوند بزرگ، مؤمن را از بزرگی جلال و قدرت خویش آفریده است؛ پس کسی که مؤمنی را خدشه دار یا سخنش را رد کند، گویا سخن خدا را رد کرده است.

ابن عباس می گوید رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قبل از وفات خود، خطبه ای خواند که چشم ها گریان گشت؛ دل ها مضطرب گردید و بدن ها به لرزه افتاد، آن گاه سه مرتبه فرمودند:

«مردم نزدیک شوید، نزدیک شوید، نزدیک شوید؛ جا بدهید همه جلو بیایند» هنگامی که همه نزدیک آمدند و فشرده نشستند، فرمودند:

الَا وَمَنْ سَمِعَ فَاغْتَابَهَا فَهُوَ كَمَنْ آتَاهَا وَمَنْ سَمِعَ خَبْرًا فَاغْتَابَهَا فَهُوَ كَمَنْ عَمِلَهُ (1)

ای مردم! هرکس بشنود گناه زشتی انجام شده است و آن را فاش و شایع کند، مانند کسی است که آن گناه را مرتکب شده است و هرکس چیز بدی را [درباره کسی] بشنود و آن را به گوش دیگران برساند و آن را فاش کند، مانند کسی است که آن عمل بد را انجام داده است.

یکی از راه های نگهداری آبروی مردم و حتی آبرو بخشیدن به آنها، حفظ اسرار و رازهای آنان است.

ص: 154

1- . ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 286.

سرّ در لغت به هر کار پوشیده و مخفی اطلاق می‌گردد؛ یعنی امری که انسان آن را در درون خود مخفی نگه می‌دارد. علمای علم اخلاق، رازداری را یکی از صفات و فضایل اخلاقی شمرده‌اند و ملاک‌های اساسی سرّ را چند چیز می‌دانند:

1- افشای آن به آبرو و حیثیت افراد لطمه وارد کند.

2- مصلحت مشروع اقتضا کند که آن سرّ مخفی بماند.

3- افراد محدودی آن راز و سرّ را بدانند.

رازداری در گفتار و شیوه زندگی پیشوایان شیعه جایگاه ویژه‌ای دارد. آنان در اهتمام به این امر سرآمد هستند. این امر در بعضی موارد از واجبات مؤکد شمرده و برای افشاکننده آن، مجازات شدیدی در نظر گرفته شده است.

امام رضا (عَلَيْهِ السَّلَام) نقل می‌کنند که رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) فرمودند:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَأْكْرَهُ (1)

از ما نیست هر کس که در کار مسلمانی خیانت به کار برد یا به او زیان رساند و یا با او به نیرنگ رفتار کند.

همان‌طور که در فضیلت اخلاقی حسن ظن و دوری از عیب‌جویی اشاره شد، حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَام) در ضمن توصیه‌های اخلاقی و حکومتی در نامه 53 نهج البلاغه مالک اشتر (دام‌ظله) را به رازداری مردم توصیه می‌کنند و به ایشان می‌فرمایند:

ص: 155

1- . سفینه البحار، ج 2، ص 318.

فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا

مردم را عیوب و زشتی‌هایی است که سزاوارتر کس برای پوشاندن آن‌ها حاکم است؛ پس آنچه از زشتی‌های مردم به تو پوشیده است پی‌مکن (کنجکاو‌ی منما).

«کتمان راز»، دلیل قوت روح و کرامت نفس است و ظرفیت شایسته و بایسته انسان را می‌رساند و در ضمن، خویشتن‌داری در حفظ اسرار و راز دیگران یکی از نشانه‌های وسعت روح و قدرت اراده است.

کسی که نتواند رازدار مردم باشد، گرفتار رذیله اخلاقی و معاشرتی است و باید در رفع آن بکوشد. تقوا و تمرین برای کنترل زبان می‌تواند راهی مناسب به شمار آید.

رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (رحمه الله) نیز در ضمن توصیه به امانت‌داری و خویشتن‌داری در زمینه حفظ اسرار مردم فرموده‌اند:

«برای سازمان بازرسی از امور مهمی که باید مراعات کنند این است که امین باشند در آن امری که به آنها محول شده است و این طور نباشد که سازمانی باشد برای بازرسی و آن وقت خودش خدای نخواستہ معصیت بکند و افشا کند

اسرار مردم را و همان جایی که باید گزارش بدهد، بیش از او تعدی ای به هیچ وجه نباید بکند.»(1)

کارکنان سازمان های که به طور مستقیم و غیر مستقیم با اطلاعات و اسرار مردمی در ارتباط هستند، باید مرزهای اخلاقی را در این زمینه دقیقاً بشناسند و تنها در حدّ وظیفه و ضرورت این اطلاعات را انتقال دهند. آشنایی با حقوق انسانی هم‌نوعان گام بزرگی برای رعایت حقوق آنان است. پس شایسته است این عزیزان با احترام به کرامت انسانی آبروی دیگران را آبروی خود بدانند و حرمت های انسانی را نشکنند که به فرموده رسول الله (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عاقبت کسانی که مدافع آبروی مومنان هستند، البته بهشت برین است:

مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ (2)

هر که از آبروی برادر خویش دفاع کند، البته بهشت برای او واجب می شود.

استفاده صحیح و به جا از مسئولیت، اختیارات، امکانات و قدرت مرتبط با آن

در منطق دینی، همه نعمت ها ودایع و امانت های الهی، و مناصب و پست ها امانتی است بس سنگین تر. از دیدگاه اسلام، مدیریت و مسئولیت در حکم

ص: 157

1- . صحیفه نور، ج 17، ص 154.

2- . النوادر، ص 8.

امانتی است که برای خدمت به خلق و اجرای وظیفه به مدیران و رهبران سپرده می شود.

به لحاظ این حساسیت برای متصدیان امور مردم و مسئولان، معیارها و شرایطی مقرر شده که مهم ترین آنها امانتداری است. ویژگی امانتداری در مسئولیت احترام به قوانین، عدم استفاده شخصی از موقعیت، سوءاستفاده نمودن از پست و مقام، عدم غرور و تکبر، ظلم نکردن به زیردستان و ... را شامل می شود.

طبق این تعریف کسانی که بدون توجه به این واقعیت از مسئولیت استفاده نادرست و نابخا می کنند، مرتکب خیانت شده اند.

اگر کسی توانایی قبول این امانت سنگین را ندارد، نباید در جایگاه های حساس مدیریتی قرار بگیرد. قرآن کریم، شایستگی حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را برای پذیرش مسئولیت از زبان دختر شعیب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در قالب صفاتی چون قدرت و امانتداری بیان می فرماید:

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ (1)

یکی از آن دو (دختر) گفت «پدرم! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کس است که قوی و امین باشد (و او همین مرد است).

تأکید بر ویژگی قدرت و تحمل برای پذیرش امانت در سیره معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) فراوان به چشم می خورد.

ص: 158

روایت کرده اند ابوذر (دام ظلّه) که از اصحاب خاص و مقرب رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، و مورد علاقه آن حضرت و امیر مومنان بود، محضر حضرت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) عرض کرد آیا مسئولیتی به من واگذار نمی کنید؟ حضرت دستی بر شانه او زد و فرمود:

يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكَ ضَعِيفٌ، وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ، وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ، إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا، وَ أَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا (1)

توضیح هستی و این پست ها امانت است و روز قیامت مایه رسوایی و پشیمانی می گردد، مگر کسی که آن را آنگونه که باید به عهده بگیرد و وظیفه خود را درباره اش ادا کند.

به کار بردن لفظ ضعیف در سخن حضرت نشان دهنده این است که این گونه مسئولیت ها بار سنگینی بر دوش مسئول، و چون از حساسیت ویژه ای برخوردار است، هر کسی نباید برگزیده شود.

نمونه هایی از این موارد را می توان در نامه های امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به کارگزارانش یافت. ایشان به زیاد بن ابیه قائم مقام و جانشین عبدالله بن عباس در بصره است، مرقوم می فرمایند:

وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَئِن بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فَيْءِ الْمُسَدِّ لِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، ثَقِيلَ الظَّهْرِ، ضَنْبِيلَ الْأَمْرِ (2)

ص: 159

1- . صحیح مسلم، ج 3، ص 1457.

2- . نهج البلاغه، نامه 20.

و من سوگند به خدا یاد می کنم سوگند از روی راستی و درستی اگر به من برسد که تو در بیت المال مسلمانان به چیزی اندک یا بزرگ خیانت کرده و برخلاف دستور صرف نموده ای بر تو سخت خواهم گرفت؛ چنان سختگیری که ترا کم مایه و گران پشت و ذلیل و خوار گرداند.

مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرمایند:

«همچنان که یک مسئول به دلیل آن که کلید صندوق بیت المال در دستش است، نمی تواند از بیت المال در مصارف شخصی خرج کند به همین دلیل حق ندارد که از جاهت و قدرت و امکان و فرصت هایی که در اختیارش است به سود شخص خود و منافع شخصی اش استفاده کند.»⁽¹⁾

امام خمینی (رحمه الله) می فرمایند:

«امروز سرنیزه در کار نیست، امروز اسلام به دست ما سپرده شده است و از ما امانتداریش را می خواهند. اگر ما امروز به این گروه هایی که مخالف با اسلام هستند و با اسم اسلام پیش ما نفوذ می کنند، اگر امروز گول بخوریم از اینها یا خدای نخواستہ دنبال اینها برویم، این امانتی که دست ما بوده است به آن خیانت کرده ایم. به این امانت ما

نباید خیانت بکنیم، ما باید امانتدار باشیم و اسلام را حفظ بکنیم

ص: 160

1- . بیانات در صحن جامع رضوی، مشهد مقدس، 2/1/1383.

و خداوند شماها را حفظ کند و موفق بدارد و شما اسلامی هستید و با همین خط اسلام پیش بروید و این نهضت را به پیش ببرید.»(1)

حکومت و سرپرستی در نظر امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) زمانی ارزشمند است که در سایه آن حقی به کرسی بنشیند و باطلی به زیر کشیده شود. امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) موقعی که با لشکریانش به جنگ جمل می رفتند در یکی از منازل نزدیک بصره به نام ذی قار فرود آمدند. عبدالله بن عباس می گوید بر آن حضرت وارد شدم دیدم نشسته و کفش پاره خود را وصله می زند؛ به من فرمود قیمت این لنگه نعلین چقدر است؟ عرض کردم ارزشی ندارد. فرمود:

وَ اللَّهُ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعَ بَاطِلًا(2)

به خدا قسم این نعلین در نظر من محبوبتر از فرمانروایی و حکومت بر شما است مگر اینکه بتوانم در پرتو آن اقامه عدل و حقی نمایم یا اینکه باطل و بیدادی را بر اندازم.

با استفاده از سیره معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) می توان گفت مدیر لایق، مدیری است که مسئولیت را امانت می داند و در برابر این امانت، هیچ گونه خیانتی روا ندارد.

کارکنان سازمان ها باید شیفته خدمت به مردم باشند و برآورده شدن نیاز انسان ها به دست خویش را از نعمت های پروردگار در حق خود بدانند و در

ص: 161

1- . صحیفه نور، ج 12، ص 202.

2- . نهج البلاغه، خطبه 33.

بهره مندی از این نعمت، هرگز دلتنگ نشوند. حضرت سید الشهداء (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمودند:

اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ (1)

بدانید که حوایج مردم به سوی شما از نعمت های خداوند بر شماست؛ پس از این نعمت ها دلتنگ نشوید.

ثب و انعکاس صحیح آمار و گزارش های مردمی و سازمانی

مقوله آمار در زندگی فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... بسیار با اهمیت است. در جامعه انسانی بیشتر کارهای منظم و منسجم برگرفته از جمع آوری آمار و اطلاعات از جوانب مختلف آن کار است. به همین لحاظ میزان قدرت تصمیم گیری بهینه در جوامع پیشرفته به در اختیار داشتن آمار و اطلاعات صحیح و بهنگام بستگی دارد.

ثب گزارش ها و آمار و ارقام در بیشتر سازمان ها و مجموعه ها وجود دارد و اجرای آن مستلزم رعایت دقت، صحت و امانت است. از این رو تنها افراد امین و متخصص باید بر این کار گمارده شوند تا نتیجه گیری کاملاً واقعی باشد. اگر آماری صحیح ارائه نشود، نتیجه ای که از آن گرفته می شود، واقعی نیست

ص: 162

و طبیعتاً برنامه ریزی که بر اساس آن شکل می گیرد با شکست روبه رو

خواهد شد. آمار یکی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر برنامه ریزی و تصمیم گیری است.

توصیه امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) به مالک اشتر (دام ظلّه) در انتخاب کاتبانی صالح و رازدار برای ثبت گزارشها صحیح و حفظ اسرار، دلیلی بر اهمیت این موضوع است:

ثُمَّ انظُرْ فِي حَالِ كُتَّابِكَ فَوَلِّ عَلَى أُمُورِكَ خَيْرَهُمْ وَ اخْصِ صُ رَسَائِلِكَ الَّتِي تُدْخِلُ فِيهَا مَكَائِدَكَ وَ اسْتِرَازَكَ بِأَجْمَعِهِمْ [لِوُجُودِ] لِيُؤْجِوهَ صَالِحِ الْأَخْلَاقِ مِمَّنْ لَا تُبْطِرُهُ الْكِرَامَةُ فَيَجْتَرِي بِهَا عَلَيْكَ فِي خِلَافٍ لَكَ بِحَصْرِهِ مَالًا وَ لَا [تُقْصِرُ] تَقْصُرُ بِهِ الْغَفْلَةُ عَنْ إِيرَادِ مَكَاتِبَاتِ عُمَّالِكَ عَلَيْكَ وَ إِصْدَارِ جَوَابَاتِهَا عَلَى الصَّوَابِ عَنْكَ [وَ] فِيمَا يَأْخُذُ لَكَ وَ يُعْطَى مِنْكَ وَ لَا يُضَدُّ عَقْدًا اعْتَقَدَهُ لَكَ وَ لَا يَعْجِزُ عَنْ إِطْلَاقِ مَا عَقَدَ عَلَيْكَ وَ لَا يَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ فِي الْأُمُورِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ بِقَدْرِ نَفْسِهِ يَكُونُ بِقَدْرِ غَيْرِهِ أَجْهَلُ ثُمَّ لَا يَكُنْ اخْتِيَاؤَكَ إِيَّاهُمْ عَلَى فِرَاسَتِكَ وَ اسْتِتَامَتِكَ وَ حُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ فَإِنَّ الرَّجَالَ يَتَعَرَّضُونَ [يَتَعَرَّفُونَ] لِفِرَاسَاتِ الْوُلَاهِ بِتَصَنُّعِهِمْ وَ حُسْنِ [حَدِيثِهِمْ] خِدْمَتِهِمْ وَ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ مِنَ النَّصِيحَةِ وَ الْأَمَانَةِ شَيْءٌ وَ لَكِنْ اخْتَبِرْهُمْ بِمَا وُلُّوا لِلصَّالِحِينَ قَبْلَكَ فَاعْمِدْ لِأَحْسَنِ نِهِمْ كَانَتْ فِي الْعَامَّةِ أَثْرًا وَ اعْرِفْهُمْ بِالْأَمَانَةِ وَ جَهَاتِهَا فَإِنَّ ذَلِكَ دَلِيلٌ عَلَى نَصِيحَتِكَ لِلَّهِ وَ لِمَنْ وُلِّيتَ أَمْرَهُ وَ اجْعَلْ لِرَأْسِ كُلِّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِكَ رَأْسًا مِنْهُمْ

لَا يَقْهَرُهُ كِبِيرُهَا وَ لَا

ص: 163

يَتَشَتُّ عَلَيْهِ كَثِيرُهَا وَ مَهْمَا كَانَ فِي كُتَابِكَ مِنْ عَيْبٍ فَتَعَايَيْتَ عَنْهُ أَلْرَّمْتَهُ

پس از آن در حال نویسندگان بنگر و بهترین ایشان را (از جهت راستی گفتار و درستی کردار) به کارهایت بگمار و نامه هایت که در آنها تدبیرها و رازها (برای دفع دشمن و ملکرداری) بیان می کنی تخصیص ده به کسی که در همه خواهی پسندیده (دینداری، امانت، خیرخواهی، پاکدامنی و مانند آنها) از نویسندگان دیگر جامعتر باشد (زیرا کسی که بر اسرار سلطنت و حکومت از همه بیشتر دست می یابد دارای اوصاف شایسته باشد و گرنه به اندک غرضی شکست لشگر را در جنگ و زیان مملکت را در کارها فراهم می آورد)؛ کسی را که مقام و بزرگواری سرکش نسازد که به مخالفت با تو در حضور مردم و بزرگان بی باک باشد و کسی را که غفلت و فراموشی سبب نشود که کوتاهی کند در رساندن نامه های کارگردانان به تو و نیکو پاسخ دادن آنها از جانب تو و در چیزهایی که برای تو می ستاند و از جانب تو می بخشد و کسی که قرارداد به سود تو را سست نبندد و (بلکه آن را استوار و زیاندار گرداند) و از گشادن گره قراردادی که به زیان تو بسته شده ناتوان نگردد و اندازه مقام و پایه خود را در کارها بداند؛ زیرا نادان به مقام و کار خویش به مقام و کار

دیگری نادانتر است (پس نویسنده

ص: 164

مخصوص ملک و حاکم باید به پایه و قدر خود دانا باشد تا پایه و کار هر کس را بشناسد) و دیگر ایشان را (برای کارها) به فراست و دریافتن و اطمینان و نیکوگمانی خود نباید برگزینی؛ زیرا مردان (کارگردانان) برای به دست آوردن دل حکمرانان آراسته و نیکو خدمت خود را می شناسانند (امانت و نیک نفسی و خیراندیشی از خود جلوه می دهند و عیوب و بدیهاشان را از والی می پوشانند تا او را فریفته اعتقاد و حسن ظن او را جلب نموده بر کارهای دیوانی برسند) در حالی که غیر از آنچه از خود نشان می دهند و خویش را به آن می آریند چیزی از خیرخواهی و امانت (در ایشان) نیست، ولی آنان را به کرداری که برای نیکان پیش از تو انجام داده اند بیازما. پس در این کار به کسی روی آور که در توده مردم اثری نیکوتر داشته باشد و در امانت بیش از همه زبانزد مردمان باشد و این آزمایش تو دلیل است بر فرمانبری تو از خدا و کسی (امام) که کار را به دست تو سپرده است و برای هر کاری از کارهایت رئیس و کارگردانی از نویسندگان قرار ده که بزرگی کارها او را مغلوب و ناتوان نکند و بسیاری آنها او را پریشان نسازد و هر گاه در نویسندگان عیب و بدی

باشد و تو از آن غافل باشی تو را به آن بدی می گیرند (بازخواست آن بر تو باشد).

با توجه به این سخن ارزشمند، صفاتی را که حضرت امیر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) برای کاتبان مطرح می فرمایند می توان به چند دسته تقسیم نمود:

- صلاحیت اخلاقی

- ظرفیت روحی

- هوشیاری

- سابقه نیکو در شغل و اجتماع

- صبر و تحمل

- درستکاری

- امانتداری

- خیرخواهی

در صورتی که آمار از سوی افراد متخصص و قابل اطمینان در سازمان، جمع آوری نشده باشد، برنامه ریزی هم با مشکل روبه رو می شود و امکانات موجود در مسیر درست به کارگرفته نخواهد شد؛ به بیان دیگر، آمار، مهمترین ابزار ارزیابی عملکرد گذشته، حال و برنامه ریزی برای آینده و یکی از عوامل اصلی مدیریت در هر سازمانی به شمار می رود؛ مقوله ای که ارزش آن روز به روز بیشتر می شود به طوری که دنیای جدید را جهان آمار و احتمالات نام نهاده اند.

بدون آمار کافی، دقیق و به هنگام، تعیین سیاست ها، برنامه ریزی، تعیین اهداف، راهکارها و فعالیت ها و در نهایت ارزیابی نتایج امکان پذیر نخواهد بود.

ص: 166

در قرن حاضر، که عصر اطلاعات است و توجه به پیچیدگی و گستردگی سامانه‌ها، آمار و اطلاعات در کنار سایر منابع همچون نیروی انسانی، منابع مالی و ... نیاز به مدیریت دارد. از این رو بحث جمع‌آوری علمی و منظم آمار و اطلاعات به یکی از ارکان‌های سامانه‌های مدیریتی تبدیل شده است. ماهیت آمار و اطلاعات به گونه‌ای است که نه تنها موجب آسان‌سازی برنامه‌ریزی می‌شود بلکه مدیران بهتر می‌توانند پاسخگوی نیازها و تقاضاهای مخاطبان خود باشند و این امر بدون آمار و اطلاعات دقیق و کارآمد و متمرکز امکان‌پذیر نیست. امانتداری در ثبت و انعکاس صحیح آمار بخشی از اتقان و محکم‌کاری است که پیامبر اعظم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به آن توصیه می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ (1)

خداوند متعال دوست می‌دارد هنگامی که یکی از شما مسلمانان کاری انجام می‌دهد، با دقت و اتقان لازم، محصول کارش را ارائه کند. از سوی دیگر افرادی که برای جمع‌آوری اطلاعات و آمار گماشته می‌شوند باید امانتدار باشند و اسرار سازمانی را افشا نکنند. این افراد باید توجیه شوند که انتشار آمار سازمان‌ها در ضربه زدن به آن مجموعه، نقش مهمی دارد. از این رو، حفظ آمار کارکنان، خودروها، کارخانجات، به شمار می‌آید.

ص: 167

در اسلام اموال مردم محترم، و حفظ و نگاهداری از اموال آنان وظیفه همگانی شمرده شده است؛ لذا هیچ کس حق تصاحب دارایی های دیگران را ندارد. به فرموده خداوند در قرآن کریم:

وَ اتُوا الْيَتَامَىٰ اَمْوَالَهُمْ وَ لَا تَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَ لَا تَاْكُلُوا اَمْوَالَهُمْ اِلَىٰ اَمْوَالِكُمْ اِنَّهٗ كَانَ حُوبًا كَبِيْرًا(1)

و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنها بدهید و اموال بد (خود) را با اموال خوب (آنها) عوض نکنید و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید؛ زیرا این گناه بزرگی است.

مالک مال دیگران شدن، اگر بدون اسباب شرعی و عرفی (از قبیل تجارت با رضایت، بخشش، ارث، اجاره و امثال آن) باشد، نتیجه ای جز کشمکش و تعارض در پی ندارد؛ به طور نمونه در این آیه دستور داده شده در برخورد با

اموال یتیمان نهایت دقت را بنمایند تا مبادا در حق یتیمان ظلم شود. امام مهدی f نیز در این رابطه می فرمایند:

فَلَا يَحِلُّ لِاحِدٍ اَنْ يَّتَصَرَّفَ مِنْ مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ اِذْنِهِ(2)

ص: 168

1- . سوره مبارکه نساء، آیه 2.

2- . بحار الانوار، ج 53، ص 183.

برای هیچ کس جایز نیست که بدون اذن صاحب مال در مالش تصرف کند.

در آموزه های دینی همچنانکه بر احترام به جان، ناموس و آبروی مردم تأکید شده، حرمت مال مردم نیز واجب شمرده شده و دست درازی هر کس به مال دیگری

بدون رضایت او محکوم شمرده شده است.

امیر مؤمنان (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند:

فَجَنَاهُ اِيْدِيهِمْ لَا تَكُوْنُ لِغَيْرِ اَفْوَاهِهِمْ (1)

دستاورد (کار و تلاش) مردم برای غیر دهان خودشان نیست.

این تکلیف صریح دین اسلام است و معلوم می شود اسلام هرگز ضرر رساندن به دیگران را در تعامل اقتصادی و اجتماعی نمی پذیرد. وقتی مطابق با آموزه ها و احکام دین اسلام با آب غصبی و یا در مکان غصب شده وضو و غسل باطل است، نشان از اهمیت حفظ حقوق هموعان در شریعت اسلامی دارد که شامل همه سطوح اقتصادی جامعه می شود.

امام خمینی (رحمه الله) می فرمایند:

«شما با اعراض مردم، با جان مردم، با اموال مردم سر و کار دارید و اگر چنانچه خدای نخواست به طور دقیق به طور شایسته عمل نشود، علاوه بر مسئولیت شرعیه نسبت

ص: 169

1- . نهج البلاغه، خطبه 232.

به اصل قضیه یک مسئولیت بزرگتری هم هست و آن این است که شما در جمهوری اسلامی هستید و ممکن است که جمهوری اسلامی در خطر بیفتد؛ یعنی وجهه اش یک وجهه ناشایسته ای بشود.»⁽¹⁾

اسلام به منظور حفظ اموال مردم، قوانینی را در متن برنامه های فرهنگی، اقتصادی و اجرایی خود گنجانده و برای حفظ امنیت مالی مسلمانان (و حتی پیروان دیگر ادیان و مکاتب) از هیچ گونه مساعدتی دریغ نورزیده است.

در اینجا به تعدادی از آن قوانین اشاره می شود:

1- هرگونه تصرف عدوانی ممنوع

اسلام هرگونه تصرف در مال مردم را بدون مجوز قانونی یا رضایت صاحب مال،

«غصب» و حرام شمرده است و چنین کاری را سبب فساد و هرج و مرج اقتصادی می داند؛ امام رضا (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرماید:

وَ حَرَّمَ غَصَبَ الْأَمْوَالِ وَ اخْتِذَاهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا لِمَانِيهِ مِنْ أَنْوَاعِ الْفُسَادِ

خداوند، غصب اموال و تصرف نامشروع آنها را حرام کرده چون منشأ انواع تباهی هاست.

و در ادامه درباره علت تحریم دزدی نیز می فرماید:

ص: 170

... وَحَرَّمَ السَّرْفَةَ لِمَافِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ وَقَتْلِ الْأَنْفُسِ لَوْكَانَتْ مُبَاحَةً (1)

خداوند، دزدی را نیز به این دلیل حرام کرد که اگر جایز بود سبب تباهی ثروت ها و کشتن نفوس می شد.

در همین راستا دوست، حق ندارد در اموال و اشیایی که متعلق به دوستش است، بدون رضایت و اجازه او تصرف کند و یا زن حق ندارد بدون اجازه شوهرش اموال او را به کسی ببخشد یا نذر کند. همچنین وکیل در چارچوب وکالت به تصرف در اموال موکل خود مجاز است و فراتر از آن حق ندارد.

در مکتب غنی اسلام، احترام به حقوق اقتصادی و مالکیت فردی، دلایل و توجیهاات بسیاری دارد. یکی از این دلایل، پیش گیری از رواج حرام خواری است. در این دین عزیز، لقمه حلال منشأ بسیاری از برکات و توفیقات دانسته شده و لقمه حرام باعث بسیاری از نگوئبختی ها است. در حدیثی قدسی از حق تعالی حرام خواری عامل بی ثمر شدن اعمال نیک و عبادات معرفی شده است:

وَالْعَمَلُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَنَاقِلِ الْمَاءِ فِي الْمُنْحَلِ (2)

عمل و اطاعت کردن با خوردن غذاهای حرام به منزله این است که شخص آب را در غربال از جایی بجایی ببرد.

2- ضرورت حفظ بیت المال

ص: 171

1- . عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج 2، ص 96.

2- . الجواهر السنیه؛ کلیات حدیث قدسی، ص 712.

دقت فراوان رهبران اسلام و تأکید بر حفظ و حراست از بیت المال مسلمانان و خودداری و جلوگیری از حیف و میل آن نیز فرایند مهمی در احترام و امنیت مالی مردم به شمار می آید. حفظ بیت المال خدمت به همه، و در صورت کوتاهی نیز فرد در برابر همه مسئول است. در تاریخ آمده است که پس از جنگ «حنین»، رزمندگان، گرداگرد پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جمع شدند و گفتند ای پیامبر خدا غنایم جنگی را میان ما تقسیم کن. آن حضرت، کنار شتری ایستاد و مقداری از کرک کوهانش را کند و به هوا افکند و فرمود:

«ای مردم! به خدا سوگند، من از غنایم- حتی مثل این کرک- جز خمس آن را نمی برم و آن هم به شما خواهد رسید. بنابراین، هر کس هر چه برده، حتی نخ و سوزن را هم برگرداند زیرا خیانت (به بیت المال) در قیامت برای خائن، بدترین ننگ و سبب ورود به دوزخ خواهد بود.»⁽¹⁾

رفتار حکیمانه و عادلانه رهبران معصوم (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) اسلام، ضمن هشدار به همه دست اندرکاران بیت المال، دلیل روشنی بر احترام فوق العاده اسلام به اموال عمومی است که باید فراگیر و مستمر در جامعه اسلامی ادامه یابد.

3- تأکید بر امانت داری

بازگرداندن امانت، خوی نیکوی انسانی است که از فطرت های پاک، سرچشمه می گیرد و عامل مؤثری در برقراری نظم و امنیت مالی جامعه به

ص: 172

1- . سیره ابن هشام، ج 4، ص 135.

شمار می آید و اسلام نیز بر آن، تأکید فراوان دارد و خداوند به هیچ کس اجازه کمترین خیانتی رانداده است.

امام باقر(عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید:

ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً: إِدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ... (1)

در سه چیز خداوند برای هیچ کس رخصت تخلف نداده است: ... ادای امانت به نیکوکار و بدکار

همچنین به شدت، خیانت را نکوهش کرده، مؤمنان را از آلوده شدن به آن بر حذر داشته اند؛ امیرمؤمنان(عَلَيْهِ السَّلَامُ) می فرماید:

مِنْ أَفْحَشِ الْخِيَانَةِ الْخِيَانَةُ بِالْوَدَائِعِ (2)

از زشت ترین خیانت ها، خیانت به امانت هاست.

در این راستا هرگونه کوتاهی در پرداخت حقوق مردم، مذبوم و ممنوع اعلام شده و تحت عنوان «حبس الحقوق» از گناهان کبیره شمرده شده است.

4- نگهداری از مال یتیم

کودکانی که گرد یتیمی بر چهره دارند و به سبب بی سرپرستی، اموالشان در معرض تهدید قرار می گیرد از سوی اسلام مورد حمایت ویژه قرار گرفته اند. قرآن مجید به کسانی که به عنوان قیم یا ولی این کودکان در اموالشان تصرف می کنند، گوشزد می کند که:

ص: 173

1- . الکافی، ج 2، ص 162.

2- . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص 253.

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ يُبْلَغُ اشْدَهُ... (1)

به ثروت یتیم- جز به نیکوترین وجه- نزدیک نشوید تا به سن رشد برسد.

از سویی، کسانی که مال یتیم را به ناحق مصرف کنند به آتش دوزخ تهدید شده اند. قرآن می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَّا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا (2)

کسانی که ثروت یتیمان را به ستم می خورند، همانا شکم خویش را از آتش آکنده اند.

حضرت کاظم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) با استناد به همین آیه، خوردن مال یتیم را از گناهان کبیره شمرده است. (3)

5- حفظ مال قاصر

اموال افراد نابالغ یا مجنون نیز باید به نحو احسن محافظت شود و تا وقتی صاحبانش از رشد عقلی کامل برخوردار نیستند باید با تعیین قیم از حیف و میل اموالشان جلوگیری کرد.

6- ملاحظت در گرفتن مالیات

حضرت امیر مؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در نامه بیست و پنج نهج البلاغه راه جمع آوری زکات و مهربانی نمودن به کسانی را که زکات می پردازند بیان فرموده است و

ص: 174

1- . سوره مبارکه انعام، آیه 152.

2- . سوره مبارکه نساء، آیه 10.

3- . وسائل الشیعه، ج 15، ص 318.

حتی در مورد آزار نرساندن به شترهایی که بابت زکات گرفته می شود به مأموران جمع آوری مالیات سفارش می کنند:

وَلَا تُرْوَعَنَّ مَسْلَمًا، وَلَا تَجْتَازَنَّ عَلَيْهِ كَارِهًا، وَلَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ، فَإِذَا قَدِمْتَ عَلَى الْحَيِّ فَأَنْزِلْ بِمَائِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَالِطَ آبِيَاتَهُمْ، ثُمَّ امْضِ إِلَيْهِمْ

بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ حَتَّى تَقُومَ بَيْنَهُمْ فَتَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَلَا تُخْدِجَ بِالتَّحِيَّةِ لَهُمْ...

فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ: لَا، فَلَا تُرَاجِعُهُ، وَإِنْ أَنْعَمَ لَكَ مُنْعِمٌ فَأَنْطَلِقْ مَعَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخِيفَهُ أَوْ تُوعِدَهُ أَوْ تُعَسِّفَهُ أَوْ تُرْهَقَهُ، فَخَذْ مَا أُعْطَاكَ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ، فَإِنْ كَانَ لَهُ مَشِيئَةٌ أَوْ إِبِلٌ فَلَا تَدْخُلْهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَإِنْ أَكْثَرَهَا لَهُ، فَإِذَا أَتَيْتَهَا فَلَا تَدْخُلْ عَلَيْهَا دُخُولَ مُسَلِّطٍ عَلَيْهِ، وَلَا عَنِيفٍ بِهِ، وَلَا تُتَفَرَّنَ بِهِمْ وَلَا تُفْرَعَنَّهَا، وَلَا تَسُوءَنَّ صَاحِبَهَا فِيهَا، وَاصْدَعْ الْمَالَ صَدْعَيْنِ، ثُمَّ خَيْرَهُ: فَإِذَا اخْتَارَ فَلَا تَعْرِضَنَّ لِمَا اخْتَارَهُ، ثُمَّ اصْدَعْ الْبَاقِيَ صَدْعَيْنِ، ثُمَّ خَيْرَهُ فَإِذَا اخْتَارَ فَلَا تَعْرِضَنَّ لِمَا اخْتَارَهُ

و چون فرمانروا هستی مسلمانی را مترسان (چنانکه عادت و روش حکمرانان ستمگر است) و بر (زمین و باغ) او گذر مکن در صورتیکه کراهت داشته به دلخواه او نباشد و بیشتر از حقی که خدا در دارائی او دارد امر فرموده پردازد از او

مگیر؛ پس چون به قبیله ای رسیدی بر سر آب آنها فرود آی بدون اینکه به خانه هاشان درآیی، بعد از آن با آرامش به سوی ایشان برو تا بین آنان بایستی، پس بر آنها سلام کن و درود بر ایشان را کوتاه منما (با آنان بی اعتنایی و کم احترامی مکن)...

پس اگر گوینده ای گفت زکات به من تعلق نگرفته به او مراجعه نکن دوباره سراغش مرو و اگر گوینده ای به تو گفت هست، همراهش برو بدون اینکه او را بترسانی و بیم دهی یا بر او سخت گرفته او را به دشواری واداری پس بگیر آنچه از طلا- و نقره به تو میدهد و اگر گاو و گوسفند و شتر داشته باشد بی اجازه او نزد آنها مرو، زیرا بیشتر آنها مال او است و چون نزد چهارپایان رسیدی به آنها نگاه مکن مانند کسی که بر صاحب آنها تسلط دارد و نه مانند کسی که بر او سخت گیرد و چهارپائی را نرانده مترسان و صاحب آن را در (گرفتن) آن مرنجان و مال را به دو بخش قسمت کن، پس (صاحب) او را مختار گردان (تا هر کدام را می خواهد اختیار نماید) پس هر گاه (یکی از آن

دورا) اختیار نمود متعرض آنچه اختیار کرده مشو (نگو چرا این را گزیدی) پس از آن باقی مانده را دو بخش گردان و باز او را مختار گردان (تا هر کدام را می خواهد اختیار کند) پس هر گاه

(یکی از آن دورا) اختیار نمود متعرض آنچه اختیار کرده مشو....

حضرت امام جعفر صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) از پدران بزرگوارش نقل می کند پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از مجبور کردن مردم برای پرداخت مالیات نهی کرده و فرموده است که سخن مردم در اینکه مالیات اسلامی به آنها تعلق گرفته است یا خیر کافی است و جایز نیست سالانه دو بار از مردم مالیات دریافت شود.

7- قاعده ید

در فقه اسلامی قوانینی برای حفظ اموال عمومی وضع شده است که از آن جمله می توان به این قانون اشاره کرد: قاعده ید یعنی هر کس هر مالی را در اختیار دارد از آن اوست مگر اینکه دلیل و شاهد خلافتش را ثابت کند.

8- قاعده لاضرر و لاضرار

یکی دیگر از قواعد اسلام، قاعده لاضرر و لاضرار است؛ یعنی هیچ کس حق ندارد برای نفع شخصی به دیگران زیان برساند. بنابر آنچه گذشت اموال مردم در پرتو نظام اسلامی کاملاً محترم و محفوظ است؛ یعنی نباید هیچ گونه تصرفی در اموال مردم شود، ولی مردم نیز وظیفه دارند وجوه شرعی و قانونی خود را پرداخت کنند. بر حاکمان و رهبران جامعه لازم است با مراعات اخلاق اسلامی و بدون سخت گیری، از آنان بستانند.

از بیانات مقام معظم رهبری (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) در زمینه امانتداری نسبت به اموال مردم است که فرمودند:

«یکی از خصوصیات، این است که مردم می خواهند این احساس را داشته باشند که مسئولان کشور در سطوح

مختلف، نسبت به موجودی کشور، امانتدار و امینند. این را من می خواهم از شما به طور جد بخواهم که مراقب باشید، این امانت و این روحیه امانتداری نسبت به آنچه که از مردم در اختیار ماست- بیت المال و آنچه که مربوط به ثروت های عمومی کشور است اختلال پیدا نکند.»(1)

پاسداری از جان مردم

نعمت حیات و جان از برترین نعمت هایی است که خداوند به بشر ارزانی داشته است و جان انسان را از همان آغاز آفرینش که نطفه ای بیش نیست مورد حمایت قرار داده است و کسانی که جان دیگران را به خطر می اندازند به شدت نکوهش کرده است.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا(2)

هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان ها را کشته و هر کس

ص: 178

1- .بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، 6/2/1376.

2- .سوره مبارکه مائده، آیه 32.

انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

حراست از این نعمت الهی همواره خواسته فطری بشر بوده است. انسان‌ها به طور غریزی از عواملی که سلامت و امنیتشان را به خطر بیندازد، می‌گریزند و یا با آن مبارزه می‌کنند. با افزایش جمعیت بشری و به وجود آمدن تمدن‌ها، گروه‌های خاصی مسئول حفظ و حراست از جان و امنیت عموم مردم شدند و در سایه قوانین تدوین شده از این حق طبیعی انسان به دفاع برخاسته‌اند. امروزه در همه کشورها، علاوه بر تلاش‌های فکری و فرهنگی، نهادها و سازمانهایی برای حفاظت و پاسداری از امنیت مردم هست. در کشور ما نیز نهادهای امنیتی به منظور پاسداری از جان، مال، عرض و آبرو و حقوق خدادادی و طبیعی مردم به این منظور ایجاد شده است. در نگاه این نهادها هر کس به نسبتی که امنیت اجتماعی به ویژه امنیت جانی را سلب می‌کند، باید مجازات، و خود از این نعمت بزرگ محروم شود.

جان مردم آنچنان دارای اهمیت است که خداوند متعال اولین موضوعی که در قیامت در مورد آن حکم می‌کند، خون‌هایی است که به ناحق ریخته شده است. امام علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در این باره می‌فرماید:

وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ مُبْتَدِئُ بِالْحُكْمِ بَيْنَ الْعِبَادِ فِيمَا تَسَافَكُوا مِنَ الدِّمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1)

ص: 179

1- . نهج البلاغه، نامه 53،

در روز قیامت، خداوند سبحان رسیدگی به اعمال بندگان را از خون های به ناحق ریخته شده آغاز خواهد کرد.

ایشان ریختن خون انسان ها را به ناحق، موجب کیفر الهی، پیامدهای سنگین، نابودی نعمت ها و زوال و نابودی حکومت ها می داند:

إِيَّاكَ وَالْدَّمَاءَ وَسَفْكَهَا بِغَيْرِ حِلِّهَا فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِنِقْمِهِ وَلَا أَعْظَمَ لِتَبِعِهِ وَلَا أَحْرَى بِزَوَالِ نِعْمَةٍ وَانْقِطَاعِ مَدَّةٍ مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ بِغَيْرِ حَقِّهَا (1)

از خون ناحق پروا کن و از خون ریزی حرام بپرهیز که هیچ چیز، همچون خون ناحق، کیفر الهی را نزدیک و مجازات را بزرگ نمی کند و نابودی نعمت ها و زوال حکومت ها را ممکن نمی گرداند.

مراغبت از جان مردم، بزرگترین خدمت و سود رسانی به مردم است. از حضرت رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) سؤال شد محبوبترین مردم نزد خدا کیست؟ ایشان فرمودند:

أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ (2)

ص: 180

1- . بحار الانوار، ج 74، ص 265.

2- . مستدرک الوسائل، ج 2، ص 403.

محبوبترین مردم نزد خداوند سودمندترین آنان برای مردم است.

با استناد به این حدیث گرانقدر، نیروی ارزشمند سازمان ها می تواند در سایه خدمت به مردم و سود رسانی هر بیشتر به ایشان، مورد حُب و دوستی عموم واقع، و بالاتر از آن مشمول رحمت و موهبت الهی گردد.

پاسداری از ارزش های درون سازمانی

ارزش های هر سازمان، اعتبارات بنیادی و واقعیت هایی که سازمان آنها را گرامی می شمارد و یا نسبت به آنها حساس است. ارزش های محوری، اصول اعتقادی دیر پا و اساسی هر سازمان است که باعث رشد و نمو افراد در قالب گروه می شود. ارزش های محوری هر سازمان به عنوان اصول راهنمای جاویدان به هیچ توجیهی نیاز ندارد و برای افراد درون سازمان ارزش و اهمیت ذاتی دارد.

ارزش های محوری سازمان می تواند به عنوان مبنایی مورد استفاده قرار گیرد که بر اساس آنها سیاست ها را تدوین کرد؛ حتی می توان با تکیه بر آنها، شیوه رفتار روزانه کارکنان و مبنای تصمیم گیری ها را در محل کار مشخص نمود. سازمان ها می باید هنگام برنامه ریزی های بلند مدت، ارزش های محوری مشخص خود را رعایت کنند و هنگام ارزیابی عملکرد، تصمیماتی را که در این زمینه می گیرند بر پایه ارزش های محوری خود بگذارند.

ارزش ها باید در روزگار سختی به کارکنان سازمان روحیه بدهد وگرنه ارزش نیست. ارزش ها شعار هر روزه ای است که احساس خوبی به کارکنان

می بخشند، ارزش های سازمانی، جنبه اخلاقی منافع سازمانی است؛ به طور مثال می توان چند نمونه از اصول و اعتبارات بنیادی و ارزش های سازمانی را این گونه بر شمرد:

- خدامحوری در کارها

- توجه به حقوق و کرامت انسانی

- عدالت محوری و مهرورزی

- شایسته سالاری

- نظم و قانون مداری

- مسئولیت پذیری و پایبندی به تعهدات

- پویایی سازمانی از طریق خلاقیت و نوآوری

- رعایت اصول مشتری مداری

- رعایت انضباط و شئون اخلاق اداری

- وجدان کاری

- احساس مالکیت کارکنان نسبت به سازمان

- ارتقای سطح فرهنگ ایمنی

- رسیدگی به نیروها

- توجه به بالا بردن سطح علمی و معنوی کارکنان

باور اصلی در سازمان های اسلامی بر این است که سرچشمه تمام قدرت ها حضرت احدیت است و پست و مقام امانتی است که نزد مدیران به

ودیعه نهاده شده است. پس خدمت در جهت جلب رضایت حق تعالی، مردم و کارکنان از اصول ارزشی آنان است. سازمان های توحیدی بر این باورند که

خودباوری، انعطاف پذیری و پویایی، نوآوری، شایسته سالاری، تعهد و صداقت، سرعت عمل در ارائه خدمات و رعایت عدالت در کارها از مهم ترین ارزش ها در سازمان است و باید تمام کارها، عزل و نصب ها، اندیشه پردازی ها و افکار در راستای جلب رضایت خداوند باشد.

پس از اینکه ارزش های سازمانی مشخص شد، دفاع و پاسداری از آنها از وظایف همه کارکنان و مدیران سازمان است.

زیر بنای پاسداری از ارزش های درون سازمانی در مرحله نخست، حفظ کرامت انسان ها و ارزش قائل شدن به نیروهای تحت امر، سربازان و درجه داران است. باید توجه کرد که اسلام، احترام به زمامداران و مدیران بلند پایه را تا جایی لازم می داند که حریم انسانیت حفظ شود. اگر خضوع و تذلل در برابر رؤسا با آیین نامه ها مطابق نباشد و یا حتی با کرامت ذاتی انسان در تضاد، و برای مدیران فایده عقلانی نداشته باشد، ناپسند است.

در تاریخ می خوانیم مردم شهر «انبار» با دیدن حضرت علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) طبق رسم دیرینه خود از اسب ها پیاده شدند و در برابرش به طور فشرده دویدند و پایکوبی کردند.

حضرت فرمود:

وَ اللَّهُ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أَمْرًاؤُكُمْ وَإِنَّكُمْ لَتَشُقُّونَ عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ وَ تَشُقُّونَ بِهِ فِي [أُخْرَاكُمْ] آخِرَتِكُمْ وَ مَا أَحْسَرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ وَ أَرْبَحَ الدَّعَةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ (1)

ص: 183

به خدا سوگند با این کار، زمامداران شما بهره ای نمی برند و شما با این کار در دنیا خود را به رنج و مشقت می افکنید و در آخرت به بدبختی و شقاوت دچار خواهید شد و چه زیانبار است مشقتی که پشت سر آن مجازات الهی باشد و چه پر سود است آرامشی که با آن ایمنی از آتش باشد.

با دقت در این سیره و سخن امام(عَلَيْهِ السَّلَامُ) معلوم می شود که مشروعیت آداب و رسوم، در عرصه های سیاسی و اجتماعی به ضدیت نداشتن آنها با اسلام منوط است. مراسمی که مخالف حریت ذاتی و کرامت انسانی و شئون مذهبی باشد از دیدگاه اسلام، مشروع نیست؛ هر چند مرسوم باشد و در میان مردم مقبول.

دومین گام اساسی برای پاسداری از ارزش های درون سازمانی، انتخاب افراد صالح برای جایگاه و سمت های سازمان و دقت در انتخاب نیروهای سازمانی است. چه بسا انتخاب نابجا و گزینش اشتباه و روی کار آمدن افراد نالایق باعث صدمات جبران ناپذیر در پیکره سازمانی گردد. امام صادق(عَلَيْهِ السَّلَامُ) در این موضوع به عمار بن موسی فرمودند:

يَا عَمَّارُ إِنْ كُنْتَ تُحِبُّ أَنْ تَسَدَّ تَبَبَ لَكَ النَّعْمَةُ وَ تَكْمُلَ لَكَ الْمُرُوءَةُ وَ تَصَلِّحَ لَكَ الْمَعِيشَةَ فَلَا تُشَارِكِ الْعَبِيدَ وَ السَّفَلَةَ فِي أَمْرِكَ فَإِنَّكَ إِنْ
اِئْتَمَرْتَهُمْ حَانُوكَ وَإِنْ حَدَّثُوكَ كَذْبُوكَ وَإِنْ نُكِبْتَ خَذْلُوكَ وَإِنْ وَعَدُوكَ أَخْلَفُوكَ (1)

ص: 184

ای عمار اگر خواهی که نعمت پا برجا باشد و مردانگیت کامل و بی عیب باشد و زندگیّت نیکو گردد، بنده های زر خرید و اشخاص پست را در کارهای خود وارد مکن؛ زیرا اگر امانتی بایشان سپاری بتو خیانت کنند و اگر خیری برایت آورند دروغ گویند و اگر به نکبت روزگار دچار شوی رهایت کنند و اگر وعده ای بتو دهند بدان وفا نکنند.

هر مجموعه ارزشی به اخلاق اسلامی و تعهدات خود در برابر مراجعه کنندگان و کارکنان پای بند است. این مجموعه با استفاده از فرهنگ تکریم ارباب رجوع، مسئولیت خود را به نحو مطلوب انجام می دهد و با اتکا به باورهای خود و استفاده از فناوری های روز به فردایی روشن می اندیشد.

ص: 185

* قرآن کریم

* نهج البلاغه سيد رضی، ابوالحسن محمد بن حسین، ترجمه فیض الاسلام، سيد علی نقی، چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات فقیه، 1378.

1. پاینده ابو القاسم، 1324 قمری، نهج الفصاحه، سازمان انتشارات جاویدان، ایران.

2. رازی، ابو جعفر بن یعقوب بن اسحاق (شیخ کلینی)، 1407 قمری، الکافی، قم، دارالحدیث.

3. شعیری محمد بن حیدر، 1363 شمسی، جامع الاخبار، نجف، المطبعه الحیدریه.

4. علی بن حسام علاء الدین، 1399 قمری، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله.

5. طبرسی، حسن بن فضل، 1370 شمسی، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی،

6. نوری، میزا حسین، 1382 شمسی، مستدرک الوسایل، آل البيت، تهران.

7. مکارم شیرازی، ناصر، 1385 شمسی، تفسیر نمونه، 17 جلد، قم، دار الکتب الاسلامیه.

8. آمدی، عبد الواحد تمیمی؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1366.
9. آمدی، عبد الواحد تمیمی؛ شارح، خوانساری، جمال الدین؛ شرح غرر الحکم و درر الکلم، 7 ج، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، 1366.
10. آمدی عبدالواحد بن محمد؛ 1378 قمری، غرر الحکم و درر الکلم، نشر فرهنگ معارف، تهران.
11. حرّ عاملی، محمّد بن حسن؛ وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، 30 ج، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، 1409 ق.
12. حر عاملی، محمد بن حسن؛ ترجمه کاظمی خلخالی، زین العابدین؛ الجواهر السنیه (کلیات حدیث قدسی)، چاپ سوم، تهران، انتشارات دهقان، 1380.
13. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر الاخبار؛ 1382 شمسی، اسلامی، تهران.
14. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار لدرر الاخبار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1423 ق.
15. خمینی، سید روح الله (امام امت)، صحیفه نور، 1388، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، تهران.

16. خمینی، سید روح الله (امام امت)، چهل حدیث، 1394، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
17. خمینی، سید روح الله (امام امت)؛ وصیت نامه سیاسی الهی، تهران، انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1378.
18. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، 1414، دارالثقافه، قم.
19. حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه؛ تحف العقول عن آل الرسول (ع)، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1404ق.
20. احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، 1358 ق، دارالصاد، بیروت، لبنان.
21. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، 1415، اسماعیلیان، قم.
22. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، سازمان لغت نامه دهخدا، 1364.
23. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، تهران، موسسه نشر صادق، 1387.
24. صابری یزدی، علی رضا، ترجمه انصاری محلاتی، محمدرضا؛ الحکم الزاهره، چاپ دوم، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، 1375.

25. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، الأمالی، 1 ج، چاپ پنجم، بیروت، اعلمی، 1400 ق.
26. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی؛ الخصال، 2 ج، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1362.
27. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی؛ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، چاپ اول، قم، انتشارات دار الرضی، 1406 ق.
28. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی؛ علل الشرائع، 2 ج، چاپ اول، قم، انتشارات داوری، 1368.
29. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی؛ عیون أخبار الرضا (ع)، 2 ج، تهران، انتشارات نشر جهان، 1378 ق.
30. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی؛ معانی الأخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1403 ق.
31. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی؛ من لایحضره الفقیه، 4 ج، قم، انتشارات جامعه مدرسین، 1404 ق.
32. طباطبائی، محمدحسین، ترجمه فقهی، محمد هادی، سنن النبی (ص)، چاپ هفتم، تهران، انتشارات اسلامی، 1378.
33. طبرسی، فضل بن حسن حفید؛ مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، نجف، انتشارات حیدریه، 1385 ق.

34. طیب واسطی، ابوالحسن علی بن محمد؛ مناقب الإمام علی بن أبی طالب (ع)، قم، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی، 1356.
35. عاملی نبطی جزینی، شمس الدین محمد بن مکی ترجمه مسعودی، عبد الهادی؛ الدرہ الباهرہ من الأصداف الطاهرہ، قم، انتشارات زائر، 1379.
36. معین، محمد، فرهنگ لغت معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، 1362.
37. مستغفری، ابو العباس، طب النبی (ص)، قم، انتشارات رضی، 1362.
38. حکیمی، محمدرضا، محمد، علی؛ ترجمه آرام، احمد؛ الحیاه، 6 جلد، چاپ هشتم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1380.
39. ورام مالکی اشتری، ابی الحسین، تنبیه الخواطر و نزہہ النواظر (معروف به مجموعه ورام)، 2 جلد، قم، مکتبه فقیه، چاپ اول، 1368.
40. عباس نژاد، محسن؛ قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاع رسانی کتابخانه تخصصی قرآن و علوم روز، 1384.
41. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات سمت 1387.
42. خامنه ای، سید علی (مقام معظم رهبری)؛ حدیث ولایت، تهران، دفتر مقام معظم رهبری، 1386.
43. عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، 1377 شمسی، تهران، امیرکبیر.

44. ابراهیمی، محمد، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، 1391 شمسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

45. نراقی، احمدبن محمد مهدی، معراج السعاده، 1387 شمسی، قم، آیین دانش.

46. طباطبایی، محمدحسین (مؤلف)، موسوی همدانی، محمدباقر (مترجم)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی 1374.

47. الهامی نیا، علی اصغر، سیره اخلاقی تربیتی امام خمینی، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، 1381.

48. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، چاپ سوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ج3، 1385.

ص: 191

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

